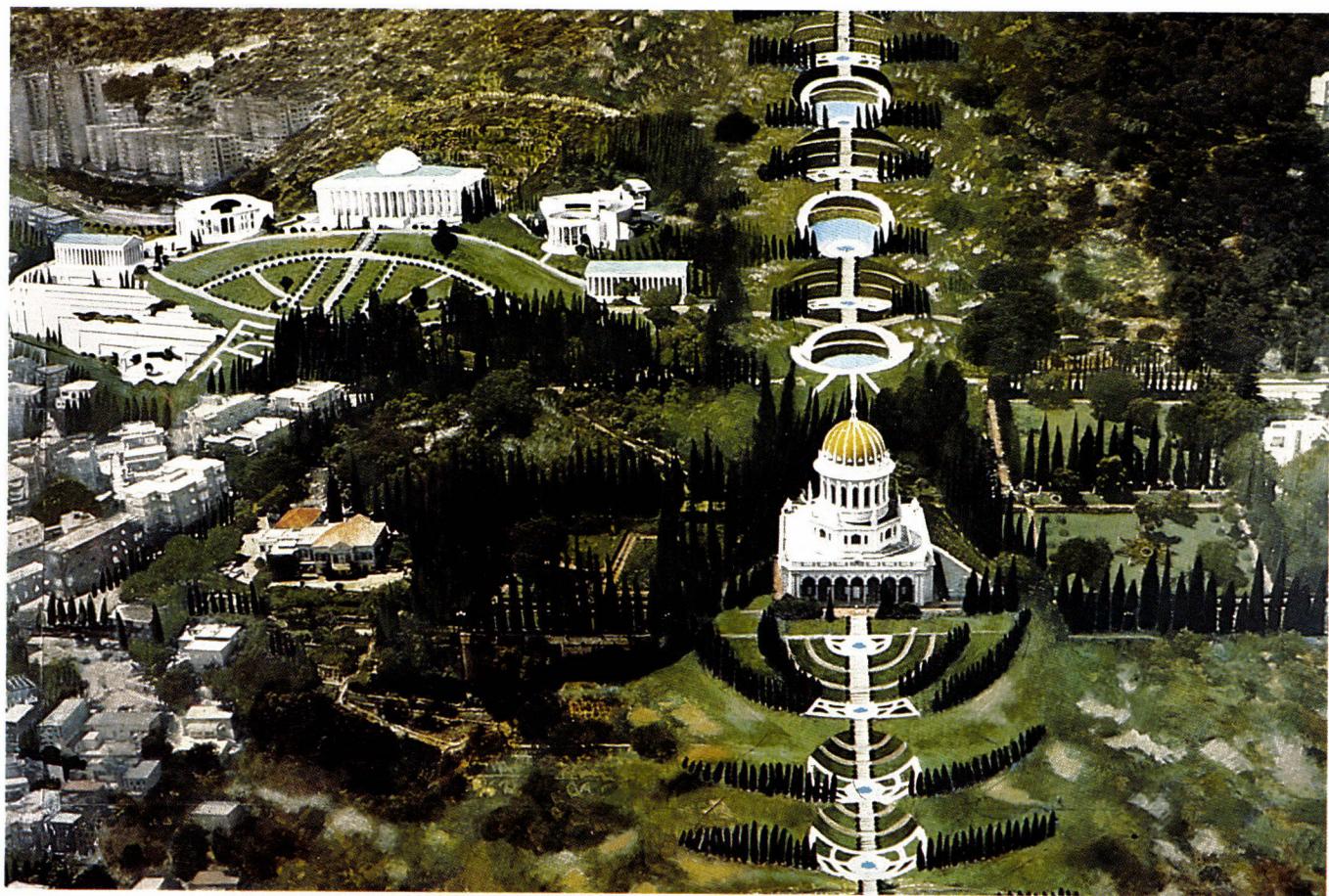
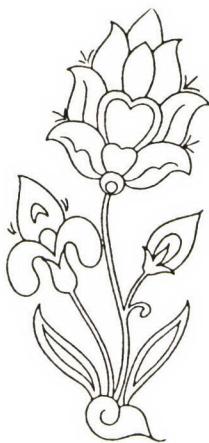


عنديك





خدا نیز محبه عذر کیم در نهیت سرور دش را عین عطش ضرور نداشت
بگمیں یاران خدا برای عصر فتحه و مزید مقتضیات خود را بخوبیم فلکه خواسته
راسته مقدار لامسند میخواست.

با تقدیم حیات بهائی

عند لیب

نشریه محقق روحا نی علی بهایان کانادا
بربان فارسی



شماره بیست و ششم «مُسلٰ»

No. 26

سال هفتم

Volume VII

۱۴۵
پیغمبر

بهار ۱۳۶۲ شمسی

Spring 1988

Andalib

7200 LESLIE STREET
THORNHILL, ONTARIO
L3T 6L8

«حق چاپ محفوظات»

فهرست مُنْدِرِ جَات

صفحه

۳	۱- لوح مبارک جمال قدم جل جلاله
۴-۵	۲- الواح مبارکه حضرت عبدالبهای جل شانمہ
۶-۸	۳- ترجمه پیام رضوان معهد اعلیٰ
۹-۱۰	۴- ترجمه تلکس‌های بیت العدل اعظم
۱۱	۵- مرقومه شریفه دارالانشاء معهد اعلیٰ
۱۲-۲۶	۶- مجموعه‌ای از نصوص مبارکه درباره (عهد و میثاق)
۲۷-۳۱	۷- ارمغانی از کوی دوست
۳۲-۳۳	۸- موهبت زیارت
۳۴-۳۷	۹- عظمت و برکت ایام مبارکه رضوان
۳۸-۴۵	۱۰- قصه در آثار بهائی
	۱۱- <u>تاریخ زرین شہادت :</u>
۴۶-۵۰	الف - شرح حال جناب اردشیر اختیاری راد و ترجمه قسمتی از توقيع منیع ظهور عدل الهی
۵۱-۵۲	ب - شرح حال جناب دکتر فیروز نعیمی
۵۳-۵۸	۱۲- تعلیم و تربیت
۵۹-۶۰	۱۳- شعر و ادب پارسی
۶۱-۶۲	۱۴- یادی از گذشتگان (حاج محمود قصابچی)
۶۳-۶۴	۱۵- هدف از مهاجرت
۶۵-۶۷	۱۶- چوانان
۶۸-۶۹	۱۷- کانونشن بین المللی بهائی
۷۰	۱۸- یک خبر از آلمان
۷۱-۷۲	۱۹- انجمن شور روحانی ملی بهائیان کانادا
۷۳-۷۹	۲۰- اخبار و بشارات امریکه
۸۰-۸۲	۲۱- اخبار مصوّر
۸۳-۸۴	۲۲- نامه‌هایی از دوستان

عکس‌های:

روی جلد: ساختمانهای قوس

پشت جلد خارج: اعضاء محترم بیت العدل اعظم الهی

پشت جلد داخل: کانونشن بین المللی در مرکز جهانی بهائی ۱۴۵ بدیع

طران کتاب انشا بنام خالق آشیانه بوده

اَنْشَاءِ اللّٰهِ دَرَأْيْنِ بِحَارَ رُوحَانِي اَزْبَارَنِ مِيَانِ رَحْمَتِ رُوحَانِي خَرْمَ وَمِيزَنَ
بَاشی ای دوستان ہر صاحب بستانی اشجار مغرسہ در آن راتریت نہاید
و اگر شاخہ از شاخہ را خشک مشاہدہ نمود او را قطع نماید چہ الگ بجالت خود
گذار و بجیمع شجرہ سرایت خواهد نمود تا آنکہ ہصل شجرہ میرسد پچھین آن
بستان را زگیباہمی مضرہ که روئیدہ پاک میکنید تا جمیع اشجار بہر آئند و ناس
از آن مستفعت شوند ای دوستان بستین ، لکن امکان راتریت نماید
و از خار و خاشک زیدہ مقدس دارید این بستین قلوب شاست ہنسکیه
شجرہ محبت رحاییہ را در بستان قلب خود کاشتہ باید او را حفظ نماید و از
باران اونکار سیراب دارو و از خاشک نفس و ہوی پاک کند ہیئت سخن
حکیم دانا سیکوست حال نفسی کے گلستان پروردگار فت ارنمود .

بپلاسٹه چناب حاج حسین پور
پرورد چناب آقا احمد و آقا محمد علی اردکانی

علیہما بحث آللہ

بہو اللہ

ای دو شمع روشن محبت اللہ درین جمع محل روحاںی برافروزید و سائش عشوی بسوزید
و بگذارید و نور بخشدید بیان نفس و ہوی بر اندازید و بسیاد حب و دفایہ بخشدید ارخلق بخزیر
گردید و بحق آگاہ شوید یعنی نظر باستحقاق پسر نماید بلکہ ناظر ملکوت انور باشید و با
جمع مل ارض بھایت مهر بانی و صداقت و امانت و مرادت و خیر خواہی و نجواری فدا
نماید سیّرات راحمات مقابله کنید و جمارا بوفا مقاومت نماید اگر جام زندگانی
ساغر شهد بخشدید و اگر سمشیر زند مرحم زخم گردید و اگر تیغ کشد در سبیل آسمی گردن
درین ندارید و اگر تیر زند در محبت اللہ سینہ سپر کنید ایام بگذارو وزندگانی بسرہ
پیچ نعمت ولدتی نماید ولی بلا یاری سبیل آسمی روح عظیمت و فضل حلیل زیر این بنائی
مقدسہ روحاںیہ در راه خدا باقی و برقرار ابدیست و سرمدی جاودائیت بی پایا

و علیکم الحجۃ و الشناہ رعی

هُوَ الْبَحْرِي

ای دوستان ای دوستان این دور کور خداوند بخلیل است و این قرن
عصر حی قدر عالم وجود در حرکت جنبش است و جهان آفرینش آیه الطاف
خداوند پر بجهش میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید
بنور موهبت کبری مزین بحر فضل و جود پر موج و خوش است گوش هوش
عاشقان جمال ای بحی همراه هلق و سروش جنود تایید ملکوت ای بحی پی در پی میرسد
و صبح هدی از ملام اعلی دادم مید مد نیان حمت پر فیضانست و سراح عنایت
چون مه میان آسمان ابواب ملکوت مفتوحت و صلایی عام گوش زدن هر نزدیک و
دور ظل مددود است و مقام محمود و کل در صون حمایت رب و دود شکر
ای فضل وجود ایست که چون آتش افزونه باشد و چون شمع پر شده و سوخته
چون برق سریع و روشن باشد و چون شخص دلاوت هر چمن والبها

عَلِيٌّ كُمْ يَا حَبْتَ إِلَهَ

س ع

پیام بیت العدل اعظم

خرداد سال ۱۹۸۸

خطاب به جایان عام

تحکیم اساس آن است . چشم اندازهای جدیدی برای تبلیغ امرالله در جمیع طبقات جامعه گشوده شده است .

موّید وجود این چشم اندازها همانا نتایج اولیّه حاصل از اقدامات تبلیغی در چندین نقطه مختلف است که پر مبنای آن هر روز جوامع ملّی بیشتری طاییع ، ، یدخون فی دین الله افواجاً ، ، را که حضرت مولی الوری وعده فرموده و حضرت ولی عزیز امرالله مقدمه اقبال عمومی مردمان محسوب نموده اند مشاهده مینمایند . امکاناتی که از این رحمت خداوندی حاصل آمده ما را بر آن میدارد که توسعه بیسابقه جامعه پیروان اسم اعظم را در انتظار باشیم .

بارقه ای که باعث این توجه دائم التزايد به امر حضرت بهاء الله گردید همانا پایمردی و شکیبائی یاران محبوب ایران بود که سبب شد جامعه جهانی بهائی از طریق یک برنامه مستمر و منظم وجود ان اهل عالم را به داوری فراخواند . این مشروع عظیم که مشارکت جمیع اعضای جامعه را متحداً در ظل لوای نظم اداری ایجاب مینمود ، با دیگر فعالیتهای پرتوان و نمایان جامعه امری در سایر میادین همراه بود که جزئیات آن در مقام دیگری ذکر گردیده است . معذلك میباید در این مقال نیز متذکر شویم که یکی از نتایج مهم این فعالیتهای دامنه دار تشخیص مرحله جدیدی در مورد روابط خارجی امرالله است که با بلوغ و پختگی آشکار محاذل روحانی ملّی در مورد روابط در حال رشد آنها با مؤسسات دولتی و سازمانهای غیر دولتی و بطور کلی با عموم مردم مشخص و ممتاز گردیده است

دوستان عزیز و محبوب :

با امیدی تازه جمیع آن عزیزان را در این ایام شکوه و شادمانی تهنیت میگوئیم . پرده ای از نور از پس چشم انداز تیره ای که قرن حاضر را در خود گرفته ، افق جهان بشری را روشنی میبخشد . اثرات آن در کششهای جدیدی که محرك جریانات اجتماعی در سراسر جهان گردیده و آثار تمایل روز افزونی که برای صلح مشاهده میشود ، به چشم میخورد . در داخل امرالله این اثرات به صورت قوای دافعه نظم بدیع حضرت بهاء الله جلوه نموده که درفش آن بر اوج قلل پر شکوهتری برافراشته میگردد . این قوا جاذب توجه دیگران است . در حال حاضر وسائل ارتباط جمعی توجه زیادی به جامعه جهانی بهائی نشان میدهدن . در تعداد قابل ملاحظه ای از کتب و مقالات و منابع و مأخذ نویسندها وجود آن را اذعان نموده اند . و یکی از معتبر ترین این منابع و مأخذ امر بهائی را بعنوان گستره ترین دیانت بعد از دیانت حضرت مسیح یاد کرده است . این ابراز علاقه و بذل توجه قابل ملاحظه نسبت به جامعه بهائی از طرف دول و مقامات مدنی و افراد برجسته و مؤسسات انسانی متزايداً به چشم میخورد . نه تنها احکام و اصول و طرز اداره و طریق حیات جامعه بهائی مورد بررسی قرار گرفته . بلکه مصلحت دید و مساعدت آن نیز برای تخفیف و حل مشکلات اجتماعی و چگونگی اجرای فعالیتهای بشر دوستانه به مدد طلبیده میشود .

یکی از نتایج مهم تقارن این واقعیت دستیابی به فرصتهای جدیدی جهت رشد جامعه جهانی بهائی و

باید تا مرحله اکمال دنبال شود . طبقات زیرین و زیرین مقام مقدس حضرت اعلی و ابنیه حول قوس در کوه کرمل باید تکمیل گردد و بدینسان نبوات راجع به بهاء و جلال کرم مقدس الهی تحقیق پذیرد . دومین مجمع جهانی باید در مدینه میثاق جهت تجلیل یکصدمین سالگرد آغاز و اعلان عهد و پیمان الهی منعقد گردد . امور مربوط به ترجمه و تحشیه کتاب مستطاب اقدس که با پیشرفت مداوم همراه بوده . باید به طبع و انتشار بیانجامد . علاقه ای که یاران به اجرای حکم حقوق الله نشان میدهند باید ازدیاد و گسترش یابد . مهاجران و مبلغان سیار باید همچنان به پیش تازند . مخارج امرالله باید تأمین گردد . جمیع اهداف نقشه شش ساله باید متحقق شود .

اما غافل نباید بود که هدف اصلی جمیع فعالیتهای بهائی تبلیغ امرالله است . آنچه از این پیش صورت گرفته و هر آنچه از این پس وقوع پذیرد طائف حول این ، اُس اساس است ، و کلیه پیشرفت‌های امر الهی موكول به آنست . موقعیت کنونی شریعت الهی مستلزم تبلیغ امرالله به میزان و کیفیت و تنوع و تمرکزی است که از جمیع مساعی حالیه پیشی جوید . زمان ، زمان قیام و اقدام است . مبادا که در اوضاع سریع التحول این جهان پر التهاب و آشوب . فرصت موجود از دست برود . نباید گمان برد که اغتنام فرصت و مصلحت جوئی عامل اصلی وجود این حسن ضرورت است . بلکه علت فائقه دیگری در کار است و آن موقعیت و گرفتاری رقت بار خیل آدمیان است که رنج میبرند و به اضطراب و آشوب دچار آمده اند . گرسنه کامان سفره صلاح و فضیلتند اما ، لیس لهم من بصر لیعرفوا الله بعيونهم او یسمعوا نغماته باذاتهم . اینان باید اطعم شوند . آنجا که امید از کف رها شده باید بصیرتی امید بخش داد و

تشخیص این مرحله جدید موجب گردید که در آلمان جلسه ای در ماه نوامبر سال گذشته مرکب از مسئولان روابط خارجی جوامع ملی بهائی اروپا و امریکای شمالی با حضور نمایندگان عالیرتبه دفاتر جامعه جهانی بهائی جهت ایجاد هماهنگی بیشتر در امور مربوطه منعقد گردد . انعقاد جلسه مذکور نخستین گام در راه وارد ساختن تعداد هر چه بیشتری از محافل روحانی ملی در شبکه ای بین المللی و هماهنگ بود تا بتوانند در این میدان سریع الاتساع به اجرای مشروعات جهانی اقدام نمایند . در ارتباط با این تحولات . باید از اعتبار جهانی که با عضویت رسمی آئین ربانی در ، شبکه دین و حفاظت محیط زیست ، از دوائر مؤسسه معروف ، صندوق جهانی طبیعت ، در ماه اکتبر سال گذشته به امر مبارک اعطاء گردید ، یاد نمود . حضرت ولی عزیز امرالله در یکی از تاریکترین دوره های ابتلا و مظلومیت یاران محبوب و ثابت قدم ایران اراده فرمودند که در طی مرقومه ای که سرشار از بصیرتی حیرت انگیز بود . آن عزیزان را اینچنین تسلی دهند : ، اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افshan اعز ابهائی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تأسیس فرماید و عالم ادنی را مرات جنت ابهی گرداند و یوم تبدل الارض غير الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید . ، تأملاتی از این قبیل که نتائج بدیع و شگفت انگیز آینده را بعنوان محصول ابتلایات هولناک یاران ایران خاطر نشان میسازد . فرصت‌های را که در این دوره خطیر از سرنوشت امرالله . در برابر همه اهل بهاء قرار گرفته نمودار میسازد . مشروعات عظیمی که تا کنون طرح و آغاز گردیده

به تنهائی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدس را تأمین نماید و آن اینکه حیات فردی و خصائل و صفات خصوصی ما تا چه درجه لمعان اصول جاودائی شریعت حضرت بهاء اللہ را در جوانب گوناگون خود منعکس میسازد (ترجمه) ... ای یاران عزیز : از زبان جانان به لقب ،، قرۃ العین ابداع (ترجمه) ،، ملقب گشته و به خطاب ،، شمائید میاه جاریه که حیات کل معلق به آن است . ،، مخاطب گردیده اید . با جدیتی تمام که از عمق اعتقاد این مشتاقان به موافقت شرایط زمانی مایه میگیرد . مصرانه ازآن یاران میخواهیم که جمیع امور جزئیه خویش را به یک سو نهند و هم خود را به تبلیغ و اعلان عمومی امرالله و توسعه نطاق دین الله و تحکیم اساس آن متوجه سازند . آن عزیزان باید این وظیفه روحانی را با اعتماد کامل به این نکته ایفاء نمایند که میدان هموار پیشرفتی که در برابر آن یاران گسترشده شده متأثر از حرکات آن ،، قوای الهیه است که در کنه ذات جمیع مخلوقات نبضان دارد و در حکم شمشیر دولبه ایست که در برایر چشمانمان از یک سو رشته های کهنه ای را که در طی قرنها شالوده جوامع متمدن را بهم پیوسته ، از هم میدارد . و از سوی دیگر ، زنجیرهایی که امر رفیع جمال قدم را به بند کشیده و هنوز آنرا از قید تعصبات رهائی نداده . از هم میگسلد (ترجمه) ...

بیم مدارید و تردید به دل راه مدهید . قوه میناقد مدد خواهد نمود و روحی تازه خواهد دمید و هر مانعی را که بر سر راه باشد مرتفع خواهد ساخت . ،، انه ينصر من نصره و يذكر من ذكره ،، به ادعیه مستمره این مشتاقان در حق جمیع آن عزیزان مطمئن باشند .

میناقد

آنجا که ظن و آشفتگی شیوع یافته ، باید اعتماد و اطمینان برقرار ساخت . بیانیه ،، وعده صلح جهانی ،، جهت راهگشائی در ارتباط با مسائل فوق تهیه گردیده است . حال که تقديم و اهداء آن به رهبران دول و ملل تقریباً اتمام یافته . باید محتوى و مطالبش به هر وسیله ای که ممکن باشد به همه مردمان از هر گروه و طبقه ای که باشند ارائه و اقامه گردد . چه که این امر جزء لازمی از فعالیتهاي تبلیغی در زمان حاضر است و باید با شور و اشتیاقی کاهش ناپذیر پیگیری شود . تبلیغ امرالله غذای روح است . مردان بستر غفلت را جانی تازه میدهد و ارض و سماء جدید را بر پا میدارد . درفش جهانی متحدد را بر میافرازد . پیروزی پیمان ایزدی را تضمین مینماید و به کسانی که زندگی خویش را وقف نشر نفحات کنند سعادت آسمانی کسب رضای الهی را اعطاء میدارد .

فرد فرد یاران از مرد و زن و خردسال و جوان به میدان تبلیغ فراخوانده شده اند . چه که موفقیت کل جامعه بهائی وابسته به اقدام و عزم جزم افراد به تبلیغ امرالله و خدمت به آن است . هر یک از افراد با ثبوت بر میثاق غلیظ حضرت بهاء الله و تلاوت روزانه ادعیه و آیات مقدسه و با قوتی که از تلاش مستمر برای درک عیقتنی از تعالیم ربائی میگیرد و نورانیتی که از کوشش مداوم برای مرتبط ساختن تعالیم الهی به مسائل جاری اخذ مینماید و پرورشی که از اطاعت احکام و اصول نظم بدیع جهان آرای جمال قدم می یابد . میتواند در تبلیغ امر به درجات فائقتری از موفقیت نائل آید . اجمالاً باید دانست که ضامن پیروزی نهائی امرالله همان است که در بیان مؤثر و مؤکد صادر از قلم حضرت ولی امرالله بدان اشاره گردیده است :

،، فقط و فقط یک امر میتواند بلا تردید و

ترجمه

پیامهای بیت العدل عظیم

که بوسیله تکس مخابره شده

۱۶ ژوئن ۱۹۸۸

یاران عزیز بهائی

اکنون با نهایت سرور انتصاب یاران مفصلة
الاسمی زیر را بعنوان مشاورین قاره ای اعلام
میداریم .

(George Allen)
(Hizzaya Hissani)
افریقا : جناب جرج الن
و جناب هزایا حسانی
Hissani

(Gustavo Correa)
amerika : جناب گوستاوو کورا
و دکتر ویلیام رابرتز Dr. William Roberts
Jacqueline Delahunt

آسیا : دکتر کیم مایونگ - جونگ Dr. Kim Myung - Jung
و امة الله شانتا Shantha Sundram
ساندرام .

اقیانوسیه : امة الله ویولت هاکه Violette Haake

(Patrick Mara)
اروپا جناب پاتریک امارا
و دکتر شاپور راسخ .

علاوه بر آن ، چون دو مشاور قاره ای که در
حال حاضر عضویت دارالتبلیغ بین المللی در
آمده اند قبلًا سمت امین صندوق قاره ای حوزه
مأموریت خود را داشته اند ، بدینوسیله
مشاوره قاره ای جناب پیتر مک لارن Petter Mc Laren
امین صندوق قاره ای امریکا و مشاور قاره ای جناب
بن آیالا Ben Ayala () را به سمت امین
صندوق اقیانوسیه منصوب مینماییم .

واقایع اخیره موجب شد که یازده پست مشاورین
قاره ای بلامتصدی شود . جناب ادیب
طاهرزاده عضویت بیت العدل اعظم انتخاب
شدند . دکتر فرزام ارباب ، جناب هارتوموت
گروسمن (Hartmut Grossman) ، امة الله
لرتا کینگ Lauretta King () ، جناب
دونالد راجرز Donald Rogers () ، امة الله
جوی استیونسن Joy Stevenson () ، و
جناب پیتر ووبیبا Peter Vuyiya () با
عنوان مشاور به عضویت دارالتبلیغ بین المللی
منصوب گردیدند .

بعلاوه دکتر شلی ساندرام Chellie Sundram
در سمت مشاور قاره ای آسیا نبودند و دکتر
ایرج ایمن و امة الله تلما خلقتی بر اثر ایجاد
شرایط و اوضاع و احوالی که از حیطه اختیارشان
خارج بوده ناگزیر شدند از قارات محل
مأموریتشان که به ترتیب آسیا و افریقا است ،
خارج شوند و همچنین جناب ادام ترن Adam Thorne
بدلائل شخصی بنچار از عضویت هیئت
مشاورین قاره ای اروپا استعفاء دادند .
ابتدا لازم میدانیم مراتب سپاس و قدر دانی
عیق خود را در قبال مجھودات این یاران عزیز
که در راه پیشرفت و تقدّم امر الهی طی سالهای
خدمتشان در سمت مشاور عرضه داشته اند
اعلام داشته و دعا کنیم که برکات و عنایات
حضرت بهاء الله در جمیع فعالیتهای که در
آنده مباشرت خواهند نمود شامل حالشان گردد .

نتیجه حاصله از مساعی ایشان در مدت کوتاه یک ماهه از خد تصور و انتظار خارج بود . بیش از یکصد هزار مرد و زن و جوان که بسیاری به همان گروه از خانواده ها وابسته بودند ، با مر الہی اقبال نمودند .

برنامه مؤثر بی گیری تنظیم شد که بموجب آن لا اقل ۵ مؤسسه تزئید معارف امری در هر ماه در نقاط مرکزی دائر و مشغول بکار شود . در حال حاضر ۱۰۰۰ تن از بهائیان تازه تصدیق به صندوقهای امری تبرعات تقديم میدارند و مجله بهائی هندی زبان را مشترک شده اند . با معارضت مشاوران مقادیر کثیری آثار بهائی بزیان هندی و از جمله شمایل حضرت مولی الوری تهیه شده تا در بین مؤمنین جدید توزیع گردد . نوار های صوتی (کاست) از آثار مقدسه ، ادعیه و نطق های ساده آماده گشته است . تشکیل سه کنفرانس بزرگ روستائی برای نسوان و جوانان و عائله ها برنامه ریزی شده و استقرار طرح های توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد بحث و مشاوره قرار گرفته است .

با اطمینان باینکه حصول توفیقاتی همانند در سایر نقاط کره زمین نیز میسر است ، به پیروان اسم اعظم در سراسر جهان تأکید میشود با تصمیمی خل ناپذیر بر اثر اقدام خواهران و برادران هندی خود بپا خیزند و نوع بشر را در این برهه خطیر از تاریخ بشر به امرالله فرا خوانند . برای وصول خبر نتایج حاصله از مجهداتشان مشتاقانه منتظریم و از تقديم ادعیه قلبیه ما در اعتاب مقدسه وطلب برکات از ساحت جمال قدم بمنتظر توفیق در مجاهدات مصمّمانه ایشان در میدان تبلیغ جمعی ، اطمینان داشته باشند .

بیت العدل عالم

همانگونه که هنگام برگزاری ششمین انجمن شور روحانی بین المللی بهائی و متعاقب آن در جلسات مشاورین بوضوح آشکار بود ، عالم بهائی به مرحله ای از مهمترین دوران توسعه و تکاملش راه یافته است که لامحاله امر تبلیغ میاید سرلوحه افکار و اقدامات هر پیرو مخلص و مؤمن حضرت بهاء اللہ قرار گیرد . میادین مبارزه و کفاح و فرصت های در دسترس ، بس عظیم است و با سپری شدن هر یوم بر تعدادشان افزوده میشود . ما از خداوند قادر متعال مسئلت داریم که مؤسسات نظم جنینی جهانی و یاران مؤمن خود را بخوبی بی سابقه مشمول تائیدات الهیه اش قرار دهد - یارانی که در راه انتشار پیام او در هر مرز و بومی از جهان از تحمل و قبول هیچگونه رنج و کوشش فرو گذار نمی کنند .

با ادعیه مشتقانه بهائی

بیت العدل عالم

۱۹۸۸ ژوئیه

با خوشوقتی و امتنان قلبی خبر تحسین آمیز و پر آوازه توفیقات حاصله در کشور هند را که نمایانگر ظهور اولین شواهد پاسخ به پیام رضوان میباشد ، با طلاق میرساند .

پیرو تصمیم محفل روحانی ملی که ماه ژوئن را ماه تبلیغ جمعی (Mass Teaching) تعیین نمودند ، شورای بهائی ایالت پرادش (Uttar Pradesh) نقشه هائی ویژه با تأکید خاص بر اقبال نسوان ، جوانان و عائله ها به امر الہی در سه بخش از آن ایالت ، طرح نمود .

با الهام گرفتن از نظرات مشاوران و تحت راهنمائی سه فرد هماهنگ کننده و دو نماینده شوری ، ۱۱۰ تن از نفوس مخلصه قیام نمودند که پیام جان بخش حضرت بهاء اللہ را بسمع هموطنان خود برسانند .

مرقومه شریفه دارالافتخار علی عطشان‌الله

شید‌الله‌کانه

۱۴۵ شهر الجلا ۱۹۸۸

۱۹ اپریل ۱۹۸۸

هیئت تحریریه مجله عنديب دامت تائیداتها

دوستان عزیز روحانی

در ۲۵ دسامبر ۱۹۸۷ میلادی مجموعه ای از نصوص و آثار مبارکه که بزبان انگلیسی در دائره مطالعه نصوص و الواح جمع آوری و تنظیم شده بود تحت عنوان ،، عهد و میثاق ،، (The Covenant) از طرف دیوان عدل الهی به محافل ملیه عالم ارسال گشت . حال با نهایت مسرت اصول فارسی و عربی نصوص مندرجہ در این مجموعه و نیز ترجمه فارسی فقراتی از آنها که اصلًا از قلم حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی مرقوم شده بوده به ضمیمه ارسال میگردد و توجه مطالعه کنندگان را باین نکته جلب مینماید که مجموعه حاضر با مجموعه منتشره بزبان انگلیسی مطابق است جز آنکه در مواردی محدود لزوماً عبارات بیشتری از نصوص مبارکه فارسی و عربی نقل گشته تا نقصی در ارائه کامل مطالب حاصل نشده باشد .

همچنین بدیهی است که در نقل فقراتی از کتاب ظهور عدل الهی و نظائر آن که خود از انگلیسی به فارسی ترجمه گشته بعضی از اصول فارسی و عربی نصوص مبارکه مندرج گردیده است .

حال که این مجموعه نفیسه در اختیار یاران فارسی زبان قرار میگیرد امید معهد اعلی چنان است که وسائل مطالعه آن برای جمیع احباب الهی فراهم گردد و مضامین مهمه مندرجہ در آن بدقت مورد توجه یاران قرار گیرد و تعمق در نکات عدیده دقیقه ای که در آن مذکور گشته در اقدامات یاران برای توسعه امر مبارک و تحکیم مبانی مؤسسات نظم اداری امر الهی مؤثر واقع گردد . درک جامع و حصول بصیرت عمیق در مفاهیم عهد و میثاق الهی که به قلم اعلای شارع اعظم، جمالقدم در عالم وجود تأسیس گشته و بعنوان موضوعی اساسی در نقشه شش ساله معهد اعلی تعیین گردیده ضامن حفظ و بقای جامعه امر بوده و خواهد بود .

حسب الامر معهد اعلی مرقوم گردید .

با تقدیم تحيات

زطف دارالافتخار علی عطشان‌الله

مجموعه ای از نصوص بہارک درباره

عهد و میثاق

حاوی اصل فارسی و عربی و ترجمه نصوصی که در

مجموعه انگلیسی تحت عنوان The Covenant

در دسامبر ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم نشر گشته است

تهییه و تنظیم : دائرة مطالعه نصوص و الواح - مرکز جهانی بهائی

اپریل ۱۹۸۸

عهد و میثاق

مقدمه

در معارف دینی عهد و میثاق عبارت از پیمانی است که حق جل جلاله با انسان میبندد و بموجب آن خدا از انسان کردار و رفتاری را انتظار دارد که اگر اطاعت نماید او را به عطاها و موهاب خویش مخصوص میسازد . به عبارت دیگر خداوند متعال به نوع انسان نعم و مواهی را عطا میفرماید و متقابلاً آنان را که از آن نعم و لاء متنعم شده اند متعهد میسازد تا به اعمال و رفتار مخصوصی که مرضی درگاه حق باشد عامل گردند . مثلًا هر مظہر الهی بموجب عهد و پیمان عام خویش با پیروان خود عهدی میبندد و وعده میهدد که در میقات مقرر مظہر ظہور دیگری ظاهر میشود و از آنان عهد میگیرد که دعوت آن مظہر ظہور را اجابت نمایند . همچنین آن مظہر ظہور بموجب عهد و میثاق خاص خویش با پیروان خود عهدی میبندد که

پس از او با جانشین منصوصش بیعت نمایند . اگر چنین کنند وحدت و صفات امر الهی محفوظ خواهد ماند والا به تفرقه دچار شده قوایش به هدر خواهد رفت . این همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت و حضرت عبدالبهاء چنین عهدی را از یاران الهی در باره نظم اداری بهائی گرفت تا علی ممّر الدهور بدان توجه نمایند . (ترجمه)

(قسمتی از دستخط بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احیاء مورخ ۲۳ مارچ ۱۹۷۵)

فهرست مطالب مندرجہ

اول - عهد و میثاق ، ، ... پیمانی که حق جل جلاله با انسان میبندد ، ،

دوم - ، ، ... هر مظہر الهی بموجب عهدو پیمان عام خویش با پیروان خود عهدی میبندد ، ،

سوم - عهد و میثاق خاص : ، ، ... همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت ، ، ،

چهارم - عهد و میثاق خاص ، ، ... حضرت عبدالبهاء چنین عهدی را از یاران الهی در باره نظم اداری گرفت ، ، ،

پنجم - وفای به عهد و میثاق ضامن آن است که : ، ، ... وحدت و صفات امر الهی محفوظ ماند ، ، ،

اول - عهد و میثاق ، ، ... پیمانی که حق جل جلاله با انسان میبندد ، ،

۱ - ان اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وحيه و مطلع امره الذي كان مقام نفسه في عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بكل الخير ... اذا فزتم بهذا المقام الاشتراك و الافق الاعلى ينبغي لكل نفس ان يتبع ما امر به من لدى المقصود لانهما معاً لا يقبل احدهما دون الآخر ... ان الذين اوتوا بصائر من الله يرون حدود الله السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم ... ان الذين نكتوا عهد الله في اوامره و نكسوا على اعقابهم اولئك من اهل الضلال لدى الغنى المتعال .

(،، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، ، (+) . ش ۱۵۵، ص ۲۱۳)

۲ - ... پس متابعت نفس ننمایید و عهد الله را مشکنید و نقض میثاق مکنید به استقامت تمام بدل و قلب و زبان به او توجه ننمایید و نباشید از بیخردان ... از پروردگار خود مکسلید و مباشید از غفلت کنندگان .

مشخصات کامل کتبچاپی را در قسمت کتاب شناسی ملاحظه نمائید .

(،، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ،، . ش ۱۵۳، ص ۲۱۱)

۳ - ... نعیماً لک بما وفیت میثاق الله و عهده ... کن خادماً لامر مولیک و ذاکراً بذکره و
مثنیاً بثنائه لینتبه به کل غافل بعيد ...

(،، مجموعه الواح جمال اقدس ابھی ،، . ص ۱۶۸ - ۱۶۹)

۴ - ... باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نقوص ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا به نصوص قاطعه از جمیع ما میثاق وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصائح الهیه و تعالیم ربانية رفتار نمائیم

(،، منتخباتی از مکاتیب ،، . ش ۳۵ ، ص ۶۸)

دوم ،، . هر مظہر الهی بموجب عهد و پیمان عام خویش با پیروان خود عهدی میبیند،،

سنت الهی ۵ - ... خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرموده و هیچ کتابی را نازل نفرموده مگر از کل اخذ عهد از ایمان به ظهور بعد و کتاب بعد گرفته زیرا که از برای فیض او تعطیل و حذی نبوده ...

(،، منتخبات آیات ،، . ص ۵۹ - ۶۰)

۶ - ... حضرت ابراهیم علیه السلام عهد موعود حضرت موسی را گرفت و بشارت به ظهور او داد و حضرت موسی عهد حضرت موعود حضرت مسیح را گرفت و عالم را به بشارت ظهور او مژده داد و حضرت مسیح عهد فارقلیط را گرفت و بشارت به ظهور او داد و حضرت رسول محمد عهد حضرت باب را گرفت و باب موعود حضرت محمد بود زیرا بشارت به ظهور او داد و حضرت باب عهد جمال مبارک حضرت بهاء الله را گرفت و بشارت به ظهور او داد زیرا جمال مبارک موعود حضرت باب بود و جمال مبارک است و بعد از هزار سال یا هزاران سال ظهور خواهد نمود و همچنین یافت و آن موعود جمال مبارک است و بعد از هزار یا هزاران سال ظهور خواهد نمود و باز هم میثاق باز قلم اعلی عهد و میثاقی عظیم از جمیع بهائیان گرفت که بعد از صعود متابعت مرکز میثاق نمایند و سر موئی از اطاعت او انحراف نجویند و در کتاب اقدس در دو موقع صراحتاً امر قطعی فرمودند و بتصریح مبین کتاب را تعیین کردند و در جمیع الواح الهیه علی الخصوص سوره غصن که معانی آن جمیع عبودیت عبدالبهاء است یعنی عبدالبهاء آنچه باید و شاید از قلم اعلی نازل و عبدالبهاء چون مبین کتاب است میگوید این سوره غصن یعنی عبدالبهاء عبودیت عبدالبهاء است و بس ...

(لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به چارلز میسن ریمی)

ظهور حضرت بهاء الله

٧ - ... ای رب هذا يوم بشرت الكل فيه بظهورك و طلوعك و اشراقك و اخذت عهد مشرق وحيك في كتبك و زيرك و صحفك و الواحد و جعلت البيان مبشرًا لهذا الظهور الاعظم الابهی وهذا الطلوان الانور الاسنی ...

(، مناجات ، ، . ص ١٨٤)

عهد و ميثاق حضرت بهاء الله در باره ظهور بعدی

٨ - ... و انّ يمثل ما قد ابعث الله الرسل من قبل نقطة البيان ليبعثن الله من يظهره الله ثم من يشاء من بعده و الله على كل شيء قادر ...

(، منتخبات آيات ، ، . ص ١٠٣)

٩ - من يدعى أمراً قبل اتمام الف سنة كاملة انه كذاب مفتر ... اگر نفسی بكل آيات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنه كامله که هر سنه آن دوازده ماه بما نزل في الفرقان و نوزده شهر بما نزل في البيان که هر شهري نوزده يوم مذكور است ابداً تصديق متمايزد .

(از حضرت بهاء الله منقول در ، دوره بهائی ، . ص ٥٥)

١٠ - قرنها بكدرد و دهرها بسر آيد و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقيقة در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید ... و اما المظاهر المقدسة التي تأتي من بعد في ظلال من الغمام من حيث الاستفاضة هم في ظل جمال القدم و من حيث الافاضة يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد .

(از حضرت عبدالبهاء منقول در ، جلوه مدنیت جهانی ، . ص ١٥-١٦)

سوم - عهد و ميثاق خاص : ، ، . همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت ... ،

تعیین جانشین

١١ - باید اغصان و افنان و منتسبيهن طرًا به غصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه في كتابی القدس اذا غيض بحر الوصال و قضي كتاب العبداء في المال توجّهوا الى من اراده الله الذي انشعب من هذا الاصل القديم مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم (حضرت عبدالبهاء) بوده

كذلك اظهرنا الامر فضلاً من عندنا و انا الفضال الكريم .

(حضرت بهاء الله ، كتاب عهدی)

۱۲ - به نص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبین کتاب فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده .

(از حضرت عبدالبهاء منقول در ، دور بهائي ، ص ۶۱)

۱۳ -اليوم اهم امور ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق است که سبب رفع هر اختلاف است ...
عهدی که جمال مبارک گرفت آن نیست که عبدالبهاء مظہر موعد است بلکه عبدالبهاء مبین کتاب
و مرکز میثاق است و موعد حضرت بهاء الله بعد از هزار یا چند هزار سال ظاهر شود . این
است عهد و میثاق حضرت بهاء الله هرکس از آن انعرف جوید در آستان مبارک مقیول نیاشد
اگر اختلافی در میان آید باید به عبدالبهاء رجوع نمایند و کل طائف حول رضای او باشند بعد از
عبدالبهاء چون بیت العدل اعظم تشکیل یابد او به رفع اختلاف پردازد . (ترجمه)

(از حضرت عبدالبهاء ، نجم باختر ، ج ۴، ش ۱۴ ، ص ۲۳۷)

۱۴ - در اعصار گذشته همیشه اختلافات و انشقاقات مذهبی وجود داشته است زیرا هر کسی فکر
و عقیده جدیدی را به خدا نسبت داده است ، اما حضرت بهاء الله اراده فرمود که در میان
بهائیان هرگز علتی برای ایجاد اختلاف نمایند لهذا بقلم مبارک کتاب عهدش را مرقوم و خطاب به
منتسبین و اهل عالم چنین فرمود که من شخصی را که مرکز عهد و پیمان من است معین نمودم و
باید همه با و توجه نمایند و از او اطاعت کنند زیرا اوست مبین کتاب الله و اوست واقف بر
مقصد امرالله و مرجع جميع احباء الله آنچه او بیان کند صواب است چه که اوست واقف بر
اسرار کتاب الله و لاغیر . مقصود از این بیان مبارک آنکه در میان اهل بهاء دیگر اختلاف و
انشقاقی نمایند و همواره متعدد و متفق نمایند ... لهذا هر کس از مرکز میثاقش اطاعت نماید
از جمال مبارک اطاعت کرده و هر کس مخالفت نماید با جمال مبارک مخالفت نموده ... زنمار
زنمار که شخصی از فکر خود حرفی زند و از پیش خود بدعتی گذارد زنمار زنمار که چنین شخصی
را اعتنای نماید زیرا بوجب عهد و پیمان حضرت بهاء الله اجتناب از چنین شخصی واجب و
لازم ، حضرت بهاء الله از حنین نفوس بیزارند . (ترجمه)

(Abdu'l-Baha' , " The Promulgation of Universal Peace " 1982, PP.322-323S

۱۵ - حضرت عبدالبهاء در رتبه اولی مرکز و محور عهد و میثاق بی مثیل حضرت بهاء الله و اعلى
صنع یدعاپیش و مرآت صافی انوارش و مثل اعلای تعالیم و مبین مصون از خطای آیاتش و جامع
جميع کمالات و مظہر کلیه صفات و فضائل بهائی و غصن اعظم منشعب از اصل قدیم و غصن الامر
و حقیقت من طاف حوله الاسماء و مصدر و منشاء وحدت عالم انسانی و رایت صلح اعظم و قمر
سماء این شرع مقدس بوده و الى الابد خواهد بود و نام معجزشیم عبدالبهاء بنحو اتم و اکمل و

احسن جامع جمیع این نعمت و اوصاف است و اعظم از کل این اسماء عنوان منیع ،، سرالله ،، است که حضرت بهاء الله در توصیف آن حضرت اختیار فرموده اند و با آنکه به هیچ وجه این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد مع الوصف حاکی از آن است که چگونه خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متعدد گشته است .

(،، دور بهائی ،، ۰ ص ۵۷ - ۵۸)

۱۶ - حضرت بهاء الله مصدر وحی الهی در این دور افحُم ، و مطلع امر ، و منشاء عدل ، و رافع صلح اعظم ، و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم ، و منبع الہام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم ، و مؤلف قلوب ، و محیی امم ، و داور کردگار و شارع امر پروردگار ، استقرار ملکوت الله را در بسیط غیرا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسّساتش را ایجاد فرمود و برای آنکه قوای قدسیه منبعثه از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و در جهت مقصود همچنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیاد نهاد که قوه دافعه اش متنابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدّم جهانگیر آئین نازنینش گردیده است و حال همان قوه عظیمه میثاق مقاصد جانفزايش را بواسطه اجراءات بیت العدل اعظم استقرار بخشد و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء ست مقصود اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که در مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیمش از تصرف و انحراف و تصلب و انجاماد میّری و مصون ماند .
(ترجمه)

(،، قانون اساسی بیت العدل اعظم ،،)

عهد و میثاق بی سابقه و نظیر حضرت بهاء الله

۱۷ - اما اعظم امتیاز ظهور حضرت بهاء الله امری است که در ادیان سلف سابقه نداشته و آن تعیین و تنصیص مرکز میثاق است و به این ترتیب جمال مبارک دین الهی را از اختلاف و تفرق حفظ نموده تا کسی را مجال نمائند که در آن منصب و مسلکی ایجاد تواند .
(ترجمه)
(Abdu'l-Baha' ، "The Promulgation of Universal Peace "، 1982، PP. 455 -456)

۱۸ - برای آنکه قوای فائقه محیطه که از مشیّت نافذه سبحانیه سرچشمه گرفته پس از افوال نیر توحید از حیز امکان و طلوع و اشراقش از مطلع لامکان در مجازی حقیقیه خویش سریان یابد و وحدت و عظمت آن محفوظ ماند جمال اقدس ابھی اساسی منصوص و بنیانی مرصوص که با قدرت و قوت بالغه مخصوص و بانفس مقدس شارع اعظم موسّس و موحد این کور ابدع افحُم مرتبط و پیوسته است بنیاد و آن اساس تأسیس میثاق حی مبین و پیمان حضرت رب العالمین است که اصول و

دعایم آن را طلعت نوراء قبل از عروج بعالیم بقا بکمال متأنی و اتقان بنیان فرمود این عهد وثیق و میثاق غلیظ همان عهد قدیم و منهج قویمی است که از قبل در کتاب مستطاب اقدس تصریح گردیده و هیکل قدم بنفسه المقدس هنکامی که عائله مبارکه در ایام قرب بصعود در آخرین تودیع آن محیی رم در بالین مبارک مجتمع شده بودند بدان اشاره فرمود و آن را در کتاب وصیت خود که به ، ، کتاب عهدی ، ملقب و موصوف است مندرج ساخت و آن ودیعه الهیه را در همان احیان به غصن اعظم و مرکز عهد اتم اقومش بسپرد ... آن رّق منشور و کتاب مسطور که از کلک منیر ابھی به ، ، اکبر الواح ، موسوم و در رساله ابن ذئب به ، ، صحیفه حمراء ، موصوف و منعوت ... عهد و میثاقی که جمال اقدس ابھی تأسیس فرمود در کتب و صحف مقدسه و الواح و زبر سماویه در اعصار و ادوار ماضیه حتی در بین آثار مبارکه حضرت رب اعلی نظیر و مثیل ندارد چه که در هیچیک از شرایع و ادیان سالفه چنین میثاق عظیم و پیمان قویم که در این دور کریم بنیان گردیده موجود نیست و چنین قدرت و اختیار عظیم که بنص صریح من دون تاویل و تلویح از طرف شارع قادر به مرکز منصوص و مقر مخصوص عنایت شده مذکور و مشهود نه .

(، ، کتاب قرن بدیع ، ، ج ۳ ۰ ص ۲ - ۶)

۱۹ - ،،،اما بین این ظهور و ظهورات سابقه فرق و امتیاز فراوان در میان زیرا حضرت بهاء اللہ به نص صریح فرمود هذا یوم لایعقبه اللیل و عهد و میثاقی تأسیس فرمود که به موجب آن مرکز هدایت الهیه در جهان دوام یابد . امرالله از نقوس جاه طلب که مقصدی جز قبضه زمام امور و تعریف کلمه اللہ نداشته خالی نبوده است . اما این نقوس مغوره همیشه سرشان به سنگ میثاق خورده و امیدشان بیاس مبدل شده است . (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم . ۱۴ زانویه ۱۹۷۹)

چهارم - عهد و میثاق خاص : ،،،، حضرت عبدالبهاء چنین عهدی را از یاران الهی در باره نظم اداری گرفت ،،،،

دو وصی

۲۰ - ای یاران مهریان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امرالله و احبابی جمال ابھی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحة رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افتدى تعایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و لی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء الله است و مبین آیات الله و من بعده بکراً بعد بکر یعنی در سلاله او .

(، الواح وصایا ، ، ص ۱۱ - ۱۲)

۲۱ - اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصنوناً من کل خطأ باید به انتخاب عمومی یعنی

نفوس مومنه تشکیل شود ، و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند ...

(، الواح وصایا ، ، . ص ۱۵)

۲۲ - ... مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثیرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است ...

(، الواح وصایا ، ، . ص ۲۱)

۲۳ - ... آن هیاکل مقدسه (حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء) با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه توأمان بین العدل اعظم و ولایت امرالله را به عنوان جانشینان خود معین فرموده اند که بر وفق تقدیرات مقدّره الهی به وظائفشان پردازند و این وظائف همانا اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه مؤسسات و تطابق امر الله در عین امانت و حکمت با مقتضیات دائم التغییر زمان و تحقق میراث مرغوب خال ناپذیر باشی امر یزدان در عالم امکان است . (ترجمه)
(" The World Order of Bahá'u'lláh " : 1982, PP. 19-20)

۲۴ - ... بنا بر عهد و میثاق الهی حضرت شوقی افندی در دوره حیات مبارکش به عنوان ولی امرالله مرجع اهل بهاء محسوب ... و حال مقام مرجعیت اهل بهاء به بیت العدل اعظم راجع .
(ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم . ۹ نوامبر ۱۹۸۱)

سلطه و اختیار

۲۵ - ... فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابیهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهنده مِن عند الله است من خالقه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من انحاز و افتراق و اعتزل عنه فقد اعتزل واجتنب و ابتعد عن الله ...

(، الواح وصایا ، ، . ص ۱۲)

۲۶ - ... از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه است . تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر

منصوصه حضرت بهاء الله است هیچیک از این دو نمیتواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و
هرگز نیز تعدی نخواهد نمود ...

(، دور بهائی ، ، ص ۷۹ - ۸۰)

۲۷ - باید بخاطر داشت که الواح حضرت بهاء الله بالصرّاحه حاکی از آنست که اعضای بیت
عدل اعظم در تمثیلت امور اداری امر الله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین
خود نمیباشند و نباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه و حتی عقاید جمهور مومنین و
مومنات و یا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده اند قرار گیرند بلکه باید همواره در
حال توجه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و بر ایشان فرض است که به اوضاع و
احوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند و بقضایای مرجوعه بدون شایه غرض رسیدگی
کنند . ولی حق نهائی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند کلمه مبارکه (انه یلهمهم ما
یشاء) اطمینان صریح حضرت بهاء الله به این نفووس است و بنابراین فقط این نفووس مهابط
هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین .

(، دور بهائی ، ، ص ۸۵ - ۸۶)

صعود حضرت ولی امرالله

۲۸ - در موقع صعود حضرت ولی محیوب امرالله از اوضاع و احوال و همچنین مقتضیات صریح
نصوص مبارکه واضح بود که برای آن حضرت غیر ممکن بود طبق مندرجات الواح وصایای حضرت
عبدالبهاء جانشینی برای خود انتخاب نمایند ... (۱) (ترجمه)

(، دستخطهای بیت العدل اعظم ، ج ۱ ، ص ۱۵۸)

۲۹ - بیت العدل اعظم متوجهًا مبتہلاً بعد از غور و تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به
تعیین وصی حضرت شوقی افندی ربانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل و همچنین ملاحظه
آراء حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس باین نتیجه رسید که طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی
وصی حضرت شوقی افندی ربانی بكلی مسدود و امکان تشریع قوانینی که تعیین من هو بعده را
میسر سازد بالمره مفقود است . این قرار را به جمیع یاران ابلاغ نمایید .

(، دستخطهای بیت العدل اعظم ، ، ج ۱ ، ص ۱۵)

بیت العدل اعظم

۳۰ - عهد و میثاق حضرت بهاء الله نا گستنی و قدرت فائقه محیطه اش خال ناپذیر است دو
کیفیت خاص که این میثاق عظیم را از مواثیق الهیه در ادیان سالفة ممتاز و مشخص میسازد

(۱) حضرت ولی امرالله فرزندی نداشتند و اغصان نقض عهد نموده بودند .

پیوسته لن یتغیر و نافذ بوده و خواهد بود . اول کلمة الله که در این دور اعظم بظارت و اصالت خود باقی و به تبیینات مقدسه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مؤکد و از تصرفات افکار و عقاید مجعله بشری مبڑی و از قیاسات و استنباطات نارسا و تعبیرات و تفسیرات غیر منصوص مصون و محفوظ خواهد بود . ثانی هدایت الهی که باب آن همواره مفتوح بوده و هست و اکنون از طریق مؤسسه عظیمه ای که باراده مقدسه حضرت بهاء الله تأسیس یافته و به عنایات مبارکه اش قدرت عالیه وهدایت لاریبیه بدان مفوض کشته تجلی مینماید ، مؤسسه ای که پر حسب مقتضیات زمان و مکان امور جامعه انسانی را تعشیت می بخشد . حضرت مولی الوری راجع به این مؤسسه عظیمه چنین میفرماید: ، این مجمع مرجع کل امور است ، . حال مصدق بیان مبارکه حضرت بهاء الله واضح و آشکار میگردد که میفرماید : ، ید قدرت الهی این ظهور اعظم را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم امکان بنیان آنرا هرگز منهدم ننماید و اوها مبشریه بنیاد آنرا متزلزل نسازد ، ((ترجمه)

(، دستخطهای بیت العدل اعظم ، ج ۱ ، ص ۲۰ - ۲۲)

۳۱ - بیت العدل اعظم که بفرموده هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در آینده ایام به عنوان ، آخرین ملجاء و پناه مدنیت متزلزل و پر آشوب ، محسوب ، در حال حاضر در غیبت ولی امر تنها مؤسسه ای است در عالم که تحت هدایت مصون از خطای الهی قرار داشته و همه باید با آن ناظر باشند . این مؤسسه مسئولیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی را بر حسب نصوص مبارکه بر عهده دارد ... (ترجمه)

(، دستخطهای بیت العدل اعظم ، ج ۱ . ص ۳۲۰)

۳۲- معصومیت بیت العدل اعظم در حدود معینه خودش معلق به حضور ولی امرالله به عنوان عضو آن هیئت نیست ... هر چند از وظیفه ولی امرالله به عنوان عضو و رئیس مقدس مادام العمر بیت العدل اعظم خارج باشد معدلک در عین انجام امور در دائره مخصوص خود این حق و وظیفه را دارد که ، حدود عمل قانون گزاری ، بیت العدل اعظم را معلوم نماید بعباره اخري ولی امرالله اختیار بیان این مطلب را داشته است که فلان موضوع در نصوص مقدسه ذکر شده است یا نه و بنابر این آیا در حیطه اختیار بیت العدل اعظم بوده است که در باره آن قانونی وضع نماید یا خیر و غیر از ولی امرالله هیچکس حق و اقتدار چنین اظهار نظری را ندارد و در نتیجه این سؤال پیش میآید که در غیبت ولی امرالله آیا بیت العدل اعظم در معرض انحراف از منهج مستقیم خود نخواهد بود و در ورطه خطا و اشتباه نخواهد افتاد ؟ در اینجا سه موضوع را ما باید بخاطر بیاوریم :

اول اینکه حضرت شوقی افندی طی سی و شش سال دوره ولایت خود تبیینات و توضیحات بیشمار ادا فرموده و بیانات حضرت عبدالبهاء و جمال اقدس ابھی را تکمیل نموده است و چنانکه قبل از بیان خاطر نشان گردیده بیت العدل اعظم برای اینکه در موضوعی بخواهد وضع قانون نماید این عمل قانون گزاری همیشه مسبوق به تمدن دقیق در آثار و تبیینات مبارکه میباشد .

ثانیاً بيت العدل اعظم با اینکه متکی بهدایت الهی است بخوبی غیبت ولی امرالله را درک میکند و تنها موقعی بوضع قانون می پردازد که از شمول آن در حوزه حاکمیت و اختیار خود مطمئن باشد . حوزه حاکمیتی که حضرت ولی امرالله مُوَكَّداً در باره آن میفرمایند : ، ، به کمال وضوح تعیین و تصریح گردیده است ، ،

ثالثاً ما نباید بیان کتبی حضرت ولی امرالله را در باره این دو مؤسسه فراموش کنیم که میفرماید : ، ، هیچکدام از آنها نمیتواند و هرگز نباید به حدود و وظائف مقدسه و مقرره دیگری تخطی نماید . ، ،

(، ، دستخطهای بيت العدل اعظم ، ، ج ۱ ، ص ۳۰۳ - ۳۰۷)

۳۳ بيت العدل اعظم علاوه بر وظیفه تشریع به وظائف وسیعه دیگری یعنی محافظه و اداره امر الله و حل مسائل مبهمه و حکم در امور ما به اختلاف نیز موظف گشته است .

("Messages from the Universal House of Justice: 1968-1973", PP. 38-39)

۳۴ - به بيت العدل عمومی این حق انحصری اعطای شده که در باره مسائل غیر منصوص در آثار بهائی وضع قانون نماید و احکام صادره از بيت العدل عمومی که خود آن هیات حق اصلاح و نسخ آنرا دارد در حکم متمم و وسیله اجرای قانون الهی است و هر چند وظیفه تبیین به بيت العدل تقویض نشده ولکن این هیات صلاحیت دارد که برای استقرار نظم جهانی حضرت بهاء الله در روی زمین به هر اقدامی که لازم داند قیام نماید و یقین است در امر بهائی با در دست داشتن نصوص محکمه الهی و تبیینات مفصله حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقي رباني وحدت عقیده و ایمان حفظ میگردد مضافاً به اینکه علیه هر کس که از پیش خود تفسیر یا تبیین نماید و آنرا باصطلاح ، ، معتبر ، ، یا ، ، ملزم ، ، داند و بخواهد وظیفه ولی امرالله را غصب نماید منع و تحذیر اکید صادر گردیده است . وحدت اداری و تشکیلات بهائی نیز با اقتداری که به بيت العدل عمومی داده شده تأمین شده است . (ترجمه)

(بیان حضرت ولی امرالله منقول در ، ، دستخطهای بيت العدل اعظم ، ، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵)

۳۵ - در امر بهائی دو مرکز منصوصند که به عنوان مرجع یاران تعیین شده اند در حقیقت مبین کلمه الله بمنزله فرع مرکزی است که عبارت از نفس کلمه الله است . یعنی کتاب الهی مجموعه بیانات حضرت بهاء الله است و مبین بمنزله لسان زنده آن کتاب زیرا فقط و فقط مبین است که اختیار دارد که بگوید معنی آیات کتاب چیست . به این نحو ملاحظه میشود که یک مرکز عبارت است از کتاب الله و مبین منصوصش و مرکز دیگر بيت العدل اعظم که به هدایت الهی به تشریع آنچه بالصراحه در کتاب الله منصوص نکشته مأمور است . شیوه مذکور یعنی وجود دو مرکز امرالله و تعیین روابط بین آنها در هر مرحله از مراحل امر الهی مشهود است . در کتاب اقدس حضرت بهاء الله مُؤْمِنَان را دلالت میفرماید که پس از صعود حضرتش به کتاب الله و به ، ، من

اراده الله الذى انشعب من هذا الاصل القديم ،، ناظر باشند . در کتاب عهدی حضرت بهاء الله میفرماید که مقصود از آن آیه مبارکه حضرت عبدالبهاء است . و نیز حضرت بهاء الله در کتاب اقدس مؤسسه بیت العدل اعظم را تأسیس و اختیاراتی را که برای اجراء وظائف معینه اش لازم است تنصیص فرموده است . حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا صریحاً به تأسیس مؤسسه ولایت امرالله که بنا به تصريح حضرت شوقي افندی در آیات کتاب اقدس نیز مندرج است پرداخته و نیز در همان الواح وصایا اختیارات بیت العدل اعظم را تائید و توضیح میفرماید و جمع مومنان را باز متوجه کتاب الله میسازد ... ، مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی ،، و در آخر الواح وصایا میفرماید ،، کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداحما کل مخالف فی ضلال مبین ،، (ترجمه)

("Messages from the Universal House of Justice: 1968-1973", PP. 42-43S

پنجم - وفای به عهد و میثاق ضامن آن است که : ،،... وحدت وصفای امر الهی محفوظ ماند
.....

۳۶ - ... قوه میثاق امر بهاء الله را از شباهت اهل ضلال محافظت نماید و حصن حصین امرالله است و رکن متین دین الله . اليوم هیچ قوه‌ئی وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی مخافظه ننماید والا اختلاف مانند طوفان اعظم عالم بهائی را احاطه نماید بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس ... پس باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تائیدات بهاء الله از هر جهت احاطه کند و جنود ملء اعلیٰ معین و ظهیر گردد و نصایح ووصایای عبدالبهاء در قلوب مانند نقش در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند .

(،، مکاتیب عبدالبهاء ،، ج ۳ ، ص ۲۹ - ۳۰)

۳۷ - پس قدم را ثابت نماید و به نهایت قوت به نشر نفحات الهیه و اعلاء کلمه الله و ثبات بر میثاق پردازید و یقین بدانید که اگر نفسی با کمال استقامت ندا به ملکوت نماید و به نهایت متأثت ترویج میثاق کند اگر مور ضعیف است فیل عظیم را از میدان فرار دهد و اگر پشه نحیف باشد عقاب کاسر را بال و پر بشکند ...

(،، منتخباتی از مکاتیب ،، ش ۱۸۴ ، ص ۲۰۴)

۳۸ - ... تقدم و اعتلای امر الهی یوماً فیوماً در ازدیاد است به یقین مبین میتوان در انتظار روزی بود که جامعه بهائی به مشیت ربانی مراحلی را که ولی محبوب ارش پیش بینی فرموده طی کند و در این خاکدان پر ابتلا سرایپرده ملکوت الله را برافرازد تا عالم امکان از هیجان و اضطراب و هرج و مرج و خرابی و دماری که به دست خود فرامهم آورده رهائی یابد و لهیب نار ضغینه و بغضاً و ظلم و جفا به روابط ابدیه اخوت و الفت و وفا وصلح و سلام عمومی مبدل شود این امور کلأ در ظل لوای میثاق اب جاودانی یعنی عهد و پیمان جمال اقدس ابھی تحقق خواهد یافت . (ترجمه)

(پیام بیت العدل اعظم ، رضوان ۱۳۰ (۱۹۷۳) اخبار امری ایران ، سال ۵۲ ش ۵ ، ص ۱۳۸)

۳۹ - اهل بهاء باید به یقین مبین بدانند که امر الله در قبضه حفظ و حراست پروردگار است و عهد و میثاق حضرت بهاء الله در سر از فساد مصون و مبری باید اعتماد کامل داشته باشند به اینکه بیت العدل اعظم ، تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ روحی لهمـا الفدا ، قادر است باجراء وظائف محله موفق گردد . (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم . ۲۸ می ۱۹۷۵)

قوه عهد و میثاق الهی

۴۰ - الیوم قوه نیاض در شریان افق روح میثاق است که سبب حیات است هر که از این روح زنده شد تولد تازه یافت و به روح القدس تعمید گرفت و حیاتش جمال وصفائی تازه پذیرفت . از قید ظلم و عداوت و غفلت و قساوت برست و از مرگ روحانی نجات یافت و به زندگی پایینده رسید الحمد لله که تو بر عهد و میثاق ثابتی و به نیز آفاق حضرت بهاء الله متوجه و ناظر (ترجمه)

(از آثار حضرت عبدالبهاء منقول در ، نجم باختر ، ج ۱۴، ش ۷، ص ۲۲۵)

۴۱ - ... بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس ... قوه میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد به همچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید .

(، کتاب قرن بدیع ، ج ۳ ، ص ۶ - ۲)

۴۲ - امروز رب الجنود حامی میثاق است و قوای ملکوت محافظ میثاق و نفوس آسمانی خادم میثاق و فرشته های ملکوتی مروج میثاق بلکه اگر بدیده بصیرت نظر بشود جمیع قوای عالم بالنتیجه خادم میثاق ...

(، منتخباتی از مکاتیب ، ش ۱۹۲ ص ۲۲۱)

۴۳ - ... سوء تفاهم ممکن نیست به هیچ قوه ئی زائل شود مگر به قوه میثاق قوه میثاق کلمه جامعه است و حلل مشکلات زیرا به نص صریح به اثر قلم اعلیٰ میفرماید هر سوء تفاهمی که حاصل شود مراجعت به مرکز عهد کنید ...

(لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به مارثا روث)

۴۴- اگر حصن حصین امر الله را قوه حارسه محافظت نمی نمود در جمع اهل بهاء در يك روز هزار فرقه به مثل ادوار سابقه ایجاد نمیشد اما در این دور مبارک جهت دوام امر الله و حفظ احباء الله از تفرقه و اختلاف جمال مبارک روحی له الفدا به قلم اعلیٰ عهد و میثاق را مرقوم فرمود . (ترجمه)

("Baha'i World Faith" , 1976, PP. 357-358S

۴۵- چنین مجہوداتی (۱) سفینه میثاق حضرت بهاء الله را به بحر پر تلاطم بلایای بیکران افکند . ناخداپیش حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق جمال ابھی بود که به بازوی توانا به هدایت سکانش مالوف و مداوم و ملاحانش جمعی پیروان فدکار که به خدمات بدیعه و هم عالیه به واجباتش مشغول و قائم . از بدایت ایام این سفینه عهد و میثاق بی اعتماد به لطمات طوفان مصائب که بر آن مهاجم بوده و هست به طرف مقصد خویش در حرکت است و آرام رو به ساحل امن و امان نهاده به پیش می رود . (ترجمه)

("The World Order of Baha'u'llah" , 1982, P. 84)

۴۶- عهد و میثاق ، محور وحدت عالم انسان است ، زیرا وحدت و اصالت نفس امرالله را محافظت نماید و آنرا از فساد افرادی مصون دارد که فهم خویش را یکانه ملک اعتقاد صحیح تعالیم الهی شمارند . این نفووس در ادوار گذشته سبب انشیاق ادیان بوده اند . بعلوه عهد و میثاق الهی مستند و متکی به نصوص قاطعه حضرت بهاء الله است لهذا اگر نفسی عهد و پیمان جمال ابھی را قبول نماید حضرت بهاء الله را قبول کرده و اگر رد نماید حضرت بهاء الله را انکار کرده است . (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم ، ۳ زانویه ۱۹۸۲)

کتاب شناسی

مشخصات کامل کتبی که نصوص مبارکه از آنها استخراج شده است :

حضرت بهاء الله منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله
(لانگناین : لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی ، ۱۴۱ ب) ۲۲۲ ص .

حضرت بهاء الله مجموعه الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده
(لانگناین : لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی ، ۱۳۷ ب) ، ۱۲۵ ص .

حضرت بهاء الله مناجاة ، مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله
(ریودوزانیرو : دارالنشر البهائیه ، ۱۹۸۲ م) ۲۴۰ ص .

منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی

حضرت اعلیٰ

(۱) مقصود مجہودات اهل بهاء در سبیل استقرار امر بهائی در جهان غرب است .

(طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری ، ۱۳۴ ب) ۱۵۶ ص .

حضرت عبدالبهاء الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء
(قاهره : ابوالقاسم گلستانه ، ۱۳۴۲ ق) ، ۲۹ ص .

حضرت عبدالبهاء مکاتیب عبدالبهاء
(قاهره : فرج الله ذکی الکردمی ، ۱۹۲۱ م) ج ۳ ، ۵۷۶ ص .

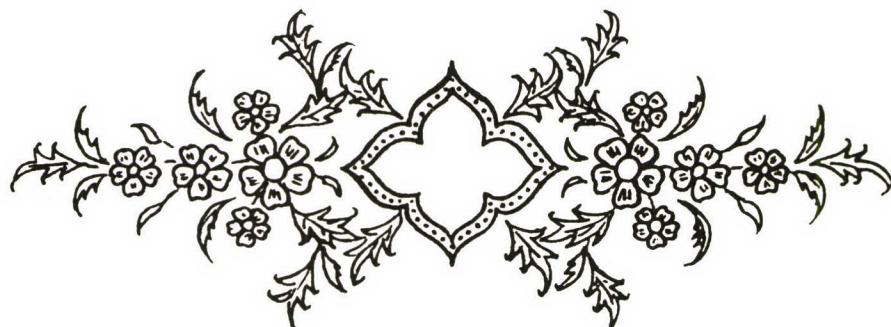
حضرت عبدالبهاء منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء
(ویلمت : لجنه نشر آثار امری ، ۱۹۲۹ م) ۰ ۳۰۲ ص .

حضرت ولی امرالله جلوه مدنیت جهانی
(دهلی نو : مؤسسه نشر آثار امری ، ۱۹۸۶ م) ، ترجمه جمشید فناییان ، ۱۱۱ ص .

حضرت ولی امرالله دور بهائی
(طهران : لجنه ملی نشر آثار امری ، ۱۱۱ ب) ۹۳۰ ص .

حضرت ولی امرالله کتاب قرن بدیع
(طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری ، ۱۲۲ ب) ، ترجمه نصرالله مودت ج ۳ ، ۳۵۶ ص .

بیت العدل اعظم دستخطهای بیت العدل اعظم
(طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۰ ب) ، ج ۱ ۵۵۲ ص .



ارمنهار از لوگوست

علاوه بر دوستان آشنا افتخار ملاقات یارانی نا آشنا دست میدهد که سالها در اقصی نقاط عالم بعنوان مهاجر توطّن اختیار کرده و در آن نقاط بقول امروزی ها ، عقب افتاده ، بخدمت امرالله قائم واز هر حیث شاد و دلخوشند . شناخت این دوستان نا شناخته هم علت مباهات است و هم موجب انتباہ یاران مقیم شهرهای پیشرفته .

این مومنان مخلص هنگام زیارت نیز از خود آرزو و تمنائی ندارند صرفاً بمنظور پیشرفت و ترقی امر الهی و موفقیت در تبلیغ دعا و مناجات می نمایند و طلب تائیدار پیشگاه رّب مجید می کنند .

اما حدائق مقامات انقدر زیبا و با روح و شادی بخش است که حدی از برای ان متصرور نیست گوئی ، جنات تجربی من تحتا الانهار ، در شان این باغات نازل شده .

منظره زیبای کوه و دریا ، نسیم روح بخش صبحگاهی ، نغمه های بلبلان سحری ، و سروهای آزاد چون نو عروسان چمن راست ایستاده ، درختان پر برگ و بار ، فواکه خوشگوار ، گلهای معطر بدیع الالوان تراب مشگبیز و هوای فرح انگیز و از همه مهمتر توجهات مستمره مقام معزز ملهم معهد اعلی، عظمت و جلال و جبروت و جمالی باین حدائق منوره معطره داده که چشم ابداع شبیشان را ندیده است . زیبائی این حدائق و انوار ساطعه از مقامات آنچنان است که افراد غیر بهائی گروه گروه پشوق دیدار به

همکاران ارجمند مجله عندلیب از این عبد خواسته اند شمه ای از دیدنیها و شنیدنیهای دوران خوش زیارت اعتاب مقدسه که اخیراً بصرف فضل و موهبت الهیه نصیب گردیده ، برای درج در عندلیب بنویسم .

هرچند قلم شکسته و بیان قاصر ، و الفاظ نارسای این ذره فانی از بیان مواهب روحانی و حقائق معنوی و انوار ساطعه از آن مشرق صمدانی عاجز است معهدا مصلحت ندیدم قلب دوستان یک دل و جان را شکستن و رویشان را زمین گذاردن، که این امر خلاف وفا و صفا است لذا مجملی از آنچه در خاطر مانده نگاشته میشود ، امید است که کل یاران مشتیت در جهان که هنوز باین موهبت نائل نشده اند همتی نمایند و کسب اجازه کنند تا توفیق دیدار دیار یار نصیپیشان گردد .

دوستانی که از این کأس سرشار فیض نوشیده اند بخوبی میدانند که سفر بکوی محبوب یکتا هرچند بار تکرار شود باز هم نا مکرر است زیرا اسفار مختلفه سبب اکتساب فیوضات تازه و مشاهده آثار و تأسیسات بهیه بدیعه و استعمال اخبار پیشرفتها و رویدادهای بی سابقه در امر الهی است .

گرچه عنوان صبح روز نخست، ثبت نام است ولی ملاقات و تجدید دیدار دوستان آشنا بعد از سالها مفارقت خود نعمتی بزرگ محسوب ، در این دیدار ها آنقدر تعريف ها و احوال پرسیها و مصافحه ها رد و بدل میشود که خدا میداند .

از صبح وصال بپره گرفته . آنجا قبله اهل بها است و مطاف ملا، اعلی و در کوه خدا، مقام رب اعلی و در قرب آن ، مقام حضرت مولی الوری اینست که وعده های کتب مقدسه اسمانی کل تحقق یافته و امروز سفینه الله (۱) در آن جبل جلیل که بشارتش در لوح مبارک کرمل از قلم اعلی عز نزول یافته جریان یافته و صیت بزرگواریش عالم را فرا گرفته است .

چون قلم در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

شرح این مقال را پایانی نیست ، بصد دفتر نشاید گفت شرح حال مشتاقی ، لذا بهتر انکه مطلب دیگری بیان شود .

در ارض مقصود نفوس مبارکه ای بخدمت مشغولند که واقعاً برگزیده و ممتازند ادب و وقار و خضوع و خشوع و خلق و خوی بهائی و ادب انسانی چنان در نهادشان سرشنی شده که گویا خداوند این نفوس نفیسه را برای خدمت در این سرزمین مقدس خلق فرموده است .

نا گفته نماند که در بد و ورود اوّلین چیزی که توجه زائران را بخود جلب مینماید نظم و ترتیب روحانی کاملی است که در آنجا برقرار است . شیوه ای نیست که این نظم محکم و متین در ظل توجه و هدایت معهد اعلی است و نمونه بارزی از نظم بدبیع جهان آرای الهی است که سر انجام باید بشریت را از گرداب مخوف مهالک رهائی بخشند و کشتی طوفان زده اش را بساحل نجات رسانند و ملکوت جلال و جمال الهی را بر روی زمین استقرار بخشد . و ، سیوف تری الارض جنة الابھی ، را در عالم متحقق سازد . عصر روز دوم بر طبق برنامه تنظیمی وقت ملاقات

۱ - منظور از سفینه الله بیت العدل اعظم است

انجا می‌آیند و بعضی از روزها مدارس ابتدائی نونهالان را بفضای با غ مقام اعلی آورده و معلمین اطفال را بصفّ کرده و با نظم و ترتیبی خاص آنان را در خیابان مقابل مسافرخانه روی زمین نشانده و بعداً که مقام اعلی از بازدید کنندگان غیر بهائی قدری آزاد گردید بنوبت در دسته های مختلف این غنچه های نو شکته را برای زیارت مقام اعلی میبرند .

چهره های معصوم و آسمانی ، لبخندیاهای کودکانه ، لباسهای رنگارنگ و نشست و برخاست مودبانه و ادب و احترامیکه این نورستان مرعی میدارند کل حاکی از پاکی و صفائی آنان و آینده درخشانشان است .

در این مدت چندین عروس و داماد تازه را با لباسهای رسمی عروسی دیدم که در آن حدیقه غنا قدم زنان راز دل میگفتند و گاهی عکس میگرفتند و از نفحات کوی دلبر و هوای روح پرور حظی وافر میبردند . فی الجمله دیار یار ما اهل بنا ، از قبل خانه و آشیانه انبیاء بوده و امروز مرکز انوار کردگار است و مهبط فیوضات پروردگار ، منزل وصال عشاق دلباخته است و کوی پر جذبه محبوب یکانه ، غریبان را وطن واقعی است و بی پناهان را ملاذ و ملجاً حقیقی مکان امید نا امیدان است و مأمن هر درمانده بی سرو سامان .

ز هر دیار مسافر بکوی تو آید
چنان بود که در آید غریب در وطنش

بعباره واضحتر ، ترابش کُحل بصر است چون موطن اقدام نیر افق بوده ، خاکش معنبر است چون بقدوم مرکز میثاق مزین گشته ، نسیمش مشک اذفر است چون از روی گلهای حول مقامات گذشته ، هواش روح پرور است چون

مقدّسه و اماكن متبرکه امریه انسان را منقلب و دگرگون میسازد و اثرات این انقلابات درونی در اماكن مختلفه متفاوت است مثلًا سجن جمال قدم در عکا و اطاق صعود آن محیي رم در بهجی و شنیدن داستان حزن انگیز غصن الله الاطهر در قشله و زحمات مالا يطاق غصن الله العظيم در آن زندان مظلم، بقدري انسان را افسرده و غمگين میسازد که بى اختيار سرشك از دیدگان جاري میشود و لكن دیدار قصر مزرعه و قصر بهجی و باغ رضوان که در دوران آسايش نسبی مظہر ظہور الهی بوده و مؤمنان مخلص آن زمان بخلاف ایام سجن عکا اجازه تشرف و فوز بلقای مالک ائمہ می یافته اند نشاط آور و موجب انبساط خاطر است .

در مقامات عليا خاصه روضه مبارکه حالات روحاني مخصوصی به زائران دست میدهد ، البته این تأثیرات روحاني از تأثير قوای مکتوفه در آن اماكن مقدّسه است ، در این مقامات دستهای ياران بسوی حق مرتفع و قلوبشان بحضور معبود متوجه و اركان وجودشان لرزان و زمزمه مناجاتها يشان بعلیین متصاعد چشمانشان بسته ولی قطرات اشک از گونه هایشان جاري كل با چنین حالات روحاني و تأثیرات وجدانی با خداوند خود راز و نیاز نموده و سر انجام هنگام ترك مقام هر یک تنها سر بر آستان نهاده و عتبه ساميه را بوسیده و لحظاتی چند با قلبی پاک و ظاهر و چشماني اشکبار حاجات خويش را از قاضي الحاجات رجاء مینمایند .

آثار این انقلابات درونی و تأثیرات روحاني از چهره ياران هنگام خروج از مقامات ظاهر و هويда است .

در دارالآثار زيارت شمایل مبارک جمال قدم عظم اقتداره و حضرت نقطه اولی جل جلاله و ارائه خطوط اصل و البسه متبرکه، طلعت مقدّسه و

زائران با وزراء محترم بيت العدل اعظم الهی است . آن مطالع علم و دانائی و مظاهر تقدیس و تنزیه پس از تلاوت مناجات و معارفه رسمي در بين جمع تشریف فرما شده و چنان با محبت و گرمی با زائران صحبت و احوالپرسی مینمایند که گوئی آشنايان قدیمند ، حال آنکه در حقیقت فرشتگان سماویند که با بندگان زمینی از ره لطف و مرحمت همراز و همداستان گشته اند .

روی این اصل زائری میگفت، این محیط دانشگاهی است که بدون درس و بحث و فحص در مدتی پس کوتاه آداب انسانی و تربیت بھائی بانسان میآموزد .

از همه جا و همه چیز سخن گفته شد جز از زيارت اماكن متبرکه حقیقتاً باید عرض کنم که این کاري است مشکل بدو دليل :

اول آنکه بوي گل زيارت چنانم مست کرده که بجای دامن وجودم از دست رفته و ثانی توضیحات کافي و مسائل تاریخي که بواسطه جناب یدالله ذبیح ایده الله تعالی در مورد حوادث و وقایع اماكن متبرکه بيان گردیده و در هر مکان با محبت تمام و بیانی گرم و دلچسب و کامل دوستان را با اوضاع و احوال گذشته و سوابق ابنيه مبارکه آشنا ساخته اند تماماً در خاطر نمانده تا نوشته شود و حیف است که اینگونه مباحث عاليه ناقص و ابتر نگاشته آيد .

قطع نظر از این مباحث، خوشتراست که ياران عزيز الهی بشوق دیدار کوی دلدار خود طی طريق نمایند و با چشمان خويش عظمت ظہور را ببینند و درک عوالم روحاني، در اين جهان فاني فرمایند .

اما نباید از نظر دور داشت که زيارت اراضی

در انروز قسمت اعظم داخل این بنای نورانی مورد بازدید زائران قرار گرفت و در پایان فیلمی از شروع تا خاتمه کار و جشن مجل افتتاحیه آن نشان داده شد که بسیار مورد توجه واقع گردید .

این بنای عظیم از معنویت و روحانیتی محسوس بر خودار است که قصور عالیه قدیمه و جدیده موجوده در عالم با وجود جلال و جمال ظاهري فاقد آنند . از شما چه پنهان دیدن نقشه ها و ماكت های ساختمانهای قوس که در سالن مخصوصی در این بنای با صفا گذارده شده دگرگونی آشکاری در حالات ظاهري کلیه زائران بوجود آورد .

کل با توجه کامل و دقّت نظر به انها نگریسته و معلوم بود که اکثراً در تفکری ژرف غوطه ورشده اند .

با خود اندیشیدم که الحمد لله بنای با شکوه و جلال دارالتشريع با فدایکاری یاران مخلص و تبرّعات دوستان در این کوه مقدس تأسیس شد که امروز ما ناظر وزائر آنیم بهمین ترتیب سائز ابنيه قوس در کوم الله بنا خواهد شد و انجه را که آن مولای توانا پیش بینی فرموده اند از قوه بفعل آمده و بمنصه ظهر خواهد رسید .

ولی مهم آنست که بیقین بدانیم خداوند بی انبار ، بی نیاز از عالمیان است و با سباب غیبیه وسائل کار را فراهم خواهد ساخت ، آن الله غنی عن العالمین ، ولکن سعادت و خوشبختی نصیب کسانی است که در هر زمان از فرصت و موقعیت استفاده کرده و در خدمات امریه و تقديم تبرّعات خاصه اینکونه امورات که جنبه عمومی و بین المللی دارد پیشگام شده اند .

سائر اشیاء مبارکه نفیسه کل از نعمتی های فراموش نشدنی است که در آن دیار قسمت دوستان رحمانی میگردد .

علوه بر جمیع این مراتب ، در عکا بزیارت سجن مبارک جمال قدم جل جلاله و امکنه مقدسه ای که محل نزول اجلال احضرت و سکوت عائله مبارکه بوده و مسافرخانه زائران و مجاوران از زمان و قصر عبدالله پاشا محل تولد ولی محبوب امرالله حضرت شوقی ربائی روح الوجود له الفدا که بر حسب تصمیم و دستور معهد اعلی ترمیم و تعمیر شده و ابوابش بروی اهل بها باز گشته نائل شدیم .

این قصر گرچه نسبتاً قدیمی است ولی لطف و ابهی خاص دارد و پس از تعمیرات لازمه با تزئینات داخلی که به هم عالیه و زحمات شبانه روزی و سلیقه بی نظیر حرم مبارک امة البها روحیه خانم علیها بهاء الله انجام یافته جلال و جمالی پیدا نموده که موجب مبارفات زائران و شفکتی ناظران است .

در حیفا بزیارت مقام اعلی و مقام حضرت عبدالبهاء مرتبأ گاه و بیگانه میرفتهیم و از ان منابع فیض حضرت احادیث طلب رحمت و عنایت مینمودیم . با تمام این کیفیات روحانی زیارت بیت مبارک مرکز میثاق ، در حیقا نشئه ای تازه می بخشید و روح را جلا و صفائی بی اندازه میدهد . ولی نباید از نظر دور داشت که قصر بیت العدل اعظم در جبل کرمل نیز چون گوهری تابناک صاف و شفاف ، تابنده و نورافشان است .

سعادت دیدار این بنای با شکوه دو مرتبه دست داد .

اول هنگام ملاقات با وزراء محترم معهد اعلی و ثانی بعد از ظهر روزی که در برنامه بدین منظور اختصاص داده شده بود .

گرچه میدانم که احباب هوشیار به وظائف وجودی
و روحانی خود کاملاً آگاهند لذا آنچه نگاشتم
بمصدقاق گفتار گذشتگان است که فرموده اند
،، فذکر انما الذکری تنفع المؤمنین ،، .

مطلوب دیگر آنکه دوستانیکه تشریف بارض مقصود
حاصل نموده اند میدانند که همه شبها ، بجز
شب اول در مسافر خانه مقام اعلیٰ محافلی
نورانی بر حسب دستور مرجع کل منعقد میگردد
که زائران ارض مقصود و عده ای از مجاوران
کوی حضرت معبد در آن شرکت مینمایند ، در
این محافل پر روح و ریحان هر شب یکی از
اعضای محترم بیت العدل اعظم و یا یکی از
اعضای هیئت مجلله مشاورین عضو دارالتبیغ بین
الملى حضور یافته و بیاناتی در مورد وظائف
خطیره یاران در این زمان و اخبار و بشارت
امریه و پیشرفتهای جامعه بهائی در اطراف و
اکناف جهان ایراد میفرمایند و در خاتمه
بیانات ، پرسشیهای یاران را پاسخ میگویند در
این محافل پر جذبه و شور انقدر مطالب عالیه
بیان میشود که واقعاً نقل به اختصار آنها نیز
کتابی مفصل خواهد نه مقاله ای مختصر.

بیانات بلیغه این خطبای عزیز اکثراً بر محور
حیات بهائی ، تبلیغ امرالله خصوصاً تبلیغ دسته
جمعی و وظائف روحانی یاران و تقویت صندوق
ساختمانهای قوس و حقوق الله که از واجبات
منصوصه کتاب مستطاب اقدس است دور میزد.

آنقدر مطالب شیرین و آموزنده و مستند به
آثار مبارکه بیان داشتند که دریغم آمد ناقص
برشته تحریر درآید لهذا با عرض معذرت از آن
خطبای عالیقدر بهمین مختصراً اکتفاء شد .

با عرض محبتی باستان قدس الهی

فانی روح الله مدیر مسیحائی

همیشه چنین فرصتها بدست نیاید اگر ما
محبان اسم اعظم در این برهه از زمان همتی
نمودیم زهی نیکبختی و الا کنز فیض الهی را با
غفلت از دست داده و سرانجام جز پشیمانی
نصبی غواهیم داشت .

بخاطر دارم در ایران سالها قبل از تحولات اخیر
ناطقان بهائی برای تنبیه و اگاهی یاران انقلابات
عشق آباد را بعنوان مثال شرح میدادند که
چگونه احبا بعد از آنکه مایملک خود را از
دست داده با افسوس بگذشته میگفتند که
ایکاش غفلت نورزیده و آنچه داشتیم نثار مشرق
الاذکار می نمودیم .

تصور میرود دیگر برای یاران مهد امرالله ذکر
مثال ضرورت نداشته باشد زیرا خود دیدیم
هرانچه میشنیدیم ، ایکاش از زمانه درس عبرت
آموخته باشیم .

یاران عزیز تحولات و تغییرات عالم بانتها نرسیده
و سرنوشتها غیر معلوم است و زمان هم زود
گذر و بدون برگشت است و فرصتها هم از
دست میرود همه باید بالاتفاق از این وقت کم
و فرصت کوتاه حد اکثر بره را برد و در
خدمات امریه خصوصاً تبلیغ و تقدیم تبرعات
پیشقدم شویم .

اهل بها بخوبی میدانند که در امر الهی از غیر
بهائی اخذ تقبیلی اذن داده نشده و این فیض
عظمی و موهبت کبری مختص به اهل بها و خاصان
کبریا است .

پس باید بدون تأمل زائد بر وسع با حنف
مخارج اضافی و صرفه جوئی در امور صندوقی را
که پدین منظور اختصاص داده شده هرچه بیشتر
تقویت نمائیم و خود را از مواهب الهی و
برکات سماویه در این دوران با بره سازیم .

زیارت موهبت

« اثر طبع جناب دکتر شاپور راسخ »

مشتاق وصل را هنر اصطبار نیست
جز در حریم تو نفسی مشکبار نیست
بیهوده آن سری که بپایت نثار نیست
روزی که بی تومی گذرد در شمارنیست
ور نه کسی فراخور درگاه یار نیست
شایسته ستایش پروردگار نیست
آن ذره ام که در تو مرا اختیار نیست
سرگشته آن که در طلبت رهسپار نیست
کاین پاشکسته جز بتو امیدوار نیست
کاین شعله نشانده دگر ماندگارنیست
دردا که هیچ خواب خوشی پایدارنیست
و امروز غیر خاطره ای در کنار نیست
آن نقش ها که خوشترازو درنگار نیست
آن باغها که شبه وی اندر دیار نیست
آن سروها که بهتر از آن یادگار نیست
دل را زشوق و ذوق زیارت قرار نیست
هم چون نسیم در طلبت پویه می کنم
در روضه مبارکه ات سر نهم بخاک
هر لحظه در جوار تو خود عمر تازه ای است
مقصود ما تقرّب خُدام کوی تست
در وصف تو زبان چه گشایم که هیچ لفظ
ای مایه حیات من ای آفتاب مهر
بر گرد بقعه تو طوف ملائک است
ای پادشاه کون و مکان دستگیر شو
شمعم که صبح قرب ترا دارم آرزو
نه روز در جوار توجون خواب خوش گذشت
گوئی مرا به روضه رضوان گذر فتاد
چون سینما برابر چشم مجسم است
آن باغها که عکس بهشت گزیده است
آن سروها که شاهد لطف خرام اوست

کان گونه تاج بر سر یک شهریار نیست	آن قبّه طلاّتی بـر فرق کوه ربّ
کز گرداش نسیم صباشان قرار نیست	آن سایه های خرم اشجار رنگ رنگ
چندان که دیدگان ترا انتظار نیست	آن شاخه ها که بر قدمت گلفشان شوند
کز بس گشاده، مقصد آن آشکار نیست	آن منظر خجسته دریای لاجورد
خالی دمی ز خلق ملائک شعار نیست	آن بیت زائران که چنان غرفه های خلد
گنجینه ای که بهتر از آنم بکار نیست	این جمله نیست دفتر اندیشه من است
آینده ای که خوشتراز او روزگار نیست	یک دم بـیا بـچهره آینده بنگریم
زآفاق دوردست که مارا گذار نیست	آن جا بـبین چگونه سفائن رسیده اند
کرمل که مثل او بجلال و وقار نیست	زوّار دسته دسته بـکوه خدا روند
جز نور در سراسر آن کوهسار نیست	گـؤئی ستاره ریخته از اوج تا نشیب
دیگر شبی چو ماکو و چهريق تار نیست	بـگذشت روزگار سیاهی که بعد از این
در یوزگی بـدرگه محـبوب عار نیست	بـینم شـهـان کـه پـوـیـه گـرـ کـوـی دـلـبرـنـد
کـایـنـ جـاـ محلـ سـرـورـیـ تـاجـدارـ نـیـستـ	تـاجـ گـهـرـ بـهـ خـاـکـ حـقـارـتـ فـکـنـدـهـ اـنـدـ
کـانـدـرـبـسـاطـ قدـسـ جـزـ اـنـ اـفـتـخـارـ نـیـستـ	گـلـدانـ بـسـرـ بـحـضـرـتـ مـقـصـودـ روـ کـنـنـدـ
سرـگـردـگـیـ دـگـرـ سـبـبـ اـشـهـارـ نـیـستـ	آنـ رـوزـ رـوزـ بـنـدـگـیـ آـسـانـ وـسـتـ
جزـ حـرـفـ عـشـقـ درـ هـمـهـ لـیـلـ وـنـهـارـ نـیـستـ	جزـ نـامـ دـوـسـتـ درـ هـمـهـ اـقـطـارـ نـشـنـوـیـ



عطنه ورکت ایام مبارکه رضوان

«از جناب دکتر خلیل نامی»

میپردازند . قرۃ العین طاهره مطهره آن نجم دری آسمان قرب الهی و عاشق جان باخته و بی باک حضرت رب اعلی که جلال و جمال و انوار خدائی را در سیمای بهاء الله میدیده اشعاری در مدح طلعت ابھی میسراید که قطعاتی چند زینت بخش این مقاله میگردد .

خیزید کاین دم با بهاء ظاهرشده وجه خدا

بنگر بصد لطف وصفا آن روی روشن چون شفق

و در قطعه دیگر :

طلعات قدس بشارتی که جمال حق شده بر ملا

بزن ای صبا توبه ساختش بگروه غمزدگان صلا

و زمانی که ظهور شمس محمدی و ظهور کلی الهی جمال اقدس ابھی را بایکدیگر مقایسه مینماید چنین بمدح و ستایش میپردازد .

دو هزار احمد ومصطفی زیروق آن شه باصفا

شده مضطرب شده در خفا متذراً متزملًا

در همه ظهورات سلف از آدم تا خاتم جمیع اسماء وصفات حضرت باری به انبیاء و مرسلين الهی نسبت داده شده است مگر انوار الهی و جمال خداوندی و جلال کبریائی که مختص این ظهور عظیم اعظم است . دانیال نبی که از اکابر انبیای بنی اسرائیل محسوب و وجودی پراز

اظهار امر علی سلطان ظهور در بستان
نجیبیه

پنجهزار و ششصد و بیست و چهار سنه از کور حضرت آدم ابوالبشر و یا بفرموده جمال اقدس ابھی حضرت بدیع الاول گذشته است . آپریل سال یکهزار و هشتصد و شصت و سه از میلاد حضرت روح و ذی القعدة الحرام یکهزار و دویست و هفتاد و نه هجری قمری از هجرت حضرت رسول اکرم . سنه ثمانین میعاد طلعت موعود نزدیک و نزدیک تر میشود ، بیان مبارک حضرت رب اعلی در گذشته نه چندان دور که فرمود ، ، رضوان مطلع انوار الهی و مشرق اسرار ریانی است را واضحًا و مشهودا در حال تحقیق میبینم و تا این ایام احدی برموز و اسرار بیان فوق الذکر واقف نبود . جمال اقدس ابھی بفرمان سلطان عبدالعزیز خلیفه جبار آل عثمان و دخالت و تحريك ناصرالدین شاه قاجار پادشاه ظالم ایران عازم حرکت بطرف مدینه کبیره میشوند وعود و بشارات الهی در کتب مقدسه یکی پس از دیگری در حال طلوع وسطوع است . رب الجنود یهود صبایوت اب سرمدی متحن الحقایق اصل قدیم قیوم الارض والسماء مکلم طور سدرة المنتهی برقع از رخسار منیر خود برمیدارد و جمال الهی و جلال صبایوتی و جبروت کبریائی خود را بقدر سم ابره بر عالم و عالمیان مکشوف مینماید . قبل از اظهار امر سری سلطان جلال در سیاه چال طهران و اظهار امر علی در بستان نجیبیه (باغ رضوان) عده از اصحاب و مؤمنین درگاه حضرت رب البینات آن جمال ازلی را شناخته و در سر و عن بمدح و ستایش

خیمه وارد میشوند پرده از اسرار وجود برミدارند و راز نهان را آشکار مینمایند و باقدرت و سطوت کامل و اقتدار و جبروت بی منتهی که حضرت باب اعظم برای موعود بیان پیش بینی فرموده بود در نهایت اشراق متجلی و بر عرش ظهور مستوی میگردند . رضوان اعظم بقدوم سلطان قدم مزین میگردد و بیان ذات مقدس حضرت رب اعلیٰ مبشر نیز اعظم ابیه در مورد رضوان و طلوع شمس حقیقت از آن روضه غالباً بمنصه ظهور میرسد جشن عظیمی در ملاء اعلیٰ برپا چه که انجه در کتب الهی وعده داده شده در حال ظهور و بروز است انبیاء و مرسلین الهی از ظهور رب الملکوت در بهجت و حبور و با ندای سبّوح قدوس رینا و ربّ الملائکه و الروح در فرج و سرور ملائکه کروبین و حوریات خلد برپین با ترنم ربوات مقدسین به حمد و ستایش ربّ قدیم مشغول و مألف . عندلیبان بقاء بر اغصان حدیقه رضوان در تنفسی و آواز و به نیایش و ستایش جمال قدم واسم اعظم دمساز زیرا یوم فرح اکبر است .

سبحانک يا هو يا من هو هو يا من ليس احد الا هو يا عندليب السناء غن على الاغصان فيهذا الرضوان على اسم الحبيب بما ظهر جمال الورد عن خلف حجاب غليظ سبحانک يا هو يا من هو هو يا من ليس احد الا هو يا بلبل الفردوس رن على الافنان فيهذا الزمان البديع بما تجلی الله عل كل من في الملك اجمعين سبحانک يا هو يا من هو هو يا من ليس احد الا هو .

در همان دقایق اول ورود سلطان قدم به باع رضوان و جلوس بر کرسی جلال صبایوتی سوره الصبر يا لوح مبارک ایوب بافتخار حاجی محمد تقی نیریزی ملقب به ایوب در متجاوز از پنجاه صفحه بزبان عربی عز نزول می یابد که یکی از طویل ترین الواح از آثار قلم اعلی است و در

معرفت و حکمت الهی بوده در ابواب هشتم و دوازدهم سفر شریف ششارت ظهور حضرت رب اعلیٰ روح العالمین لمظلومیتة الفدا و اظهار امر علنی جمال اقدس ابیه جل کبریائه را در دو هزار و پانصد سال قبل با ذکر سنه ظهور بظاهر ظاهر و بصریح عبارت بیان نموده و چنین مینویسد .

، و من شنیدم اما درک نکردم پس گفتم ای آقایم آخر این امور چه خواهد بود او جواب داد که ای دانیال برو زیرا این کلام تازمان آخر مخفی و مکتوم است و بسیاری ظاهر وسفید و مصفی خواهند گردید و شریران شرارت خواهند ورزید و هیچ کدام از شریرانی خواهند فهمید لیکن حکیمان خواهند فهمید و از هنگام موقف شدن قربانی دائمی و نصب رجاست ویرانی یکهزار و دویست و نود روز خواهد بود (۱۲۹۰) ، و در باب هشتم از کتاب دانیال چنین مذکور و مسطور است .

، و مقدس متکلم را شنیدم و هم مقدس دیگری را که از آن متکلم میپرسید که رویا در باره قربانی دائمی و معصیت مهلك که قدس و لشگر را به پایمال شدن تسليم میکند تا بکی خواهد بود و او بمن گفت تا به دو هزار و سیصد شام و صبح آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد ، ،

بعد از ظهر یوم چهارشنبه بیست و دوم ماه اپریل سال یکهزار و هشتصد و شصت و سه میلادی اول اردیبهشت ماه ، جلالی و سی و دومین روز از نوروز خجسته باستانی جمال اقدس ابیه جل کبریائه با عده از اصحاب و مؤمنین درگاهش با استقرار تاج بر رأس مبارک به بستان نجیبیه (باع رضوان) نزول اجل میفرمایند و در خیمه مجد ربّ بر کرسی جلال مستقر میگردند و بدون توجه بمشاکل و موائع در بین سیل زائرین که به

لوح عجاب که حاوی اسرار الهی و رموز ربانی است نیز در این ایام پر عظمت و برکت نازل گردیده و همانطور یکه جمال قدم جل کبریائی در اخر این لوح اشاره فرموده اند ، نستروا اسرارالله من الصحائف و الكتاب و ان هذا امر عجاب ، ،

بنا به مشیت واراده پروردگار زمانی اسرار الهی و رموز ربانی از تفسیر و بیان پوشیده و مستور است سورة القلم که مقام عظیم جمال اقدس ابھی در این لوح منیع آشکار میگردد و کینونت ازی آن سازج وجود بقدر سم ابره در مقابل دیدگان انسان فانی و خاکی قرار میگیرد.

نگارنده فانی فقط یک آیه از این لوح منیع را زیارت مینمایم ، ، هذا حرم يطوقن فى حوله هيأكل الاحدىه ثم حقائق الصمدىه ثم ذوات القديمه و جعل الله فنائه مقدساً عن مس كل مشرك مردود ، ،

الواحی در ایام مبارکه رضوان با عزاز قدماً عزیز و محبوب امرالله من جمله جناب نورالدین افنان عليه التحيّة والثناء و جناب محمد مصطفیٰ بعدادی عليه رضوان الله و سایر نفوس زکیه عز نزول یافته است که تا حدی وقایع عظیمه ایام مبارکه رضوان و سور و نشوریاران را میتوان از آنها استبطان نمود که متأسفانه این عبد فانی موفق بزیارت آن الواح نگردید آنچه که جناب اشراق خاوری مبلغ و محقق بی نظیر و داشمند محبوب بهائی در تألیفات خود جمع آوری نموده اند در حدود پنجاه لوح میشود که البته تعداد الواح نازله از قلم مبارک جمال قدم واسم اعظم در ایام مبارکه رضوان بیش از اینها است ، چه نیکو است به بیان پر عظمت سلطان جلال توجه نمائیم ، ، میقات امم منقضی شد و وعده های الهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهر گشت شریعت الله از

این لوح منیع و مبارک سلطان قدم در نهایت عظمت و جلال وجبروت و استجلال مواعید کتب مقدسه را بیان و برای اولین بار مقام من یظهره اللہ خود را اعلام میدارند .

چندین صفحه از لوح شامل شرح حال حضرت ایوب یکی از انبیای بنی اسرائیل است که طبق مندرجات تورات مقدس و قرآن کریم بلایا و مصیباتی بر آن وجود قدسی متتابعاً وارد معذلک همواره در امتحانات و افتتانات الهی صابر و شاکر و از عبودیت آستان پروردگار ذره فتور نمی نماید بعد مطالبی از وقایع قلعه نیریز و وحید عزیز و صاحب منصبان خون ریز آن واقعه مولمه را بیان فرموده و چگونگی وقایع را مفصلأً شرح میدهدن بعد در قسمت دیگر لوح میفرمایند ، ، هذه لقيامة التي فيها قام الله بمظهر نفسه ، ،

و در تعدادی از آیات يوم الله ظهور الله و لقاء الله را با بعد بیان و اصرح تبیان تشریح میفرمایند بعد اضافه مینمایند ، بدانید که پروردگار مقدار نموده است پاداش معین و محدودی از برای كل حسنات مگر صبر که پاداش و اجرش نا محدود و بی حساب است ، و بعد میفرمایند که در بلایا و مصائب و متابع صابر و شاکر باشید و اضافه میفرمایند خداوند صبر را قمیص انبیاء و مرسلین قرار داده و پیامبری مبعوث نشد مگر آنکه پروردگار او را به ردای صبر مزین فرموده باشد . در آیه دیگر میفرمایند : ، ، شما جمال خدا را در قمیص قیوم شناختید و بزودی همه عالم خواهند شناخت و این مشیت و اراده الهی است ، ،

سوره الصبر متنضم صدھا مطلب روحانی الهی و عرفانی است و شایسته است که صدھا بار زیارت و مورد مطالعه دقیق قرار گیرد .

پاکیزگی فرو برده شد دیگر نه انسانی بعلت داشتن عقیده دینی و مذهبی که معتقد به آن است نجس شناخته میشود و برچسب غیر طاهر می خورد و نه خانه او و نه اثاث البیت او و نه حتی چهار پایان متعلق به او که بعلت نادانی و جهالت بعضی از روسای مذهبی ادیان دچار این بلیه عظمی شده بودند نجس و غیر طاهر شناخته خواهند شد. و نه دیگر آن مرد مسن رنجیدیده خارج از دین رسمی مملکت بحکم آخوند از خدا بی خبر باید در روز بارانی در خانه بماند و دنبال قوت لایموت عائله اش نزود و اگر طفل بیمار و در حال نزعی داشت پی طبیب و دارو از خانه خارج نشود زیرا مبادا البسه تر شده و نجس و غیر طاهر او مردم خدا پرست و مومن را ملوث نماید .

جمال اقدس ابھی جل کبیرائیه قلم بطلان بر این عقاید سخیفه کشیدند و فرمودند ، حضرت کلیم با یک عصابر اسیاف عالم زد و مالک قدم با یک قلم برظنوں و اوهمات ام ،

حضرت سرالله الاعظم راجع به ایام مبارکه رضوان چنین فرموده اند :

قوله عز بیانه ، در آن بستان خیمه مبارک بلند شد و در همان ساعت رغماً لائف الاعداء اعلام عید رضوان شد و اظهار امر گردید بظاهر ظاهر تا آن روز اظهار من یظهره اللہ نفرموده بودند و در آن روز ذکر نمودند از برای احباء اللہ یوم سروری اعظم از این نمیشود به دلیل چند ، دلیل اول یومی است که عظمت امرالله ظاهر شد دلیل ثانی جمیع اعداء الله خاضع شدند ، دلیل ثالث اعلام من یظهره اللہ گردید دلیل رابع جمال مبارک در نهایت سرور و روح و ریحان چنین سفر مبارکی فرمودند هیچ مثل و نظیر ندارد که مظہر امرالله در یوم سرگونی باین سرور و بهجهت اعلام امر خود را نمایند .

صهیون جاری و اراضی و جبال اورشليم به تجلیات انوار رب مزین طوبی لمن تفکر فيما نزل في کتب الله المهيمن القيوم ، و در کتاب اشیا میفرماید : از قدرت خداوند و کبیرای جلال وی بصخره داخل شده خویشتن را در خاک پنهان کن.

اگر نفسی در همین آیه تفکر نماید بر عظمت امر و جلالت قدر یوم الله مطلع میشود و در آخر آیه مذکور و در آن روز خداوند به تنهائی متعال خواهد بود .

، باید الیوم کل بعنایات الهی مطمئن باشد و بكمال حکمت در تبلیغ امر جهد نمایند تا جمیع بانوار فجر معانی منور شوند ،

جمال اقدس ابھی جل کبیرائیه در کتاب مستطاب اقدس ام الكتاب اهل بهاء، را کبین سفینه حمراء باین بیان ناطق قوله تبارک و تعالی :

قد انعمست الاشياء في بحر الطهارة في اول الرضوان اذتجلينا على من في الامكان باسمائنا الحسني و صفاتنا العليا هذا من فضلي الذي احاط العالمين .

چه برکتی اعظم از این برکت و چه عظمتی بالاتر از این عظمت و چمراهی بالاتراز این موهبت که حاکم علی ما کان و مایکون بعالیان عنایت فرمود چه عظمت و چه برکتی عظیم و اعظم از این که جلال خداوندی وجبروت صبایوتی و جمال لاهوتی در وجود مقدس بهاء اللہ متجلی گشت و یهوه صبایوت رب الجنود در نهایت عظمت وجبروت در سیمای مقدس آن جوهر وجود ظاهر و عیان گردید زمانی که این رق منیع و منشور عظیم الهی دائیر بر رفع دون طهارت از کل اشیاء نازل شد و همه چیز در دریای پاکی و

قصه در امار بجهاني

«از جناب دکتر حیدر رفتي»

در شماره ۱۸ مجله عنديليب (بهار ۱۳۶۵ ص ۲۲-۳۰) مقاله اي تحت عنوان : قصه در آثار بهائي منتشر گردید . در آن مقاله پس از مقدمه اي کوتاه سوابق و مأخذ هفت قصه منقول در آثار مباركه بهائي بررسی گشته و جمع آوري و تعبيين سوابق قصص ديگر ديجر به مطالعات بعدی موكول شده بود . در شماره ۲۲ مجله عنديليب (بهار ۱۳۶۶ ص ۲۴-۳۲) سوابق هشت قصه ديگر مورد مطالعه قرار گرفت و آنچه در اين شماره درج ميگردد بررسى و تعبيين مأخذ و سوابق شش قصه ديگري است که در آثار مباركه بهائي نقل ويا به آنها اشاره گردیده است .

..... حکایت شمعون صفا را ملاحظه باید نمود دو نفر از حواریون حضرت روح بجهت تبلیغ امرالله بشهر انتظاکیه رفتند بمجرد ورود بنای وعظ و بیان نمودند اهالی چون بكلی از مسائل الهی بی خبر بودند جزع و فزع نمودند این جزع و فزع منتج حبس و زجر شد و بهیچوجه نفوس از تفاصیل خبر نیافته راه معاشرت و الفت مقطوع گشت و چون این خبر بشمعون صفا رسید عزم آن دیار نمود چون وارد شد اول بمعاشرت و الفت پرداخت تا با سران و سوران ترد محبت باخت بزهد و ورع و تقوی و بیان و تبیان فضائل و خصائص عالم انسانی در مدتی قلیله شهرت یافت تا آنکه با سلطان آن مملکت آشنا گشت و چون ملک مذکور نهایت اعتماد و اعتقاد را در حق او حاصل نمود شبی بمناسبتی ذکر حواریین شد پادشاه ذکر نمود که دو نفر از جاهلان بی خردان چندی پیش وارد این شهر شدند و

۱- جمال قدم در لوحی که به اعزاز جناب اشرف به امضای میرزا آقاجان خادم الله عز صدور یافته میفرمایند : « شهد الله انه لا اله الا هو قد ظهر بالحق لينور العالم بنور المحبة و الوداد... اگر بشود شخص مبلغ با بعضی از اهل ظاهر هم مراوده و دوستی نماید بأسی نیست چنانچه دو نفس از اهل انجیل مخصوص تبلیغ بمدینه رفته بودند و هردو را نظر به کشف فوق ما عندهم حبس نمودند در مرّه ثالث یکی از حواریین تشریف بردند و در محل مخالفین هم منزل گزیدند و احدی از او استشمام مقامات عالیه ننمود تا آنکه بتدریج فائق شد و آن دو نفس را از حبس رها نمود و جمعی را هم بشرف دین الهی فائز فرمود (1)

حضرت عبدالبهاء این حکایت را با جزئیات بیشتر در لوحی چنین مذکور داشته اند :

تاروص و ماروص ، وقيل : يحيى و يوتس ، وقيل صادق و صدوق ، صادق کهل بود و صدوق جوان ، و این جوان خدمت آن کهل میکرد . چون بدر شهر انطاکیه رسیدند پیوری را دیدند که گوسپنдан بچرا داشت ، بر وی سلام کردند ، پیر گفت : شما که باشید ؟ گفتند ما رسولان عیسی علیه السلام آمده ایم تا شما را بر دین حق دعوت کنیم و راه راست و ملت پاک بشما نمائیم که دین حق توحید است و عبادت یک خدای ، آن خدای که یگانه و یکتاست و معبد بسزاست ... تا آن خبر با ملک ایشان افتاد و آن ملک بت پرست بود نام وی انطیخس و قیل : شلاحن و کان من ملوک الروم . این ملک ایشانرا حاضر کرد و احوال پرسید . ایشان گفتند ما رسولان عیسی ایم آمده ایم تا شما را از بت پرستی با خدا پرستی خوانیم و از دین باطل با دین حق بریم . ملک گفت : بجز این خدایان ما خدائی هست ؟ گفتند آری خدائی هست که ترا آفریننده است و دارنده . ملک چون این سخن بشنید گفت : اکنون روید تا من در کار شما نظر کنم . ایشان رفتند و جمعی در ایشان افتادند و ایشانرا زدند و در حبس و بند کردند . این خبر به شمعون رسید و شمعون این ، ، ثالث ، ، است که رب العزه فرمود : ، ، فعز زنا بثالث ، ، او را شمعون الصفا گویند و تاروص گویند ... پس شمعون از راه تلف و مدارا با ایشان در آمد و ایشانرا باسلام در آورده و یاران خود را برها نماید . و بیان این قصه آنست که : شمعون چون به انطاکیه رسید بدانست که آن دو رسول بزندان محبوس اند . رفت و گرد سرای ملک متمنکر وار میگشت تا جماعتی را از خاصکیان ملک با دست آورد و با ایشان

بنای حرفهای فساد گذاشتند لهذا آنها را گرفته اسیر غل و زنجیر نمودیم حضرت شمعون اظهار میل ملاقات ایشان نمود احضار کردند بمقتضای حکمت تجاهل فرمود و سوال کردند که شما کیستید و از کجا آمده اید در جواب گفتند که ما بندگان حضرت روح الله هستیم و از اورشليم می آئیم سوال از حضرت روح نمود که او کیست گفتند موعود تورات است و مقصود جمیع عباد بعد بنوع معارض از جزئی و کلی مسائل سوال نمود مجادله کرد و از نفس سوال میفهمانید که چه جواب بدھید مختصر اینست که شباهت قوم را فرداً ذکر نمود و جواب دادند گاهی بعضی را قبول مینمود و بعضی را مشکلات بیان میکرد که ملتفت نشوند که او هم از آنهاست خلاصه چند شب بر این منوال بستوال و جواب گذراند گاهی مجادله و کهی مصادقه و دمی مباحثه و وقتی محاوره میفرمود تا جمیع حاضرین از اس مطالب الهیه باخبر شدند و آنچه شباهت داشتند زائل شد در لیله اخیره گفت که حقیقتش اینست که آنچه گفتند صحیح است و جمیع تصدیق نمودند آنوقت فهمیدند که این ثالث رفیق آن اثنین است اینست که در آیه مبارکه میفرماید (فعز زناها بثالث) باری مقصود از حکمت این است که انسان باید بنوع موافقی که در قلوب تائیر نماید و نفووس ادراک کنند تبلیغ امر الله نموده و نماید نه آنکه سکون و سکوت یافت عندلیب هزار آواز اگر ساز نغمه ننماید صعوه لال است و بلبل گلزار معانی اگر ترانه نسازد عصفور ابکم بی پر و بال است (۲)

حکایت شمعون صفا را میبدی در کشف الاسرار چنین آورده است که حضرت مسیح ، ، دو کس را شهر انطاکیه فرستاد نام ایشان

ندارم خدایان ما این صنع نتوانند و از آن عاجزترند که چنین کار توانند . که ایشان نه شوئند نه بینند نه سود کنند نه گزند نمایند . ملک چون آن حال دید گفت : اینجا مرده ایست پسر دهقانی که هفت شبانروز است تا بمرد و من او را دفن نکردم که پدرش غائب بود تا باز آید . اگر او را زنده کنید نشان درستی دعوی شما بود و ما قبول کنیم و بخدای شما ایمان آریم . آن مرده را بباوردند و ایشان باشکارا و شمعون بسر دعا کردند تا مرده زنده گشت و بدست خویش کفن از خویشتن باز کرد و بر پای بایستاد ملک گفت : چند رز است تا مرده بی ؟ گفت : هفت روز . گفت : چه دیدی درین هفت روز ؟ گفت چون جانم از کالبد جدا گشت مرا بهفت وادی آتش بکدرانیدند از آنک بکفر مرده بودم . اکنون شما را می ترسانم و بیم می نمایم . زینهار کفر بگذارید و بخدای آسمان ایمان آرید تا برهید . آنک درهای آسمان میبینم کشاده و عیسی پیغمبر ایستاده زیر عرش و از بھر این شفاعت میکند و میگوید خداوندا ! ایشانرا نصرت ده که ایشان رسولان من اند . ملک گفت : و این سه کس کدام اند ؟ گفت : یکی شمعون و آن دو رسول دیگر . شمعون بدانست که آن قصه و آن حال در دل ملک اثر کرد و زبان نصیحت و دعوت بکشاد و آشکارا بیرون آمد و کلمه حق بگفت . آن ملک با جماعتی ایمان آوردند و قومی بر کفر بماندند و هلاک شدند (۳)

۲- جمال قدم در لوحی که به اعزاز ، حسین ، و به امضای میرزا آقا جان خادم الله بتاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۲۹۸ هـ ق عَزَّ صدور یافته میفرمایند :

بعشرت خوش در آمد تا با وی انس گرفتند و ملک را از وی خبر کردند . ملک او را بخواند و صحبت و عشرت وی بپسندید و از جمله مقربان و نزدیکان خویش کرد . بر آن صفت همی بود تا روزی که حدیث یاران خود در افکند گفت : ایها الملک بمن رسید که تو دو مرد را بخواری و مذلت باز داشته بی و ایشان ر رنجه رسانیده ئی از آن که ترا بر دینی دیگر دعوت همی کردند چرا نه با ایشان سخن گفتی و سخن بشنیدی تا حاصل آن بر تو روشن گشتی و پیدا شدی ؟ ملک گفت حال الغضب بینی و بین ذلك - من بر ایشان خشم گرفتم و از خشم با مناظره نپرداختم ملک ایشان را حاضر کرد . شمعون گفت : من ارسلکما الی هاهنا ؟ قالا : الله الذى خلق كل شى و ليس له شريك . شمعون گفت : آن خدایرا که شما را فرستاده است صفت چیست ؟ گفتند : انه يفعل ما يشاء ويحكم ما يريده . شمعون گفت : چه نشان دارید و چه آیت بر درستی این دعوت ؟ گفتند : هرچه شما خواهید . ملک بفرمود تا غلامی را حاضر کردند مطموس العینین چشم خانه وی با پیشانی راست بود چنانکه نه روشنائی بود نه چشم خانه ایشان باشکارا . دعا کردند و شمعون بسر دعا کرد تا بفرمان و قدرت الله موضع چشم و حدقه شکافته شد . ایشان دو بندقه از گل بساختند و در هر دو حدقه وی نهادند دو دیده روشن گشت بفرمان الله . ملک در عجب ماند و در خود مضطرب گشت . شمعون گفت : ایها الملک اگر تو نیز از خدایان خود بخواهی تا مثل این صنعتی بنمایند هم ترا و هم خدایان را شرفی عظیم باشد و نیز جواب ایشان داده باشی . ملک گفت : من راز خود از تو پنهان

گفت یکسال بمن فرصت بده . سال دیگر بر میگردم تا فرمان خود را اجرا نمائی . ملک پذیرفت اما از وی کفیل طلبید حنظله کسی بنام شریک بن عمرو را کفیل نموده به قبیله خود برگشت . سالی گذشت . در روز معین حنظله به بارگاه برگشت . ملک متعجب شد و پرسید چه چیز است که تو را به کشته شدن کشانده است ؟ گفت دینی دارم که مرا از پیمان شکنی باز میدارد . گفت دین تو چیست ؟ گفت : نصرانیت . ملک آن را نیکو دانست و حنظله و کفیلش را آزاد نموده سنت جاری را لغو کرد و گفته اند که علت نصرانی شدن ملک و اهل حیره همین بوده است .

(۵)

۳- حضرت عبدالبهاء در لوحی میفرمایند :
..... حضرت رسول روحي له الفدا وقتیکه در حرب خندق محصور احزاب بودند و بحفر خندق مشغول شدند سنگی گران پیدا شد و یاران نتوانستند از جای براندازند حضرت با عموم اصحاب حاضر

شدند که آن سنگ را قلع و قمع فرمائید عصایی در دست مبارک بود در چنین حالت بر آن سنگ زدند فرمودند ممالک اکاسره فتح شد دوباره زدند فرمودند اقالیم قیاصره مسخر گشت جمعی از منافقین که در آنجا همراه حضرت بودند گفتند سبحان الله این چه حرفيست ما محصور قبائل ضعیفه عرب هستیم حتی آب و گیاه از ما مقطوع و مخدول و منکوب این شخص فتوح ممالک اکاسره و قیاصره مینماید این چه حکایت است و این چه روایت چندی نگذشت وقتیکه همان اشخاص عرب وارد ایوان کسری شدند گفتند هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق المرسلون

(۶)

،، الحمد لله الذي علم القلم الاعلى ما انجذب به اهل ملکوت الاسماء و انزل منه ما اقبل به المقربون ... آنچه را حق جل جلاله و عظم كبرياته نصرت امر قرار داده به آن متمسک شوند و ناس غافل را آگاه نمایند يك عمل خالص و يك خلق نيك جمعی را هدایت نموده و مینماید در قرون اولی شخصی که به حنظله موسوم بود بسبب يك کلمه که از روی صدق بآن تکلم نموده بود يكی از سلاطین و جمعی از رعایای او را هدایت نمود تفصیل آن چون در کتب قبل مذکور است این عبد متعرض ذکر آن نشد .،،،

در این لوح اشاره حضرت بهاء الله به قصه حنظله بن ابی غفراء طائی و وفای او به عهدی است که با نعمان بن منذر لخمي بسته بود و شرح جزئیات قصه را حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه بتفصیل مرقوم فرموده اند . (۴) یاقوت حموی این قصه را در معجم البلدان مذکور داشته و خلاصه آن بفارسی چنین است که منذربن امری القیس ابن ماء لسماء که ملک حیره بود شبی در حالت مستی فرمان داد تا دو ندیم او را که یکی خالد بن نضله و دیگری عمرین مسعود از قبیله بنی اسد بودند زنده بگور کردند . چون صبح شد ندیمان را طلبید و آنها واقعه شب قبل را برایش حکایت نمودند . ملک غمناک شد و بر سر خاک دو ندیم رفته فرمان داد تا دو صومعه در آن مکان بسازند و از آن پس در هر سال دو روز کیفر و پاداش مقرر نمود . در روز کیفر هرکس ببارگاه او می آمد کشته میشد و در روز پاداش هر که فرا میرسید نیکی میدید و پاداش میگرفت . سالی حنظله که از قبیله طی بود در روز کیفر بر ملک وارد شد . ملک خواست تا مطابق سنت جاری او را بکشد لذا از او خواست تا حاجت خود را طلب نماید . حنظله

را میبینم - و چون کلنگ سوم را زد و باقی سنگ جدا شد گفت ، الله اکبر ، کلیدهای یمن را بمن دادند و بخدا سوگند که دروازه های صنعا را میبینم . کلینی بسند معتبر روایت کرده است از امام جعفر صادق ، ع ، که کلنگ را از دست امیر المؤمنین (ع) یا سلمان گرفت و یک ضربت زد که سنگ بسه پاره شد پس فرمود : فتح شد بمن در این ضربت گنجهای کسری و قیصر . پس ابوبکر و عمر با یکدیگر گفتند نمی توانیم از ترس بقضای حاجت برویم و او وعده ملک پادشاه عجم و قیصر روم بما مینهد . (۷)

۴- فاضل مازندرانی در کتاب اسرار آثار خود چنین نوشته اند که : در بعضی از بیانات شفاهیه مرکز عهد و پیمان شرح مثل عربی ، انا عبد الملک و لست بعد الباذجان ، مذکور که حکایت کردند پادشاهی به وزیرش گفت بادنجان را مخالف صحت و سلامت دانستند گفت بلی محرك سودا است و به کبد و اعصاب زیان دارد و پس از مدتی نوبتی پادشاه به وزیر گفت بادنجان خوردم چه لزید بود وزیر گفت بلی مولایم بسیار خوبست و منافع زیادی دارد و تاکید نمود پادشاه به او گفت مگر تو نبودی که چندی پیش آنمه مذمت از بادنجان کردی گفت بلی من بودم چه من بنده شاه هستم نه بنده بادنجان . (۸)

این قصه را عبید زاکانی در رساله دلگشا چنین آورده است : سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادنجان بورانی پیش آوردند . خوشش آمد . گفت : بامجان طعامی است خوش . ندیمی در مدح بادنجان فصلی پرداخت . چون سیر شد گفت : بادنجان سخت مضر چیزی است . ندیم باز در مضر بادنجان مبالغتی

روایت فوق را علامه مجلسی در فصل بیان وقایع جنگ خندق در کتاب حیوة القلوب چنین آورده است : .. چون روز دوم شد بامداد آمدند بر سر خندق و حضرت در مسجد فتح نشست و صحابه مشغول کنند شدند ناگاه بسنگی رسیدند که کلنگ در آن کار نمیکرد . پس جابر بن عبدالله انصاری را بخدمت حضرت فرستاده که حقیقت حال را عرض نماید . جابر گفت چون بمسجد فتح رفتم دیدم حضرت بر پشت خوابیده است و ردای مبارک را در زیر سر گذاشته و از گرسنگی بر شکم خود سنگی بسته است گفتم یا رسول الله سنگی در خندق پیدا شده که کلنگ در آن اثر نمیکند پس برخاست و بسرعت روانه شد و چون بآن موضع رسید آبی طلبید و از آن آب وضو ساخت و کف آبی در دهان حکمت نشان کرد و مضمضه نمود و بر آن سنگ ریخت پس کلنگ را گرفت و ضربتی زد بر آن سنگ که از آن برقی ساطع شد و در اثر آن بر قصرهای شام را دیدم ، پس بار دیگر کلنگ را زد و برقی ساطع شد که قصرهای ماداین را دیدیم پس بار دیگر کلنگ را زد و برقی لامع شد که قصرهای یمن را دیدیم پس فرمود : این مواضع را که برق بر آنها تا بید شما فتح خواهید کرد . مسلمانان از استماع این بشارات شاد شده و خدارا که حمد کردند . منافقان گفتند : وعده ملک کسری و قیصر مینهد و از ترس بر دور خود خندق میکند . پس حق تعالی آیه ، قل اللهم مالک الملک ، را برای تکذیب ایشان فرستاد . ابن بابویه روایت کرده است که چون کلنگ اول را زد ثلث سنگ را شکست و فرمود ، الله اکبر ، کلیدهای شام را خدا بمن داد و بخدا سوگند قصرهای سرخ آن را میبینم - پس کلنگ دیگر زد و ثلث دیگر را شکست و فرمود ، الله اکبر ، خدا کلیدهای ملک فارس را بمن داد و بخدا سوگند که الحال قصر سفید ماداین

هوا و محل و فضا و منظر خوش و روایح طبیه که سبب حصول سرور و روحانیت و فراغت قلب میشود با آنکه این شئون جسمانی است اما تاثیرات کلیله در ارواح دارد پس شرحی از معلمان فن موسیقی و حکایتی از رودکی مشهور بیان فرمودند و اشعار او را در حرکت دادن امیر نصیر (کذا) سامانی از هرات به بخارا خواندند که بوی جوی مولیان آید همی بوی یار مهریان آید همی ریگ آمو و درستیهای آن پای ما را پرینیان آید همی الی آخر ، ، ، (۱۲)

حکایت رودکی و اشعار او که سبب حرکت امیر نصر سامانی از هرات به بخارا گشت در چهار مقاله نظامی عروضی به تفصیل درج گشته (۱۳) و در کتب تذاکر نیز نقل گردیده است . از جمله محمد علی تبریزی مدرس در کتاب ریحاته الادب ملخص این قصه را چنین آورده است که :

، ، در عهد نصرین احمد سامانی که اوج دولت آل سامان بوده و اسباب تمتع و ترفع در غایت ساختگی و لشکر جرار و بندگان فرمانبردار و خزانه اراسته بود اینک زمستان در دارالملک خود (بخارا) و تابستان در سمرقند و یا شهری دیگر از بلاد خراسان اقامت کردی تا آنکه در هری و بادغیس که خرم ترین چرا خوارهای خراسان و عراق و بعضی از بلاد دیگر که نارنج و ترنج و مشمومات و میوه جات گوناگون و نعمتهای رنگارنگ و تمامی وسائل آسایش لشکریان فراهم و همه چیز فراوان و ارزان بود با تمامی لشکریان در تمامی فصول سال متنعم و برخوردار و از نعیم جوانی برهه ور بوده و بهمین جهت در مراجعت به دارالملک (بخارا) با مسامحه گذرانده و هر فصلی به فعل دیگر میانداخت و چون ملک بی خصم و جهان آباد و لشگر فرمان بردار و روزگار مساعد و

تمام کرد . سلطان گفت ای مردک نه این زمان مدهش میگفتی . گفت من ندیم توام نه ندیم بادنجان . مرا چیزی میباید گفت که ترا خوش آید نه بادنجان را . ، ، (۹)

۵- میرزا محمود زرقانی نقل نموده اند که حضرت عبدالبهاء ، ، در هر مجمعی نطقی جانفزا و در هر محفل و منزلی جلوه ای درلربا نموده چون به هوتل مراجعت فرمودند از خستگی حالت نشستن نداشتند فرمودند حکایت ما همان حکایت شاگرد دم دم است که استاد به او گفت بمیر و بدم (۱۰) ، ، ،

قصه ای که حضرت عبدالبهاء بدان اشاره فرموده اند بنا بر آنچه در کتاب امثال و حکم نقل گشته چنین است :

، طفل را بشاغردی آهنگری بردن . استاد تمرين را نخست عمل دمیدن بوی محول کرد . طفل بسهولت و آسانی کار استخفاف میکرد . لیکن پس از زمانی کوتاه تعب بر او راه یافت از استاد پرسید بشینم و بدم ؟ استاد گفت بشین و بدم . باز ساعتی دیگر ماندگی بیشتر غلبه کرده گفت به پهلو افت و بدم ؟ استاد گفت به پهلو افت و بدم . بار سوم سوال کرد بخوابم و بدم . مثل را حالا در مقام شکایت از اجبار بکاری متعب با ضعف یا مرض یا پیری گویند ، ، (۱۱)

۶- و نیز میرزا محمود زرقانی نقل نموده اند که در روز ۱۳ اگست ۱۹۱۲ قسمتی از بیانات حضرت عبدالبهاء در باره علم موسیقی بود . از جمله بیان فرمودند که : ، ، ... نغمه و صوت مليح عادی هر چند جسمانی است لکن تاثیر در روح دارد مانند نظافت و لطافت

میر ماهست و بخارا آسمان
ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان
سرو سوی بوستان آید همی

چون رودکی بدین بیت رسید امیر چنان متاثر گشت که از تخت فرود آمد و بی موزه پا در رکاب خنک نوبتی آورده و روی بخارا نهاد چنانچه رانین و موزه تا دو فرسنگ در پی امیر به برونه بردند و آنجا در پای کرده و تا بخارا هیچ جا عنان باز نگرفت

در سطور فوق شش قصه مذکور در آثار حضرت پهاء الله و حضرت عبدالبهاء نقل و به معادل آنها در کتب معتبره ادبی و مذهبی استشهاد گردید. جمع آوری و تعیین سوابق و مصادر قصص دیگری که در آثار مبارکه بهائی مذکور گشته به مطالعات بعدی موکول خواهد بود .

پادداشت‌ها

۱- در این مقاله مأخذ الواحی که از کتب چاپی نقل گشته ارائه گردیده ولی آثاری که از منابع خطی نقل شده فقط با ذکر نام مخاطب (اگر معلوم بوده) و مطلع لوح مشخص گردیده است .

۲- حضرت عبدالبهاء . مکاتیب عبدالبهاء (قاهره : کردستان العلمیه . ۱۹۱۰ م) . ج ۱ ص ۴۷۳ - ۴۷۵

۳- ابوالفضل رشید الدین المیبدی . کشف الاسرار و عده الابرار (طهران : امیر کبیر ۱۳۶۱) . چاپ سوم . ج ۰۸ . ص ۱۲۰ -

پخت موافق بود اینک چهار سال بدین منوال گذرانیدند تا آنکه ارکان دولت و لشگریان ملول و دلتانگ و آرزومند خانمان و وطن و اهل و عیال خودشان بوده لکن شاه را همچنان ساکن دیدند که هوای هری در سر و عشق هری در دل داشته و در اثنای سخن آنرا بیهشت ترجیح دادی دانستند که سر آن دارد که آن تا بستان نیز در هری پاشد پس سران لشگر بنزد رودکی که محتشم تر و مقبول القول تر از دیگر ندمای شاه بوده رفته و بعد از اظهار استیاق بخارا و فرزندان و خاندان شان پنجهزار دینار (اشرفی طائی هیجده نخودی) و عده اش کردند که صنعتی بکند که شاه از آنجا بسمت بخارا حرکت بکند رودکی نیز قبول کرده و قصیده ای گفت و علی الصباح خدمت شاه رفته و بجای خویش بشست و بعد از نوای مطربان چنگ برگرفته و بخواندن آن قصیده در پرده عشاق آغاز کرد و از ابیات همان قصیده است :

بوی جوی مولیان آید همی
بوی یار مهریان آید همی

ریگ آمون با درشتیهای او

زیر پا چون پرنیان آید همی

ریگ آموی و درشتی راه او
زیر پایم پرنیان آید همی

آب جیحون از نشاط روی دوست
خنک ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و شاد (دیر) زی

شاه بر تو میهمان آید همی

۱۰- محمود زرقانی . بدایع الاثار (لانگنهاین : موسسه انتشارات بهائی . ۱۹۸۲) . طبع دوم . ج ۰۱ . ص ۲۰۳

۱۱- علی اکبر دهخدا . امثال و حکم (طهران : امیر کبیر . ۱۳۶۳) . چاپ ششم . ج ۰۱ . ص ۴۶۵

۱۲- بدایع الاثار . ج ۰۱ . ص ۱۸۸ - ۱۸۹

۱۳- احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی . چهارمقاله (طهران : دانشگاه طهران . ۱۳۳۴) . ص ۵۹ - ۶۵

۱۴- محمد علی تبریزی (مدرس) . ریحانة الادب (طهران : علمی . ۱۳۲۷) جلد ۲ ، ص ۹۸ - ۹۹

اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی بسان فارسی

بكمال مسرت باطلاع میرساند که شماره دوم از دوره دوم ،، مطالعه معارف بهائی ،، تحت عنوان ،، عقل ، دین و جامعه در اندیشه بهائی ،، بقلم جناب دکتر نادر سعیدی بطبع رسیده است و هر جلد بمبلغ ۵ دلار ، آماده فروش است .



۲۱۲ . عبارت ،، فعزّنا بثالث ،، که در لوح حضرت عبدالبهاء و کلام مبیدی نقل گشته مأخوذ از آیه ۱۴ سوره یاسین است که میفرماید : ،، و اضرب لهم مثلًا أصحاب القرية اذ جاءها المرسلون . اذ ارسلنا اليهم اثنين فكذبواهما فعزّنا بثالث فقالوا انا اليكم مرسلون ،،

۴- حضرت عبدالبهاء . رساله مدنیه (لانگنهاین : مؤسسه انتشارات بهائی . ۱۹۸۴) . طبع چهارم . ص ۵۵ - ۶۱

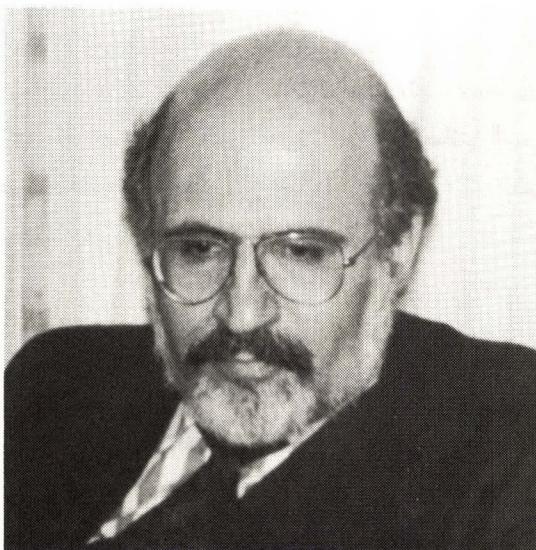
۵- نگاه کنید به معجم البلدان (بیروت : دار بیروت و دار صادر . ۱۹۵۷) . ج ۰۴ . ص ۱۹۹

۶- مکاتیب عبدالبهاء . (طبع ۱۳۳۰ ه ق) . ج ۲ . ص ۲۶۱ - ۲۶۲ . این حکایت را حضرت عبدالبهاء در بیانات شفاهی خود نیز نقل فرموده اند . نگاه کنید به مجله نجم باخترا . جلد ۱۲ . شماره اول (۱۹۲۱ مارچ ۱۹۲۱) . ص ۴

۷- علامه مجلسی . حیوة القلوب (طهران : جاویدان . بی تاریخ) . ج ۲ . ص ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۸- اسدالله فاضل مازندرانی . اسرار الاثار (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۲۴ ب) . ج ۰۲ . ص ۲۱ - ۲۲

۹- عبید زاکانی . کلیات عبید زاکانی (طهران : زوار . ۱۳۳۶) . به اهتمام پرویز اتابکی . ص ۳۲۰ . این قصه را مشابه آنچه نقل شد در قصه های ملا نصرالدین هم میتوان مطالعه نمود . نگاه کنید به لطیفه های ملا نصرالدین (طهران : غزالی . ۱۳۵۰) . ص ۱۳۲ - ۱۳۳

«فرستنده جناب شیت الله اشرف»



زندگانی و شهادت شهید محبی

ارشیور احترمی راد علیه رضوان سه

روز دوشنبه به ملاقات رفتم تا خود سالن
مقالات ، ملاقاتمان ندادند گفتند منتقل شده به
اوین . وحید ... خبر را به من داد ،
پسری هم سن خود من که در زندان است و
دورادرور همیدیگر را میشناسیم . رفتم اوین
گفتند اسمش داخل لیست نشده است چهارشنبه
بیائید . رفتم منزل .

وحید گفت که روز شنبه صبح پدر و مادر با
کلیه وسائل بردۀ اند ، گفت که انشا الله خبری
نیست و گفت که نامه آخر ما را به پدرم
خوانده اند و چه جالب بوده است . همان
روز نامه ای از پدر رسید .

، ای مشتاق عشق ناله از سر جان کن تا در
دل جانان موثر آید و گریه از چشم عشق نما تا
به لقای محیوب روشن شود و از سوزش دل
بزار تا جمال یار بینی و از آتش عشق بسوز تا
هم چون شمع از حسن نگار بر افروزی ...
عزیزان دل و جانم امیدهای زندگیم با قلبی طافع
از عشق و محبت بآن عزیزتر از جان و نور
دیدگان مهربان قلم را بر کاغذ مینهم و شکر و
سپاس ایزد مثان را دارم که اگر چه ظاهرا
آواره و بی لانه گشته ام ولی محبت حق جل

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هرکه در این حلقه نیست بی خبراز ماجراست

گر بزنندم به تیغ در نظرش بی دریغ

دیدن او یک نظر صد چومنش خون بهاست

گر برود جان ما در طلب وصل دوست

حیف نباشد که دوست دوست تراز جان ماست

مالک ملک وجود . حاکم رد و قبول

هر چه کند جور نیست گر تو بنالی خطاست

مادرم که روز یکشنبه از سر کار به منزل آمد
عجبیب خوشحال بود خیلی خوشحال تر از روزهای
پیش . خودش هم نمیدانست چرا ؟ میگفت
حس میکند بار بزرگی از دوشش برداشته شده
حس میکند که کاری را بخوبی انجام داده است
، حس میکند که امتحان بزرگی را بخوبی
گذرانیده است . بی اندازه خوشحال بود و
در پوست نمیگیرد و نمیدانست چرا ؟

بازی میکرد . لازم نیست توی دفاتر تون را
نگاه کنین ؟ . نخیر آقا . من اینکاره ام .
گفتم که پرونده شون اینجا آمده ولی همونجایی
که مال خودتونه دفن شده . خاتون آباد را
میگفت . شهادت واقع شده بود او بصورت
من نگاه نکرد . ، متشکرم مرسي ، و ما
اینطور خبر شدیم . روز شنبه رفتیم اوین ،
وسائل رو دادند : رختخواب پیچ ، دو ساک
و یک بسته . اتهامات و حکم صادره را
برایمان خواندند و وصیتامه پدر را دادند .
یک صفحه فتو کپی که چند خطی از بالایش حذف
شده بود . مادرم ، ساکها را باز کرد ،
لباسها ، شلوار ، بلوز ، کفش ... و حالش
بد شد خیلی بد . حق هم داشت اینها مال او
بود . کسی که دوستش داشت و از او گرفته
بودندنش .

پدر :

آرزو داشتیم یکبار دیگر ترا ببینیم ، آرزو
داشتیم یکبار دیگر در آغوشت بگیرم ، آرزو
داشتیم ریش های بلندت را روی صورتمان حس
کنیم . آرزو داشتیم صدایت را و حرفايت
را دوباره بشنویم . آرزو داشتیم از فکرت و
آگاهیت دوباره استفاده کنیم . آرزو داشتم
گرمای تو — در خانه و حضورت را در جمع
چهار نفری خودمان احساس کنیم . آرزو
داشتیم تو را در روز آزادی و پیروزی در
مقابل زندان به آغوش بکشیم و بر سر دست
بلند کنیم .

میدانم آرزو داشتی روز پیروزی را ببینی .
میدانم میخواهی همراه یار و همسرت باشی .
میدانم میخواستی تجربیات ، خاطرات ، اکارت
را بنویس و در اختیار تاریخ و مردم بگذاری .
میدانم میخواستی در ساختن دنیائی جدید همراه
دوستانت و احباء باشی . میدانم میخواستی
انسانها را بگوئه ای دیگر ببینی ، میدانم

جلله را بدل و عشق آن عزیزان را در کنار
دارم . دستخط پوپک عزیز با آن قلم شیوا
روح را جلا داد و جان تازه بکالبدم دمید . بلى

من از آن دم که وضوساختم از چشمہ عشق

چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست

ولی بهر حال عشق بآن عزیزان نیز برای خود
مقامی والا در این ویرانه دلم دارد و غم هجران
جان را میگدازد .

ای دل نگفتم مرو از راه عاشقی

رفتی بسوز کاین همه آتش برای توست

ولی امیدوار بتائیدات خداوندیم و شاکر درگاه
الهی ، اراده اش را بجان مشتاقیم و با تمام
آنچه که گذشته است از عشق و محبتم به بعال
انسانی و هموطنانم کوچکترین نقصانی حاصل نشده
و همواره دست دعا باستان خدا بلند میکنم و
پرای همگان شمول الطافش را طالبم . تکبیرات
وفیره برای همگان دارم بامید دیدار و ملتمنس
دعای خیر ، پیش فدایتان اردشیر ،

چهارشنبه به اوین رفتیم شماره تلفنی به ما
دادند ، حدود ظهر به شماره زنگ زدیم مردی
گفت که روز شنبه با یک وسیله نقلیه به اوین
برویم همانروز خبر شهادت امیر حسین نادری
تائید شد . ما به پهشت زهرا رفتیم : شما
نسبتی با ایشون دارید ؟ پرسش هستم .
گفتید اسمش چه بود ؟ . اردشیر اختری راد
. بله پرونده ایشان اینجا آمده است ولی
اینجا دفن نشده . مرد میانه قامت جوانی بود
که اینرا گفت . عینک نمره بالائی زده بود و
ریش چند روزه ای داشت به صورت من هم
نگاه نمیکرد با پرونده هائی که در دست داشت

بی اینکه هیچ خطای کرده باشد . مظلومانه . مظلومانه مظلومانه شهید میشود : و شما جز از مهربانی و مهر ، جز از وحدت و تکامل ، جز از آگاهی و تفکر ، جز از خلوص و صداقت ، جز از اعتدال و عدالت ، جز از تائید و توکل سخن نگفتید .

کودکی پدر هم مثل همه گذشته است . پراز سادگی ، پراز معصومیت ، پراز محبت و صفا و قریح و بازی و دور حوض دویین ها و در کوچه و خاک و خل دویین و بازی کردن ها .

متولد ۱۳۱۶ است . سالهای کودکی را در سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰ گذرانده است ، سالهای جنگ و وحشت و سختی . در حوالی ۱۵ سالگی پدرش را از دست میدهد و بهمراه مادرش در کنار شوهر خواهش و زیر سرپرستی او بزرگ میشود . با صعود پدرش با وجود آرزوی شدید و میل فراوان به ادامه تحصیلات مجبور به کار میشود و این خود در ساختن شخصیت او نقش بسزایی دارد .

در کارخانه مقوا سازی به کار کوچکی مشغول میشود همیشه از این کار به تلخی و ناراحتی یاد میکرد . بعد از مدت کوتاهی از کار در کارخانه مقوا سازی دست میکشد و به شرکت بیمه ملی مراجعه و به کار مشغول میشود و تا سال ۱۳۶۰ که از همین اداره اخراج میشود مصراوه و مجددانه به این کار مشغول بوده است .

این خصوصیت عده ای است پدر آدم ساعی و کوشائی است و از شاخه ای به شاخه دیگر نمی پردد . مدارج ترقی و پیشرفت را بسرعت میپیماید و مانند بسیاری کار خود را دائم تغییر نمیدهد . هدفش را از پیش در نظر دارد و در آن جهت حرکت میکند . کار خود

میخواستی ... میدام پدر میدام . این سرزمین آرزوها نیست ، این سرزمین خواستنیها نیست . این سرزمین گذشتن است . اینجا سرزمین فداکاریست ، این سرزمین آزادگیست . سرزمین استقامت سرزمین ایثار . پدر تو به حق پیوستی تو به دوستانت رسیدی به شیوا و کوروش ، عطا ، کامران ، هاشم ... مبارکت باد .

دوست دارم که با مرگ تو دنیا عوض شود . دوست دارم که مرگ تو بر دوستان غیر تأثیر بگذارد . دوست دارم شهادت شور خدمت به بشریت را در دوستانت افزون کند و آنان را آگاه تر و با فکر تر و نو آور تر کند . دوست دارم شهادت مردمان را آگاهتر ، مخلصتر و مهربانتر کند . دوست دارم که نام شما ، همه آنان ، چون بزرگان علم و ادب . باقی و برقرار بماند و نه اینکه چون بسیاری که رفته اند از یادها بروید و ناپدید شوید . دوست دارم که دست پسرانت را خودت بگیری و در شکوفائی استعداداتشان و در یاری مردمان و خدمت به عالم انسان . یار و مدد کارشان باشی . دوست دارم که همسرت را نیرو ، روحیه و کمک بدھی و یار و مددکارش باشی و نگذاری که بالهای شکسته اش شکسته باقی بماند . دوست دارم که خلق بدیعی ظاهر شود . دوست دارم که خلق بدیعی ظاهر شود . نه برای مردن بلکه برای ماندن و تغییر دادن و برای ساختن و بهتر کردن . پدر می ترسم . می ترسم که دنیا تغییر نکند می ترسم هیچ اتفاقی نیافتد . می ترسم که مردم باز هم بی فکر مقلد سطحی ، خود پرست ، متعصب ، ترسو و عادی باقی بمانند ، می ترسم خبری نشود . تاریخ از این رفتن ها بسیار دیده است . اما رفتن شما فرق دارد شاید شما برای اولین بار در تاریخ است که برای اثبات یک عقیده . بی اینکه هیچ بدی کرده باشد .

خوردند .

تازه از سفر شمال برگشته بودیم و قدری دیر بود پدر با دو تن از دوستان و عده ای داشت قدری دیر شده بود فقط رسید که دوش بگیرد . و رفت . ساعت ۸-۱/۲ همان شب ۲۰ شهریور ۱۳۶۳ - ۴ پاسدار جوان اعضاء گروه ضربت زندان اوین به منزل ما ریختند و بسرعت آنچه را که مهم دانستند جمع آوری کردند و بامید یافتن یکی دیگر از دوستان چهار شب و سه روز در منزل ما ماندند . زندان اوین ورودیه اش سه ماه زندان انفرادی بدون ملاقات و با بازجوئی بود . و بعد زندان عمومی و تغییر زندان تماماً ۳ سال و پانزده روز تا روز معهود . روز صدا کردن روز رفتن روز آماده بودن ، اردشیر اختیار را کلیه وسائل ، . روز امید دادن . نوید دادن محبت ها را پاسخ گفتن و کدورتها را برطرف کردن روز خندیدن از اشک های دوستان روز دیدار روز پرواز . اردشیر اختیار را . متولد تبریز آبان ماه ۱۳۱۶ هجری شمسی .

مهاجرت به طهران در شش ماهگی ، دیپلم دبیرستان البرز ، فوق لیسانس حسابداری دانشکده صنعت نفت کارمند بیمه ملی رئیس قسمت خسارت ، رئیس قسمت هواپیمایی ، اخراج در سال ۱۳۶۰ خدمات امری : کمیون ها و هیات های مختلف ناحیه ای ، لجنات ملی و ناحیه ای ، لجه جوانان طهران ، لجته ملی جوانان لجه ناحیه ۳ و ۵ طهران ، محفل طهران ، محفل ملی ، از دوستان ملی بعد از تشکیلات . دستگیری ۲۰ شهریور ۱۳۶۳ مدت زندان ۳ سال و ۱۵ روز زمان شهادت یکشنبه ۵ مهر ۱۳۶۶ سن ۴۹ سال .

،، عزیزان دل و جان و حتی عزیز تر از جان و پوپک و آرامش دلبند مهربان .

را در مقام یک کارمند جزء شروع کرده و بعد از حدود ۲۵ سال تا هنگام اخراج در مقام مدیر قسمت هواپیمایی و عضو هیات مدیره بیمه ملی از کار برکنار میشود . در سال ۱۳۵۷ سال وقوع انقلاب شرکت برای اعطای بورسی در یکی از شرکتهای بیمه انگلیسی به بررسی میبردازد و کسی را بیش از اردشیر اختیار واجد شرایط اعطای این بورس نمی یابد . پدر بیش از وقوع انقلاب به انگلیس میرود و دو ماه بعد از وقوع انقلاب به ایران باز میگردد . با دستگیری اعضاء محفل ملی در مرداد ماه سال ۱۳۵۹ پدر بعضیت محفل طهران در آمد منزل ما محل رفت و آمد کسانی شد که بعد ها جان خود را در راه محبت اهل امکان و پیشرفت عالم انسان تقدیم کردند . مردان بزرگی چون خسرو مهندسی ، عطاء الله یاوری ، کوروش طلاذی ، فتح الله فردوس ، عزت الله فروھی ، احمد بشیری و شیر زن مهریان چون شیوا اسدالله زاده . یاد آنان ، خاطراتشان و مهربانیهایشان همیشه یاد ما را آکنده است . یادشان گرامی . سال ۰۶ رسید و اعضاء محفل طهران و محفل ملی دستگیر شدند و بفاصله کوتاهی جان به جانان سپردند و قربان اهل امکان شدند و پدر بعضیت محفل ملی انتخاب شد . شرایط دیگر آنگونه نبود که جلسات در منزل اعضاء برقرار شود . خدمات هم چنین ادامه داشت و سختی ها هر روز افزونتر میشد . با دستگیری چند تن از اعضاء ما از خانه آواره شدیم و آموختیم که با دیگران چگونه زندگی کنیم . در شهریور ۶۲ بدنبال بیانیه دادستان ، محفل ملی ، تعطیل تشکیلات را اعلام کرده و خدمات بگونه ای دیگر در آمد بگونه ای فردی و دوستانه . پدر بعنوان یکی از دوستان ملی خدمتش را در کنار دو تن از دوستان ادامه داد یکی از این دوستان امیر حسن نادری بود و این دو بی آنکه بدانند در سرنوشت یکدیگر داخل شدند و بیکدیگر گره

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم

باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرائی ؟

بنابراین زfrac چون ننالم من دل شکسته

چون نی که بسوخت بند بندم زحرارت جدائی

در گلستان چشم زچه رو همیشه باز است

بامید آنکه شاید تو به چشم من درآئی

شکرخداراکه اگر چه بدرد فراقم آشنا ساخته و
بند بندم از این فراق گداخته ولی فضل بی
منتهاش شامل حال گشته و بخود نزدیک ترم
ساخته . زندان را برایم ایوان نموده و سختی
را براحت و آسایشش تبدیل کرده تلغی را
شیرین نموده و ما را به موهبت ملکوتیش مخصوص
داشته و این طیور بال و پر شکسته را در
حدیقه فضل آشیان بخشیده والا این ضعفا را چه
توانائی که بساط عزت بگسترانیم . پس امیدم
چنانست که رحمت الهی شامل حال همگان شود
و آنچه حق بفضلش عطا یمان نموده بعدش باز
نستاند و از امتحان و افتیانش محفوظمان دارد
و ما را برضای خود موفق نماید . پس جای
شکرانه است که ،، الهی الهی اشکرک فی کل
حال و احمدک فی جمیع الاحوال ... آرزویم
سلامتی و بهروزی همه شما و اشتیاقم در آغوش
کشیدن جمیع عزیزان . امیدانکه حق تعالی مدد
فرماید و بارزویم رساند . ملتمنس دعا یم و
تکبیر و فیر حضور همه عزیزان دارم . فدایتان
اردشیر . ،

وصیت نامه

چهار فقره ساک که دو فقره آن ساک (کوچک
و بزرگ) یک رختخواب پیچ و یک کیسه که
شامل لباس و دم پائی و عینک و قدری شیرینی

قسمتی از ترجمه توقع منبع طنور عدل الهی

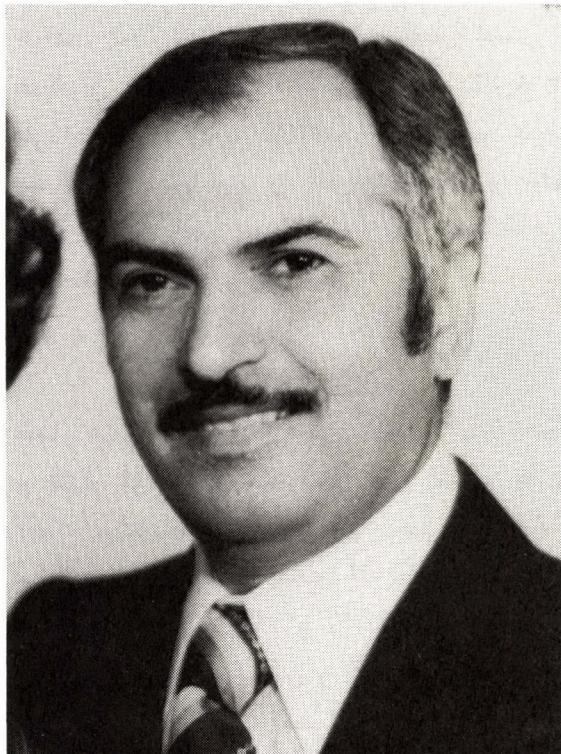
احاس من آنست که هر یک از باران الهی که در آن اتفاق بخواست امداده قائم
با علاوه کلمه اسد مالوف خواه از بینین سیار دیگرها جزین نیم پیشسته این گذشت و قید
نصب العین خوش قرار دهد و تقدیم ابراهیم گال تهیت مبدل دارد که با طبقی
محبت آنیز باعیض اهل از اعمالی و ادانتی از هر طبقه و ملت و قوم و قبیله محشر کرد و خود را
با انگاره احساسات آداب و شوون و حمام و ممالک آنان آشنازد و احسن بجود
طريق برای تماش و مصالحة با آنان امطا عده کند و بگزیند و بحال همراه استمانت و
وستانت و بوجه خوش راعلمعرف مدد و دی نماید که استعداد و شایستگی خود را بایم پیر
تعالیم الهی ظاهر ساخته اند آنکه با ابراز محبت و محبتت حقیقی روح عشق و مرارت و نهاد
و اشغال و قرب طابان اتفاق نماید تا نوس مقابله مطلعه بجهة خوش قیام کنند و نهاد
و دین اسد و متروح کلمه اسد و اوطان دیار خود را نهاد و این تمام این کلمات نعمیات
از چون قلم عنان از قول اعظم «ای اهل بیان باعیض اهل عالم متروح و یکان معاشر نهاد
اگر زرشکاکه دیا چه برای است که دون شما از آن مکردم بلسان محبت و شفقت اتفاق
نماید اگر قبول شد و از نمود عصمه حاصل و الاؤر ای ای اگر زد و درباره ادو همان نهاده بخوا
شفقت خوب است و مامه روح و بشایعی است از برای اتفاق و مانع
است از برای اسرار آن قاب حکمت و دانایی ».



تاریخ زرین شهادت

(۲)

شهید مجید جناب دکتر فیروز نعیمی علیه رحوان لہ



در طی این مدت بخاطر امامت و خدمت در انجام وظایف محوله مورد تحسین اولیای بی نظر امور قرار گرفته و از طرف دیگر با دشمنی همکاران ناصالح روپرور گردید. ضمناً شهید مجید در همدان به سمت استادی دانشگاه بوعلی سینا انتخاب و شخصاً در مطب خصوصی بمعالجه بیماران پرداخته و محبوبیتی بین مردم پیدا کرده زیرا بیماران بی بضاعت را از هر مذهب و فرقه ای مجانی معالجه و حتی پول نسخه آنها را شخصاً میپرداخت. شهید مجید نعیمی عزیز در سال ۱۳۴۲ با اختر خانم کوثری از احبابی همدان ازدواج کرد حدود نوزده سال در همدان ساکن و در تمام این مدت از طرف جامعه بعضیت محفل روحانی آن محل انتخاب و اکثراً نظمت محفل روحانی بعده ایشان بوده است. تا اینکه در تاریخ ۱۹/۵/۵۹ با تفاق شش نفر از دوستان و همکاران روحانی دستگیر و روانه زندان شدند. شرح زندان در مقاله جداگانه نوشته شده و ارسال میگردد. ضمناً وصیت

شهید مجید جناب فیروز نعیمی در تاریخ ۱۳۱۴ در عشق آباد روسیه متولد و در سن دو سالگی با پدر و مادر خود جناب علیرضا نعیمی و سرکار زیور خانم با ایران تبعید و در شهر مشهد ساکن شده پس از گذشت ۳ سال از طرف دولت ایران نیز از مشهد به یزد تبعید شدند.

در یزد دوره ابتدائی و متوسطه خود را پایان رسانیده و بعد در دانشگاه مشهد با خذ دکترای طب نائل و بعد از اتمام دوره دانشگاه بمنظور خدمت نظام وظیفه بدانشکده افسری وارد و بعد از گذراندن شش ماه اولیه دانشکده دوره افسری خود را در شهر همدان با تمام رسانید.

بعد از اتمام خدمت نظام وظیفه مشغول برای یافتن کار و خدمت پیامده به دوازه و ادارات مربوطه مکاتبه نموده ولی همواره پس از تکمیل فرمای مخصوص در خواست کار بعلت نوشتن کلمه بهائی در ستون مذهب تقاضای ایشان مورد قبول واقع نمیشد تا انکه بصورت کنتراتی و روز مزد در اداره ریشه کنی مalaria در شهر همدان استخدام شد. پس از چندی بعلت درستکاری و جدیت در کار مورد توجه اولیای امور قرار گرفته اول بریاست آن اداره و سپس بریاست کل اداره ریشه کنی مalaria استان همدان منصوب شدند.

نقل از صفحه ۵۰

و آب نبات است که بمیمتن بین دوستان تقسیم کنید مبلغ حدود ۱۰۶،۷۰۰ (یکصد هزار و هفتاد ریال) وجه نقد پس انداز و جهی است که در موقع ملاقات لطف مینمودید بهمسر و فرزندانم اعاده میدهم . شرمنده ام از اینکه در مدت زندان باری بردوش شما بوده ام ولی خوشبختانه امروز از این شرمندگی خلاصی میباشم همسر و عزیزانم را بخدا میسپارم و امیدوارم که خداوند کارساز است رفع مشکل نماید و گشايشی در امور مالی ایجاد کند . خیلی مایل بودم خودم بتوانم با کدیمین و عرق جبین فرزندانم را بزرگ کنم ولی این وظیفه را که بعلت عدم لیاقت قادر بانجامش نبودم بهمسر عزیرتر از جانم و اگذار میکنم و در عین عشق بزندگی و عشق بدیدار آن عزیزان دنیا را ترک میکنم و قصد آشیان باقی مینمایم امید دارم که مورد پذیرش حق قرار گیرم ، اشتیاقی که بدیدار تو دارد دل من ، دل من داند و من دانم و داند دل من . با تقدیم پر شور ترین محبت های صمیمانه .

فادیتان اردشیر اختیار راد

نامه شهید مجید نیز ضمیمه میباشد (ذیل این مقاله وصیت نامه درج گردید و شرح زندان بعلت تفصیل در موقع مقتضی بچاپ آن مباردت خواهد شد . سرانجام آن نفس نفیس با همکاران عزیز روحانی دستگیر شده در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ بعد از تحمل شکنجه و عذاب بسیار جام شهادت را لاجر عه نوشیده و برفيق اعلی و افق ابهی پيوستند . روانشان شاد و ارواحشان در عالم بقا غريق دریای رحمت الهیه باد .

وصیت نامه

همسر عزیزم : پس از عرض سلام و اظهار محبت و تشکر از زندگی مشترکمان چون امشب ما را اعدام مینمایند و بهیچوجه هم حاضر نشند حکم مریوطه را بما نشان بدهند لذا ضمن خدا حافظی از تو و اقوام ، مادرم را بتو می سپارم اگر مایل بود به او کمک کن و الا نزد نوه های خود برود سلام و تحیت محبت آمیز مرا به کلیه دوستان ابلاغ نما . من خوشحالم که با اعتقاد به دیانت مقدس بهائی جام شهادت را مینوشم بیش از این باعث دردرس تو نمیشوم از دوری من زیاد بخود ناراحتی راه ندهی .

قربانی همسرت دکتر فیروز نعیمی

اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی

از آنجا که عده ای از دوستان اظهار علاقه بدریافت کلیه نشریات مؤسسه نموده و در ضمن بعلت اشکالت ارسال ارز تعیین حق اشتراک ثابتی را پیشنهاد کرده اند و با توجه باینکه در حال حاضر انتشارات مؤسسه فواصل زمانی ثابتی منتشر نمیشود تا بتوان حق اشتراک سالانه ای معین نمود . عجاله از تعیین حق اشتراک خود داری نموده و آنرا موكول بآئیه مینماید .

با اینهمه برای اینکه از زحمت مراجعه مکرر دوستان بیانک برای ارسال وجه کاسته شود مؤسسه برای آنانکه مایلند نشریات را مرتباً دریافت دارند حسابی مستقل باز خواهد کرد و پس از انتشار هر کتاب و یا نشریه جدید نسخه ای از آنرا همراه با صورت موجودی حساب ایشان ارسال خواهد داشت .

برای افتتاح این حساب متنی است مبلغ یکصد دلار توسط حواله بانکی Money order ارسال فرمایند . وصول این مبلغ بعنوان تقاضای اشتراک متوجه خواهد شد و تقریباً با ارسال هر نشریه وضعیت موجودی نیز باطلاع عضو مشترک خواهد رسید .

بدیهی است انتشارات مؤسسه کماکان بصورت تکثروشی نیز در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت .

Persian Institute for Bahá'í Studies P.O. Box 8464
Dundas, Ontario L9H 6M2 Canada
متنی است وجوه را به آدرس ذیل ارسال فرمائید :

تَعْلِيمٌ و تَرْبِيةٌ

« از ناشر نخست ته جناب محمد علی فیضی »

حضرت بهاءالله در لوح مبارک اشراقات میفرمایند: "اشراق هفتم - قلم اعلیٰ کل را وصیت میفرماید بتعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اول ورود سجن از سماء مشیت الی نازل کتب علی کل اب تربیت ابته و بنته بالعلم والخط و دوتها عما حدد فی اللوح والذی ترك ما امر به فلامناء ان ياخذوا منه مايكون لازماً لتربیتهم ان كان غنياً والايرجع الى بيت العدل انا جعلناه مأوى للقراء والمساكين ان الذی رب ابته او ابناً من الابباء کانه ربی احد ابنائي عليه بهائي و عنائي و رحمتي التي سبقت العالمين. *

مضمون بیان مبارک بفارسی اینست: واجب شده است بر هر پدری که تربیت کند پسر و دخترش را بعلم و خط وغیره از سایر علومی که در لوح الی وارد شده است و کسیکه این وظیفه را ترك نمود و انجام نداد بر امنای الی است که از آن شخص آنچه برای تربیت آنها لازم باشد بگیرند در صورتیکه ثروتمند باشد والا اگر فقیر باشد تربیت فرزندان او بر عهده بیت العدل است ما آن مقام را پناهگاه فقرا و مساکین قرار دادیم و کسیکه فرزند خود را یا طفل دیگری را تربیت نماید مانند آن است که یکی از اولاد مرا تربیت کرده است. بر او باد بهاء و عنایت من که بر عالیمان پیشی گرفته است.

بیت العدل اعظم الی در طی نقشهها و پیامهای خود همیشه به تربیت اطفال و جوانان اشاره صریح فرموده و اهمیت خاصی میدهدند. دریکی از پیامهای خود میفرمایند: "تربیت اطفال باید یکی از وظائف ضروریه والدین بهائی و محافظ روحانیه محلی و ملی محسوب گردد و در طی این نقشه باید تربیت امری نونهالان بهائی در زمرة مجهودات بلیغه منظمه یاران قرار گیرد و تأسیس دروس اخلاقی و تعليم و تربیت به گفتار و کردار و شرکت دادن نونهالان در حیات جامعه بهائی باید از جمله آن مجهودات باشد." بنابراین تعليم و تربیت اطفال گذشته از اینکه موجب سعادت آنها میشود یکی از اهداف موردنظر معهد اعلی است و در دنیا امروز کدام نقشه موجب سعادت جامعه بهائی باید از جمله آن مجهودات باشد. در ابتدای اجرای نقشه هفت ساله این بنده با جمعی از دوستان در ارض اقدس مشرف بودیم روزیکه ملاقات اعضای بیت العدل اعظم الی نصیب زائرین گردید یکنفر از آن نفوس مقدسه راجع باجرای نقشه بیاناتی فرمود و موضوع قابل توجه در نقشه استقرار حیات واقعی بهائی در بین احبا بود. شب وقتی که جلسه در مسافرخانه تشکیل گردید یکنفر از حاضرین سؤال کرد که مقصود از حیات بهائی چه هست. در این موضوع از بیان حضرت ولی امرالله استفاده شد که فرموده‌اند رابطه حیات بهائی با افراد بهائی مانند رابطه حیات ماهی است در آب، چنانکه ماهی در آب میتواند زنده باشد حیات واقعی احبا هم در زندگی روزانه خود موكول باجرای تعالیم مبارک است. یعنی تطبیق زندگانی خود همه روزه با دستورات مبارک. بنابراین در هر خانواده بهائی وظیفه پدر و مادر آنست که زندگی روزانه خود را باتعالیم مبارک تطبیق نمایند تا اطفال که در ابتدای سن خردسالگی فقط میتوانند از راه مشاهده تدریجاً بحیات بهائی آشنا شوند و بعداً که مسئله تربیت روحانی درپیش آید بسهولت فراگیرند. یعنی اولیای اطفال آنطوریکه مایلند اطفال آنها با آن شئون روحانی تربیت بشوند خودشان عملاً دستورات مبارک را بموضع اجرا بگذارند تا با این ترتیب حیات بهائی کاملاً در زندگانی آنها استقرار یافته و اطفال نیز با آن‌گونه آداب و رفتار تربیت روحانی فرامیگیرند.

تعلیم و تربیت اطفال با رسم و روشی که امروز معمول است روزبروز مشکلتر میشود زیرا آزادگذاشتن اطفال در همه کار یعنی آزادی مطلق سبب میشود که هوی و هوس تدریجاً بر آنها غلبه کرده و زمانیکه بزرگتر شدند بهمین رویه عادت نمایند.

حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس بیانی میفرمایند که معنای مختصرش این است: حرمت و آزادی افراطی شأن حیوان است. شان انسان آن است که تحت احکام و تعالیم الهی از قبود نفس و هوی آزاد شود نه اینکه هوی و هوس بر او غلبه نماید. به اینجهت میفرمایند: "باید اولاد را بشرط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و بطراز اوامر مزین دارد ولیکن بقدرتی که به تعصب و حمیه جاهلیه متجر و منتہی نگردد." و همچنین در لوح مقصود میفرمایند: "انسان طلس اعظم است ولیکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده بیک کلمه خلق فرمود و بکمک اخراجی مقام تعلیم هدایت نمود و بكلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود."

پس معلوم شد که در خلقت انسان بدی آفریده نشده و انسان ذاتاً بد نیست، زیرا اساس آفرینش برمبنای نیکی و خوبی است، ولی احتیاج به تربیت هم امری لازم و ضروری است و اگر از تربیت مربیان الهی محروم ماند مانند بوته گلی است که تازه روئیده شده ازتابش آفتاب وباران رحمت الهی محروم گردد بدیهی است پژمرده و معدوم خواهد شد. حضرت عبدالهای میفرمایند آزادی بر سه قسم است:

۱- آزادی مطلق که خاصه الوهیت است که هر زمان بنا بمقتضیات وقت دستورات خود را بوسیله انبیای الهی برای بشر اعلام نمینماید.

۲- آزادی که امروز معمول است این آزادی شأن حیوان است بلکه حیوان بیشتر و بهتر آن آزادی را دارد. این آزادی بقدرتی است که به آزادی دیگران لطمہ وارد نیاورد. این نوع آزادی سبب میشود که جنایات زیاد شود و این نوع آزادی مقبول درگاه الهی نیست.

۳- آزادی که تحت سنتها و احکام الهی است این نوع آزادی شأن انسان است.

ایضاً میفرمایند: "اطفال را از سن طفولیت از تدبیت کلیه شیر دهند و پرورش نمایند تا آداب و سلوک بموجب تعالیم الهی از سن شیرخوارگی در طبیعت اطفال رسون تام پیدا نمایند." و همچنین پیشینی میفرمایند که اگر اطفال از تربیت محروم گردند دچار فساد اخلاقی میشوند و میفرمایند: "این اطفال را تربیت بهائی خواهم تا در ملک و ملکوت ترقی نمایند و سبب سرور دل و جان گرددند. در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد. باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جهان یابند والا در زحمت و مشقت افتتد زیرا سعادت عالم با خلاق رحمانی است."

شیخ اجل، سعدی علیه الرحمه میفرماید:

"هرکه در خردیش ادب نکند
در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنانکه خواهی پیج
نشود خشک جز به آتش راست."

والدین مسؤولیت بزرگی جهت تأمین سعادت و عزت آتیه فرزند خود بر عهده دارند و هریک از افراد بهائیان باهمیت این حکم محکم کتاب الهی بی برده و بخوبی میدانند که تعلیم و تربیت اطفال در امر مبارک اجباری است نه اختیاری باین معنی که هیچ پدر و مادری نمیتواند بمیل و اراده خود فرزندش را از نعمت تعلیم و تربیت بازدارد و حتی اگر قصور ورزد حق پدری او ساقط میگردد و عند الله مسئول خواهد بود.

جمال القدم جل اسمه‌الاعظم در اینخصوص چنین میفرمایند: "با محمد وجه قدم پتو متوجه و تو را ذکر نمینماید و حزب الله را وصیت میفرماید بتربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید حق پدری ساقط شود و لدی الله از مقصرين

محسوب. طوبی از برای تفسی که وصایای الهی را در قلب ثبت تماید و باو متمسک شود. اته یام‌العباد بما یویدهم و یتفعهم و یقربهم‌الله و هوالامر القديم. حضرت عبدالبهاء در لوح تربیت میفرمایند: "اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آنستکه بائی وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند. و دختران مانند پسرانند ابدا فرقی نیست، جهل هر دو مذموم و ناداتی هر دو مبغوض و هل یستوى الذين یعلمون والذین لا یعلمون در حق هر دو قسم امر محظوم. اگر بدیده حقیقت نظر گردد تربیت و تعلیم دختران لازمتر از پسران است زیرا این بنتات وقتی آید که مادر گردند واولادپرور شوند و اول مریب طفل مادر است." تعلیم، آشناکردن اطفال به خواندن نوشتن و راهنمائی آنان بفرآگرفتن علم و هنر و صنعت است که برحسب استعداد و بقدرتیکه وسع و استطاعت ذاتی دارند مرتبأ مراحل مختلفه را بپیمایند و تربیت، راهنمائی اطفال بکسب اخلاق و آداب و فضائل عالم انسانی است. در حقیقت تعلیم عبارت است از جمال، و تربیت کمال آنست و اساس هردو قسم از همان اوان کودکی بایستی بهمت و جدیت والدین در قلوب صافیه اطفال که مانند آئینه شفاف و مصون از هرگونه ناپاکی و پلیدی است گذارده شود.

حضرت عبدالبهاء در اینمقام چنین میفرمایند: "اما در وقت خواب اطفال، امهات باید غزلیات جمالubarک را بخواهند تا از سن طفولیت این اطفال بآیات هدی تربیت شوند." چنانکه میدانیم در ایامیکه حضرت ولی امرالله هنوز در گهواره بودند حضرت عبدالبهاء یکی از مشاهیر قرائت قرآن را فرمودند اقلای در هفته یکروز قرآن را با لحن خوش در پهلوی گهواره برای ایشان قرائت نماید. بدیهی است این صوت تلاوت قرآن در آن ایام چه تأثیر روحی در آن وجود مبارک مینمود. در جمیع اوقات نباید به نقاط ضعف و جنبهای منفی کودک نظر داشت. حضرت عبدالبهاء میفرمایند: " طفل را نباید مقصّر شمرد و سرزنش کرد زیرا کامل نیست، بلکه باید او را در آغوش محبت تربیت کرد." و همچنین میفرمایند: "یاران الهی و اماء رحمانی باید اطفال خود را بجان و دل بپرورند."

با اینکه موضوع تعلیم و تربیت همیشه مرادف یکدیگر و غالباً دوش بدوش هم مورد تذکر قرار میگیرد، معذک باید دانست که در جامعه بهائی تربیت اطفال مهمتر از تعلیم آنها شمرده شده است. حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "اطفال باید بآداب الهی تربیت شوند و ترغیب و تشویق بر تحسین اخلاق گرددند، آنکاه بقدر امکان کوشش در تحصیل علوم و صنایع آنها کرد، چه اگر تربیت الهیه و اخلاق حسنیه نباشد اکتساب علوم و صنایع تنها کفايت ننماید و مانع فساد اخلاق و مضرات نفس و هوی نشود، بلکه سبب ترویج افکار باطله و وسیله تقویت اغراض شخصیه گردد، مگر آنکه با تربیت الهی و حسن اخلاق توأم باشد." حضرت عبدالبهاء در سفر اروپا هرجا که تشریف میبردند بمحض آنکه اطفال چشمشان بآنحضرت میافتاد همه میدویدند و بحضور مبارک میرسیدند و میفرمودند: اطفال دوستان من هستند و من آنها را دوست دارم.

وقتی در سفر مبارک بامريکا عده‌ای از اطفال که هیکل مبارک را با لباس شرقی دیدند مايل شدند که حضور مبارک برسند، اجازه فرمودند. روز بعد که مشرف شدند آخر همه طفل سیاپوستی بود که داخل شد. حضرت عبدالبهاء فرمودند: گل سیاه من آمد، او را بغل گرفته بوسیدند و نوازن شرمودند و بآنها شیرینی و شکلات دادند و فرمودند: ببینید شکلات با آنکه رنگش سیاه و قهوه‌ای است چقدر شیرین است، این طفل هم مثل شکلات میماند، رنگش سیاه ولی خیلی شیرین است. و باین ترتیب رفع تعصب بچهها را که در خانواده بآنها تلقین شده بود میفرمودند.

حضرت عبدالبهاء دارای هشت فرزند شدند که دو پسر بنام حسین و مهدی و دو دختر بنام فوادیه و

روح‌انگیز در سن طفولیت صعود نمودند. از حسین چنین یاد می‌فرمایند: "من پسری داشتم بنام حسین. هر وقت در بستر من می‌آمد لذتی بمن دست میداد که با هیچ لذتی تمیتوان مقایسه کرد." این طفل در زمان کودکی بحضور حضرت بهاء‌الله میرفت و دست خود را به کرسی‌هائی‌که در اطاق گذاشته بودند می‌گرفت و راه میرفت. حضرت بهاء‌الله می‌فرمودند حسین چه می‌کنی؟ این طفل با همان زبان کودکانه خود می‌گفت "تباشا می‌کنم". این طفل در سن کودکی صعود نمود و فرمودند روی سنگ آرامگاه او بنویسند: "الماَلُ وَالبَنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَوَايَا وَ خَيْرٌ أَهْلًا وَلِيْكُنْ ابْنُ زِيَّتٍ أَعْلَى وَ عَلِيَا بُوْدَهُ مَعَ آنَّكَهُ اَزْ فَضْلُ الْهَبِّ وَ رَحْمَاتُ رَحْمَانِي در این حین تباشای خود را مشغول بتماشای فردوس اعلی مشاهده مینماییم." حسین ابن ع ۱۳۰۵

در قلوب اطفال لازم است خشیة‌الله ایجاد شود، یعنی انجام آنچه که مورد رضای الهی است و این بهترین ابراز شجاعت و شهامت است زیرا که بفرموده مبارک حضرت عبدالبهاء خشیه‌الله جوهر حکمت است و باین ترتیب نظم و ترتیبی که لازمه زندگانی بشری و اجتماعی است اطفال از سن خردسالی می‌آموزند زیرا که نداشتن اطمینان بقدرت فائقه‌الهیه منجر به هرج مرج و لجام گسیختگی و ناامیدی خواهد شد. حضرت بهاء‌الله در لوح دنیا می‌فرمایند: "اما امری که در ظاهر و باطن سبب حفظ و منع است خشیه‌الله بوده و هست اوست حارس حقیقی و حافظ معنوی."

البته نباید نظم و ترتیب را با ضرب و شتم درباره اطفال برقرار کرد. حضرت عبدالبهاء صریحاً ضرب و شتم باطفال را منع فرموده‌اند و حتی می‌فرمایند: ضرب و شتم درباره حیوانات نیز سبب می‌شود که آن حیوان مثلًا اسب سرکش می‌شود. حفظ مراتب را مقتضی است باطفال تعلیم داده شود. همچنین می‌فرمایند: "اصاغر باید رعایت احترام اکابر کنند و اکابر باید عنایت و مهربانی در حق اصاغر نمایند. جوانان باید خدمت و حرمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان نمایند این حقوق متبادله است."

یقین است که هر فرزندی نزد پدر و مادر خود خیلی عزیز است ولی باید دانست که طفل آنها تنها به پدر و مادر و فامیل خود تعلق ندارد، بلکه رشته علاقه او به جامعه انسانی که در آن زندگی می‌کند نیز بستگی دارد. بنابراین جامعه نیز باید او را عزیز و محترم بشمارد و برای او ارزش قائل گردد و این مقصود حاصل نخواهد شد مگر به تعلیم و تربیت صحیح والا طفل بی تربیت طولی نخواهد کشید که در نظر پدر و مادر خود هم خوار و بیمقدار خواهد شد و باینجهت امر تعلیم و تربیت در امر بهائی اجباری است نه اختیاری. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اطفال را از صغر سن به تحصیل هر علمی تشویق کنید و باکتساب هر صنعتی تعریص نمائید تا قلب هر یک بعون و عنایت حق آئینه کاشف اسرار کائنات گردد و بحقیقت هر شیئی پی برد و در علوم و معارف و صنایع مشهور آفاق شود. البته صد البته در تربیت اطفال قصور و فتور نفرمایید و باخلق رحمانی پرورش دهید و مطمئن به موهبت و عنایت حضرت پروردگار باشید."

درباره مسئله مهم تعلیم و تربیت اطفال و وظائف والدین الواح مفصل دیگر نیز از قلم اعلی و کلک مطهر حضرت عبدالبهاء نازل گشته که درج تمامی آنها می‌سر نگردید ولی از نظر اهمیت موضوع یکی ازالواح مبارک حضرت عبدالبهاء که دستورات کافیه جهت اولیاء اطفال و معلمین است بتمامه درج می‌گردد تا کاملاً مورد مطالعه و دقت اولیاء محترم کودکان و آموزگاران قرار گیرد:

"هوالله"

ای بنده حضرت یزدان درخصوص تربیت صبیان و تعلیم کودکان سؤوال نموده بودی، اطفالی که درظل سدره مبارکه بعرصه وجود قدم نهادند و در مهد هدایت پرورش یافتند و رضیع ثدی عنایت

گشتند این اطفال را باید امہات از بدایت بتربیت الهیه تربیت نمایند، یعنی همواره ذکر حق کنند و از بزرگواری حق سخن رانند والقای خشیه الله نمایند و درنهایت لطافت و نظافت و مهربانی طفل را پرورش دهنند تا آنکه هر کودکی از بدو حیات نسیم محبت الله را استنشاق نماید و از رائجه هدایت الله باهتزاز آید. این بدایت تأسیس تربیت است و اساس کل و چون طفل بسن تمیز رسد آنرا در دبستان الهی داخل نمایند که ابتدا در آن ترتیل آیات رحمانی میشود و عقائد دینیه تعلیم میگردد، در این مکتب طفل باید قرائت و کتابت تحصیل کند و همچنین بعضی از مبادی علوم که از برای صبيان ممکن التحصیل است یعنی بر این منوال که از بدایت باید معلم قلم در دست اطفال دهد و آنان را دسته دسته نماید و هر دسته را باقتضای استعداد درس تعلیم دهد، آن اطفال در مقری صف زده و نشسته و قلم در دست گرفته و کاغذ در پیش نهاده معلم نیز لوحها در مقابل معلم نموده و بقلم خویش حرفی نوشته و اطفال نیز متابعت نموده آنان آن حرف را بنگارند. مثلاً معلم حرف الف مرقوم نماید و بگوید این الف است اطفال نیز مانند او بنگارند و بگویند که این الف است. بر این منوال تا نهایت حروف ابجده و چون اینحروف را درست بشناسند آنوقت معلم حروف را ترکیب نماید همچنین اطفال متابعت نمایند و بر صفحه بنگارند تا بر این منوال حروف و کلمات را بتمامه بشناسند. بعد معلم جمله بنگارد و اطفال نیز متابعت نمایند و بر ورق خویش بنگارند معلم معنی آنجلمه را باطفال تفهیم نماید و چون در لسان فارسی مهارت یابند معلم ابتدا ترجمه کلمات مفرد نماید و از تلامیذ معنی آن کلمات را استفسار نماید، اگر یکی ادراک نموده آن کلمه را ترجمه تواند معلم تحسین نماید و اگر کل نتوانستند معلم در زیر آن کلمه ترجمه آنرا بلسان دیگر بنگارد. مثلاً سماء را بنویسد و سؤال کند که اینکلمه را بپارسی چه گویند. اگر طفلی از اطفال بگوید که ترجمه اینکلمه بپارسی آسمان است معلم تحسین نماید و تشویق کند و اگر نتوانستند خود معلم بیان نماید و بنگارد و هم شاگردان بنگارند. بعد معلم سؤال نماید که این کلمه را بروسی یا فرانساوی یا ترکی چه گویند. اگر دانستند بهتر و خوشت و اگر ندانستند معلم بگوید ترجمه اش بلسان روسی و یا فرانساوی چنین است و بر لوحهای بنگارد و همچنین اطفال بنگارند. چون اطفال در ترجمه کلمات مفرد نماید فهم معلم ترجمه نماید و جملهای بر لوحه بنگارد و ترجمه آنرا از اطفال بطلبد اگر ندانند نفس معلم ترجمه نماید و بنگارد و اگر السنه متعدده بکار برد البته بهتر است و باین سبب در مدتی قلیله یعنی سه سال اطفال در السن متعدده بسبب نگاشتن مهارت تامه حاصل کنند، بتحصیل مبادی علوم پردازند و چون مبادی علوم را تمام گشتند هر کس بتواند و هوس نماید فنون متعدده در مکاتب عالیه تحصیل نماید، ولی عموم به تحصیل فنون عالیه و علوم سامیه نتوانند مشغول گردند. باید اطفال را بعد بمکتب صنایع فرستاد تا تحصیل صنایع نیز بنمایند و چون در صنعتی از صنایع مهارت حاصل گشته نمایند که میل و رغبت طفل در چه چیز است. اگر چنانچه به تجارت است به تجارت و اگر به صنعت است به صنعت و اگر به معارف است پنشر معارف و اگر بسائر وظائف انسانیه است هر کدام را میل و رغبت و استعداد داشته باشد باآن محول نمایند.

و اما اُس اساس، اخلاق الهیه است و فضائل و خصائص ممدوحه انسانیه. این را بیش از همه چیز باید منظور داشت. اگر نفسی اُمی باشد ولی باخلاق الهیه متخلق و بنفس رحمانی زنده، آن بیسواندی با و ضرر نرساند و این نفس سبب خیر عموم است، و اگر چنانچه جمیع فنون را تحصیل نماید و متدين نباشد و متخلق باخلاق الهیه نگردد و نیت خالصه نداشته باشد منهمک در

شهوت گردد مضرت محض است ابداً از علوم و معارفشن جز اذیت و رسوائی حاصل نشود. ولی اگر اخلاقش رحمانی و صفاتش نورانی و مسلکش ربانی و انجذا بش سبحانی و علوم سائره را تحصیل نماید آنوقت نور علی نور است، ظاهرش روشن و باطنش متور، قلبش سليم و فکرش عظيم، ادراکش سريع، شائش جليل. طوبی لمن فار بهذا المقام الکريم.

و عليك التحية والثناء ع ع

آنچه را که در حیات يومیه بر هر پدر و مادری لازم است رعایت گردد و در تربیت اطفال مؤثر خواهد بود، موارد ذیل بنظر رسیده:

- ۱- تلاوت نماز يومیه در موقع مخصوصه وتلاوت مناجات تا طفل هم باين وظیفه روحانیه آشنا گردد. چهبسا اشخاصی دیده شده‌اند که صلوٰۃ کبیر را در طفویلیت از پدر و مادر خود آموخته‌اند.
- ۲- احتراز از معاشرت با نفوس بداخلق. در کلمات مکتوبه میفرمایند: "زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مکیر و موائست مجو که مجالست اشرار نور جان را بثار حسبان تبدیل نماید."
- ۳- رعایت تعطیل ایام متبرکه نهروزه در سال که طفل همراه والدین بعلت تعطیل پیرد و رعایت نماید.
- ۴- روزه گرفتن در ایام صیام که اطفال نیز به این وظیفه روحانیه آگاه گردند.
- ۵- تشکیل جلسات و احتفالات تبلیغی در منزل که اطفال نیز در آن شرکت نمایند و از مسائل تبلیغی تدریجیاً آگاه گردند.
- ۶- تقديم تبرّعات در جلسات ضیافت نوزده روزه که اطفال هم بسهم خود از پول پسانداز خود بصندوقد تبرّع بدھند.
- ۷- القاء محبت‌الله در قلوب اطفال که نسبت به اطفال دیگر از هر نژاد محبت داشته باشند.
- ۸- بیان حکایات و قصص امری و تاریخی برای اطفال.
- ۹- تنظیم عکس‌های امری و تاریخی در آلبوم مخصوص و نشان دادن باطفال تا به مسائل تاریخی و اماکن امری آشائی پیدا کنند.
- ۱۰- شرکت مرتب در کلاس‌های درس اخلاق.

اطلاعیہ

احبای مهد امرالله مقیم پاکستان اقدام بانتشار مجله‌ای بنام بانگ سروش نموده اند که از هر چهت مجله ایست زیبا و متین و پر محتوا . هیئت تحریریه عندلیب با نهایت سرور انتشار بانگ سروش را بلجنہ ملی احبابی مهد امرالله لاہور پاکستان تبریک گفته و از احباء عزیز انتظار دارد که با مکاتبه با لجنہ مزبور نسبت به اشتراک مجله اقدام نمایند ، زیرا تقویت مطبوعات بهائی در آثار مبارکه ولی محبوب امرالله یکی از وظائف مهمه یاران بیان شده است .

با تقديم تعیيات

هیئت تحریریه عندلیب

آدرس بانگ سروش صندوق پستی ۵۳۱ لاہور پاکستان

Office of the Co-ordinator, Persian Affairs
P.O.Box 531 Lahore. Pakistan. ① 303699

شعر و ادب فارسی

از صد ای سخن عشق نمیدم خوشت
تر



یادگاری که درین گفشد و آریاند

«حافظ»

یک قصبه میش نیست غم عشق و این عجب

کن هرزبان که می شنوم ناگیر است

«حافظ»

طی مراحل عشق کی از قدم را آمد

«استاد محمد غلی ملتانی»

ثبت است در جریده عالم دوام ما

«سعدی»

پچ عاقل زنده مگذر و بعالم خوش را

«فأتنى»

برای بحر خد آفریده طوفان را

«فتح الدمشقى»

عشق عالم سوز باید حسن عالمگیر را

«پارسا توپر کافی»

دیدم که خبرها همه در بی خبری بود

«فرخی بزرگی»

قصبه بی نمک و غصه پر در دسر است

«سرمه»

از جان سفر نمودم شاید رسما بجانان

هر گز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

گرداند لذت جان باختن در ارعش

ب غیر سینه در یادان گنج عشق

نماینی چون ترا دلداوه ای باید چون

روزی که ز عشق تو شدم بی خبر از خوش

عشق میورز که بی چاشنی عشق حیات

استاد کائناست که این کار خانه است

مقصود عشق بود جهان را بهانه خفت

«سلی شیرازی»

ای عشق منم از تو هرگشته و سوائی
و ندره همه عالم مشهور به شیدائی

کار دگر است عشق کار دگر است
«مولوی»

که از این خوب تر تجارت نیست
«عطای ریثابردی»

در زیر تیغ بوسد مقوول دست قاتل
«حاجب شیرازی»

هرگز نشنیدم زپروانه صدای
«حنین لاهیجی»

چون عشق آیم خجل باشم از آن
«مولوی»

چند گاهی گر شوی محبوس سلطان غم خواز
«عذیب»

فرقی میان بندۀ مسکین و شاهنشست
«دکتر سیروس درشتی»

ار عشق اوست یکسره لبریز حام ما
«فیض خلبانی»

شها به نور عشق قدم بر سار زند
«مولوی»

عشق اُطراب اسرار خداست
«مولوی»

هر علم که در مدرسه حاصل گردید

عشق بستان و خوشتن بفروش

ای عشق این چه و داشت که نیک کر شده تو

نالیدن بلبل زنو آموری عشقست

هر چه کویم عشق را شرح و بیان

در بساط عشق گر محبوب جانان آمدی

نازم به مسیه عشق که دربار گاه او

ز هر بلاست گرچه دادم به کام ما

آشناکه روزخانه ندارند بر زین

مذهب عاشق ز مذهب هاجد است

این جهان بی عشق تا کیست و نیست

نیست جز نمیشی گیاه و خاک خشتم

«دکتر علامین پومنی»

حاج محمود قصایدی

نسخه ای از مجله مذکور بواسطه یکی از تجار بهائی کلیمی نژاد بنام Joseph Moshi بdest او رسید . تاجر مذکور بعد ها برحسب درخواست حاج محمود قصایدی نسخه ای از کتاب مستطاب اقدس را که موجب ایمان و تصدیق کامل مشارالیه به امر مبارک گردید در اختیار او گذاشت .

حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار حاج محمود قصایدی صادر فرموده اند وصول و وقوف او را به غایت قصوای وجود و اعتقاد و اعتراف او را به آثار نازله اسرار ملکوت غیب و شهود مورد عنایت و تلف قرار میدهند .

از آن هنگام بود که بادلی مملو از شور و اشتعال به تبلیغ پیرداخت و هر جا شننه سرگردانی میبایافت زبان به تبلیغ گشوده و از آن ماء معین حیوان که چندی قبل او را سیراب نموده بود براو ارزانی میداشت .

خدمات بی نظیر آن بزرگوار بلافضله پس از جنگ بین الملل اول آغاز گردید . در آن هنگام برحسب اجازه مرکز میثاق عهد دار بازسازی بیت مبارک حضرت بهاء الله در بغداد گردید ، اگر چه ایشان آمادگی خویش را در تقبل تمامی مخارج مربوطه بساحت اقدس معروض داشته بود معهداً هیكل اطهر و جمعی دیگر از احباب نیز در ارسال قسمتی از مخارج مربوطه مشارکت جستند .

صبح روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۷ احباب عراق عمیقاً ازوصول خبر فقدان حاج محمود قصایدی یکی از بهائیان سرشناس آن سامان متأثر و محزون گردیدند . نفس مؤمن ، ثابت قدم و فداکاری که تا واپسین لحظات حیات ترابی خویش به خدمت و عبودیت امر حضرت بهاء الله قائم بود .

حضرت ولی عزیز امرالله در تلگرافی به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۷ خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان عراق در وصف و مدح آن نفس باوفا چنین میفرمایند : « عمیقاً از فقدان مرroc محبوب امرالله حاجی محمود قصایدی متأثر . خدمات ارزشمند و تاریخی او در عراق و ایران و ارض اقدس آموخته و فراموش ناشدنی . به کلیه مراکز امریمه ابلاغ نمائید که جلسات تذکر شایسته ای بیاد بود خدمات و فعالیتهای قابل تمجید و ستایش او که عمیقاً مورد تقدیر این عبد بوده منعقد نمایند . (ترجمه به مضمون) .

حاج محمود قصایدی که از اعقاب یکی از خانواده های اصیل بغداد بود در سنه ۱۹۱۱ میلادی بواسطه قرائت مجله نجم باختر ، نشریه ای حاوی اخبار اسفار و خطابات و شمايل مرکز میثاق که در آن هنگام موجد هیجان عظیم وولوه غریبی در بین عموم طبقات و اهالی ممالک غربیه گردیده بود به دیانت بهائی مؤمن گردید .

حضرت ولی امرالله موفق به مشارکت مالی در ابیات ارضی مخصوصه برای تأسیس مشرق الاذکار ارض طا نیز گردید . همچنین چند سنه قبل از آنکه رخت از این عالم ادنی به جهان بالا کشد به خریداری و تقدیم سه خانه ملحقة به بیت جمال اپهی در بغداد توفیق یافت .

در باب یکی از تقبلات مالی و مشارکت سخاوتمندانه او به مراجع امریه امة البهاء روحیه خانم در یکی از نامه های خویش خطاب به جمعی از احباب بغداد چنین میفرمایند : ، لطفاً به هنگام ارائه قیض رسید تقبلی به حاج محمود قصاصی اطمینان دهید که اراده حضرت ولی محبوب امرالله لاجل عنایت و محبت خاصه به آن جناب بر آن قرار گرفته که مبلغ مذکور هر هنگام که شرایط زمان شروع چنین مشروع تاریخی عظیمی را اقتضا نماید برای اتمام بنای مقام مقدس حضرت رتب اعلی مصروف گردد . ،
(ترجمه به مضمون) .

در سنه ۱۹۳۱ با کسب اجازه از ساحت مولای توانا حضرت ولی مقدس امرالله به یک سلسله مسافرت به مهد امرالله پرداخته و در شهرهای مختلف ایران به ملاقات با جمهور کثیر و مشتاق احباب نائل و کماکان به تبرّع کریمانه به مراجع و محافل امریه دریغ نفرمود . در سال ۱۹۳۲ مفتخر به زیارت هیکل اطهر حضرت شوقي ریانی و اعتاب مقدسه گردید . در تابستان همان سال عازم شهر دمشق در سوریه شد و در آنجا بود که خبر فاجعه عظمی و فادحه کبری عروج حضرت ورقه مقدسه علیا را دریافت نمود و بدون تأثیت به ارض اقدس برای حضور در مراسم تشییع جسد اطهر معظم^۱ الیها نمود .

در سنه ۱۹۳۳ برادر یک حمله معزی بسیار شدید که به سختی جان بدر برد برای باقی ایام حیات خویش قدرت حرکت و گویائی را از

بقیه در صفحه ۶۲

در سال ۱۹۲۵ مقارن با التجا احباب در باب رسیدگی به غصب بیت مبارک بغداد بدست شیعیان از محکمه شرعی بغداد و فعالیت دامنه گیر شیعیان بر علیه بهائیان ، که احباب عراق را در موقعیت بسیار خطروناکی قرار داده بود و تنها این مشکل بزرگ موجب ثبات قدم و پایداری بی نظیر او گردید بلکه ایشان به تشویق و تحریص سایر بهائیان آن سامان پرداخته و پرداخت حقوق و مصارف وکلای جامعه بهائی را در محکمه شرعی بغداد تقبل نمود . پس از گذشت چند سنه از واقعه مذکور مشاراًالیه مفتخر گردید که از جمله معدود نفوosi گردد که در ابیات و استقرار حظیره القدس بهائیان بغداد نقش به سزاًی ایفا نمودند و همچنین در ادائی تقبلی های کریمانه برای ساختمان حظیره القدس ملی بهائیان عراق که بنای آن بدست جمعی از احبا اغاز گردیده بود سهم بسزاًی ایفا نمود و نیز همین شخصیت بود که در جریان ابیات و بنای حظیره القدس بهائیان عواشیق که اولین حظیره القدس بهائیان عراق محسوب میگردد از پرداخت مبالغ باهظه دریغ نفرمود .

در سال ۱۹۳۱ میلادی بعضیت اولین محفل مقدس ملی بهائیان عراق انتخاب و در این منصب جلیل کماکان به ادامه خدمات عالیه خویش پرداخت . به تحقیق می توان شایسته ترین خدمات مشاراًالیه را مشارکت در باب ساختمان رواق ملحقة مقام مقدس اعلی در جبل کرمل نام برد که در آن هنگام بعنوان محفظه آثار بین المللی و به حفظ و نگاهداری اشیاء متبرکه اختصاص داده شده بود .

حضرت ولی امرالله که شخصاً به تمشیت امور و ساختمان این اطاقدا ناظر بودند به کرات و مرّات این خدمت ایشان را ارج نهاده و لسان به تمجید و تحسین گشوده اند . بعلاوه حاجی محمود قصاصی با کسب اجازه از ساحت اقدس

هدف از مهاجرت

« از مصاعدی هشتبه حباب سعید محبی »

دیده علم و حسن تحقیق علمی در امور گذشته ملاحظه و با نظر وسیع و مبرأ از هرگونه تعصب از مقدمات اخذ نتایج مینماید.

حال میگوئیم معلم باید دانسته خود را بگوید و بنویسد و الا بسامع و طالب نخواهد رسید. چنانکه در باره کلام مكتوب گفته اند : سخن را روی با صاحبدلان است ، و نیز ، کل علم لیس فی القر طاس ضاع ، و این اقدام که در اصلاح ادیان از آن به کلمه تبلیغ (یعنی رساندن پیغام) تعبیر شده رویه جاریه همه واضعین ادیانست که البته خود اول مقدم باآن بوده اند و به پیروان خود امر موکد در اجرای آن نموده اند. چنانکه مثلاً در قران عباراتی نظیر ، ابلغ لكم رسالات ربی ، و یا یبلغون رسالات الله آنقدر هست که از ذکر شماره فصل و مطلب خودداری میشود. در انجلیل نیز بیاناتی حاوی همین مقصود مکرر هست (متى پنجم - ۱۵ و غيره) که میفرماید :،، هیچ عاقلی شمع را پنهان نمیکند ، و یا ،، چراگ را زیر سر پوش نمیگذارند ، و یا ،، مشعل را در محل بلندی میگذارند که نورش بهمه برسد ، و از این قبیل و نیز در کتب مقدسه هندو و بودائی نظیر همین تعلیم از کریشنا و بودا ذکر شده. هر چند فی الحقیقه عجیب است که حضرات یهود و مسیحی و اسلام پیامبران سایر ملل را بر خلاف نصوص صریحه ای که در توراه و انجلیل و قرآن موجود است رد کرده اند و از جمله همین دو روح الهی را که صاحب وحی آسمانی هستند قابل ردای پیامبری نشناخته اند. لیکن این مطلب اکنون از موضوع بحث ما خارج است و باآن نمی پردازیم (ولی چون میخواهیم

پیامبران معلمین بشر و واحنین مدنیت ها هستند. هدفشان از زحمات و مشقاتی که تحمل میکنند رهائی مردم جهان از جهل و نادانی و آشنا ساختن عموم افراد به کسب کمالات انسانی است. چنانکه مولی جلال الدین بلخی که اکنون برومی معروف است میفرماید :
گر نبودی کوشش احمد تو هم
میپرستیدی چو اجدادت صنم

و همین بیان در باره همه فرستاده های آسمانی صادق است زیرا آنچه از تاریخ دین مستفاد میشود قیام انبیاء همیشه در مرحله دُنومدنیت ها و انحلال نظم اجتماعی صورت گرفته. در اثر مساعی آنها است که جهل به علم و ضعف به قدرت و تشتبه بوحدت و فقر به ثروت و ذلت بعزم تبدیل میگردد.

چنانکه (آرنولد توین بی) مورخ مسلم معاصر و محقق صاحب نظر فلسفه و تاریخ (که از فوت او بیش از چند سالی نمی گذرد) در مقدمه تاریخ عمومی خود در دو جلد می نویسد : مقارنه و ارتباطی بنظر میرسد میان قیام موسیّین ادیان و ظلوع مدنیت های جهان . مثلاً ظهر مدنیت یونان بعد از موسی و مدنیت بیزانس بعد از عیسی و مدنیت اسلامی بعد از محمد ، و پس از شرح این مطلب میگوید ، و حال قریب یکصد سال است که وضع عالم دیگرگون شده و در جمیع شئون تغییرات کلی بیان آمده - پس چه میدانیم شاید باز هم باید منتظر تحولاتی از همان قبیل باشیم که مدنیتی از نوع دیگرتأسیس شود - قابل ملاحظه است که گوینده این کلام مبلغ دینی نیست بلکه عالمی است دقیق النظر که با

۷۶ هشتم ۲۳ نهم ۲۰ چهارم ۱۰۱ الى
ماشاء الله که بدون اغراق هر صفحه قرآن را باز
کنید بهمین مطلب بر میخورید لیکن هیهات
هیهات که چون در تاریخ نظر نمائی ملاحظه
فرمائی که اکنون متجاوز از پنج قرن است که
اهل اسلام با اینهمه تأکیدات موکده از
مجاهدت باز ایستاده‌اند و میدان را برای
دیگران بازگذاشته‌اند. بقسمی که در دنیای
امروز پیروان دین بودائی بالغ بر یک میلیارد
یعنی یکهزار میلیون‌نند و پیروان دین مسیحی
متجاوز از هفتصد میلیون و نطاق اسلام فقط به
چهارصد میلیون محدود میشود آنهم بصورتی که
بقول نظامی گنجوی :

کرده بدو آنمه پیرایه ساز
گر تو ببینی نشناشیش باز

آنوقت امر قرآن را فراموش کرده زبان اعتراض
بر اهل بها گشوده‌اند و به تکفیر مشغولند و
حال آنکه اینان با اعلان ظهور قائم اسلام فی
الحقيقة در اطراف عالم تبلیغ اسلام می‌کنند،
باز ایکاش به تکفیر اکتفاء میشند در عرض سه
سال اخیر متجاوز از دویست نفر از بهائیان
بجرم ،،تبلیغ محکوم و مقتول شده‌اند و چند
هزار نفر دیگر سرگردان و پریشان و بی خانمان
گردیده‌اند. حتی بزندگان اکتفا نکرده بر
قبرستان مقتولین عنوان کافر و بیدین گذاشته
اند و هنوز ادامه دارد و روز بروز در تزايد.



بقول آنها استناد کنیم ذکر این مطلب لازم بود
. از (سیتارتا - گوتاما) ملقب به (بودا)
) متأثر است که چهل روز بعد از بعثت
موءمنین اولیه را که تا آن روز عددشان به
شصت رسیده بود جمع کردند و بآنها طی یک
نطق تاریخی که نص آن ضبط شده امر نمودند که
متفرق شوند و به تبلیغ کلمه پردازند. چقدر
شبیه است این اقدام (بودا) و نطق آنروز به
بيانات حضرت مسیح در روی کوه یتون که
امروز به (عظ جبل) معروف شده و در
موردی کاملاً مشابه همان خطاب به حواریین
ایراد گردیده است. مطلب دیگر آنکه ابلاغ
پیام طبعاً مستلزم حرکت و مسافت و باصطلاح
مهاجرت میشود یعنی ترک اوطان و سیر در
بلدان که امر موکد قل سیروا فی الاوص مُبین آن
. این فرمان در جمیع ادوار قبل بوده و
اختصاص بدین بهائی ندارد چنانکه در نطق
(گوتاما- بودا) و همچنین در عظ جبل از
حضرت مسیح که در فوق بآنها اشاره شد امر
صریح به تفرق و مسافت و مهاجرت داده شده
- و آن دو معلم الهی که بفضلله شش قرن از
یکدیگر یک فرمان آسمانی را به یک نحو ایراد
نموده خود اول مقدم و مجری بوده اند بشرحی
که گذشت. و اما در قرآن که اکنون روی
سخن با اهل آنست تأکید در باره تبلیغ و
مهاجرت و مجاهدت و حتی گذشتن از مال و
جان در این سبیل بیش از آنست که در این
مختصر بگنجد. فقط برای نمونه که باصطلاح
مشتی از خروار باشد شماره چند فقره از
عباراتی را که مخصوصاً حاوی کلمات ،،مهاجرت
و مجاهدت و افاق مال و جان ،، و
تأکیدات دیگر از این قبیل میباشد در اینجا
قید میکنیم تا طالبین بتوانند خود تفحص
فرمایند و مفهوم فرمان بودا و مسیح را بنحو
ا تم و اکمل در کتاب خود بیابند. از جمله در
سوره ذیل: دوم - ۲۱۵ یا سوم -
شانزدهم ۴۳ بیست و دوم ۵۷ هشتم ۷۵ هشتم

قسمت جوانان

« آنوسه معارف بهائی بسان فارسی »

جوانان عزیز، روی سخن باشهاست

که ناچار در هر مملکتی بآن باید تکلم نمود و آنرا خوب فرا گرفت و در موقع کار و مکالمه و در معاشرتهای خصوصی و عمومی بکار برد ، در نزد عده ای محدود کم کم جای زبان مادری را پر کرده است و در مواردی اهمیت خواندن و نوشتن بزبان فارسی را بکلی فراموش نموده و حتی آنرا غیر لازم فرض نموده اند و تمام بحث ما در همین نکته است . حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در یکی از الواح می فرمایند :

،، حضرت بهاء اللہ و حضرت باب ، هر دو ایرانی بودند و بیست هزار ، سی هزار ایرانی در این سبیل جانفشنای نمودند و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود اینکه شصت سال است از ایران خارج شده ام هنوز راضی بآن نکشته ام که عادات جزئیه ایرانی ترک شود . بهائیان ایران را می پرسند نه همین حرف می زند ، شما نظر به عمل کنید ،،

و علت این علاقمندی و پرسش را در بیان دیگری چنین ذکر میفرمایند :

،، بهائیان چنان ایران را در انتظار جلوه داده اند که امروز جم غیری از اقالیم سبعه پرستش ایران مینمایند . زیرا شمس حقیقت از آن افق طلوع نموده و وطن مقدس حضرت بهاء اللہ است ملاحظه کنید که چه موهبتی حضرت یزدان در حق ایران و ایرانیان فرموده اند ،،

در سالهای اخیر احبابی عزیز ایرانی که بعل متفاوتی در سراسر عالم پراکنده شده اند مورد توجه عموم واقع شده و بعنایین مختلفه مورد گفتگو قرار گرفته اند که از بحث این مقاله مختصر خارج است ولی آنچه مورد تصدیق همگان است .. استعداد سرشار جوانان عزیز بهائی است که حتی در سخت ترین شرایط ، بکمک استعداد ذاتی و پرخورداری از میراث ارزشی تربیت بهائی که از پدران و مادران و اجداد مولمن خود ، بدست آورده اند ، توانسته اند خود را با محیط وفق داده ، زبان مملکت جدید را در اندک مدتی آموخته و تحصیلات خود را به بهترین وجهی ادامه دهنده ، وارد دانشگاههای مختلفه گردند و در اکثر موارد جزء شاگردان ممتاز محسوب شوند و حتی آنانکه تحصیلات خود را قبلًا با تمام رسانده اند و بعلت قوانین مملکتی ، قادر باستفاده از آن نبوده اند در عرض مدت کوتاه یا باأخذ مدرک جدید موفق شده و یا رشته ای را از نو آغاز بتحصیل نموده اند . گروهی نیز حرفه و پیشه ای اختیار کرده و در رشته های مختلفه کار و صنعت بنها یافت جدیت و همت مشغول شده ، کار را نفس عبادت شمرده اند و نه تنها از همگان عقب نمانده اند بلکه در بسیاری از موارد مورد تحسین و تمجید آنان واقع شده اند .

اما در این میان البته مشکلاتی نیز رخ گشوده و مسائل جدیدی نیز مطرح گشته که در خور توجه فراوان است و آن اینکه زبان دوم این عزیزان

تمرین در نوشتن و خواندن صحیح آن هم بنما بیند و دقائیقی از اوقات روزانه خود را صرف این امر مهّم کنند ، قادر به حفظ این ارثیه گرانبها خواهند شد و در نتیجه آنرا بفرزنیدان خود انتقال خواهند داد ، فرزندانشان نیز قادر خواهند بود الواح و مناجات و اشعار نازله از قلم حضرت بهاء اللہ و حضرت عبدالبهاء را از بر بخوانند ، با صوت مليح و شیرین تلاوت کنند و هر روز نهال وجود خود را از باران عنایت الهی تر و تازه نمایند و از سرچشمہ وحی خداوند سیراب شوند و در عرفان و شناسائی مظہر امر الهی و تکامل و ترقی روحانی خویش که هدف از خلقت هر فرد انسانی است بیش از پیش موفق شوند . حال اگر خدای ناکرده ، جوانان عزیز ، به بهانه کمبود وقت و گرفتاریهای تحصیلی و شغلی و اجتماعی ، از زیر بار این وظیفه مهّم شانه خالی کنند ، هم بخود ظلم کرده اند و هم فرزندان خود را از این نعمت و سعادت که می توانست به رایگان در اختیارشان قرار گیرد محروم ساخته اند ، زیرا چشم عموم احبابی جهان بیاران ایران است یارانی که از سرمین جمال مبارک آمده اند ، سرمینی که عموم احبابی جهان پرستش می نمایند . تا ببینند چه هدیه و تحفه ای با درک و فهم خود از بیانات مبارکه ، برای آنها آورده اند ، همه ما این تجربه را تا بحال داشته ایم که با سوالات عمیق یاران غیر ایرانی در مورد مسائل روحانی و اخلاقی و عرفانی امر روپرورد شده ایم . آنان از ما انتظار دارند و انتظارشان نیز بسیار بجااست که دامنه اطلاعاتمان وسیعتر باشد . کتابهای را که برای آنها هنوز ترجمه نشده است ، خوانده باشیم الواح و آثاری را که مطالعه اش در درک بهتر معانی آثار ترجمه شده کمک می نماید ، زیارت کرده باشیم و خلاصه کمک کنیم تا معلوماتشان عمیق تر و شناسائیشان نسبت به مظہر امر الهی و آثار و الواح او روز بروز بیشتر گردد .

اگر زبان فارسی فقط یک زبان از زبانهای عالم بود ، در عین حال که فقط زبان مادری برای هر فردی بسیار مهم است ، باز شاید میشد در مواردی از آن صرفنظر کرد ولی در اینجا زبان فارسی و عربی زبانی است که احکام و تعالیم و آثار عرفانی و ادبی این امر مبارک بآن لسان نازل شده ، آثاری که سالیان دراز بطول خواهد انجامید که حتی نیمی از آنها بزبانهای دیگر ترجمه گردد . دوستان ویاران عزیز غرب را ملاحظه کرده ایم که بعضی بنها سعی و همت در تحصیل زبان فارسی و عربی می کوشند شاید به قدره ای از این دریای بی پایان الواح و آثار دست یابند و آب را از سرچشمہ اش بنوشنند . زیرا مظہر کلی امر الهی در این دور ، یعنی حضرت بهاء اللہ این دو لسان را برای اظهار امر خود اختیار فرموده است .

حال باید دید جوانان عزیز ایرانی که افتخارشان انتساب به موطن حضرت بهاء اللہ است ، مفتخرند که از سرمین شهیدان این امر ، مایه و پایه گرفته اند ، جوانانی که اسعدداد سرشار و قدرت روحی و اخلاقی خود را به پدران و مادران و اجداد بهائی ایرانی خود مدیونند ، آنانکه جان و مال و هستی و آزادی و راحت خود را فدای آزادی جهانیان نمودند ، آیا موظّف نیستند که این میراث پسندیده و گرانبها را حفظ نمایند ؟ آیا نباید در حفظ و تقویت زبان فارسی که فرا گرفتنش آرزوی قلبی هر بهائی مؤمنی از هر ملیّت و نژادی در سراسر جهان است ، بگوشند ؟

بسیار جای تأسی خواهد بود اگر بشنویم که حتی تعدادی انگشت شمار ، فی المثل بگویند که زبان انگلیسی یا فرانسه و یا هر زبان دیگری برای آنها کافی است . اگر نسل جوان حاضر که هنوز براحتی می توانند زبان فارسی را بفهمند و بآن تکلم نمایند سعی و جدیت و

حال حاضر بعلت مشکلات ایران برای احبابی ستمدیده آن کشور عزیز ، حاصل شده ، پر نماید و جوانان عزیز ایرانی خارج از کشور نمونه های شایسته ای از فرهنگ و زبان موطن حضرت بهاء الله شوند.

مؤسسه معارف بهائی بسان فارسی

دست بداد و سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۷ با تنی بسیار رنجور و نحیف احساس نقاھتی نموده و ۲ روز بعد مرغ روحش از قفس تن آزاد و به مقامات علیا پرواز نمود . جسد معنیر معظم له در قبرستان سلمان پاک حوالی بغداد به خاک سپرده شد .

این خطوط بیانگر قسمتهای موجز از حیات عنصری شخصی است که به مصدق آیات نازله کلمات مکنونه فارسیه ، ، الکرم و الجود من خصالی فهینناً لمن تزین بخصالی ، ، در کلیه شئون حیات ترابی خویش این خصلت مبارک را سرلوحه اعمال و افعال خویش بنمود نفس مبارکی که غرور اموال فانیه که بمتابه سدیست محکم میان طالب و مطلوب او را اخذ ننمود و از ورود و دخول به مدینه رضا و تسليم باز نداشت . فرخنده وجودی که مورد عنایات لانهایه مولای توانا ولی مقدس امرالله بود و هیکل اطهر لاجل آنکه بر خدمات و هم عالیه او صحه گذارند نام او را با تسمیه یکی از ابواب مقام مقدس حضرت نقطه اولی همچون خدمات فراموش نشدنی او مخلد و جاودانه نمودند . ، باب قصابچی ، ، و مصدق این بیان مبارک حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی گردید که در کلمات مکنونه میفرمایند :

، پس نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی محروم شنگرداند ...

حال اگر جوانان عزیز بهائی ، باین صفات و کمالات آراسته اند و اطلاعاتشان عمیق و وتسلطشان بزبان فارسی و عربی چشمگیر است . چه بهتر از این بوجودشان افتخار میکنیم و چشمان بدیدارشان روشن میگردد و اگر چنین نیست نا امید نمی شویم . زیرا اطمینانمان به سابقه روحانی و تربیت ایمانی آنها است . اعتقادمان به علاقه و میل شدید آنان بحفظ این اعتبار و آبرو و افتخار است و مطمئنیم اگر وسائلی برای آنان فراهم شود که بتوانند معلومات فارسی خود را تقویت نمایند ، الواح را خود آموزی کنند ، دروس امری را از طریق مکاتبه بزبان فارسی و با استفاده از الواح و آثار و کتب فارسی فرا گیرند . مسلماً این موقعیت را استقبال خواهند کرد . عزیزان جوان ، این فرصت فراهم شده و این سعادت حاصل گشته است . بیت العدل اعظم الهی مؤسسه معارف بهائی بسان فارسی را برای ، ، ترویج معارف عالیه امیریه و تشویق ایرانیان عزیز به تألیف و تصنیف و مطالعه و تحقیق ، ، امر به تأسیس فرموده اند و این مؤسسه نوپا و جوان ، در نهایت سعی و جدیت ، شروع باین خدمت نموده است ، همت نمائید انتشاراتش را دریافت نموده ، مطالعه کنید . نظریاتتان را بنویسید و سؤالاتتان را مطرح کنید و اگر حاصل مطالعات و تحقیقاتتان را بر什ته تحریر در آورده اید و یا رسالات و مقالاتی نوشته و حتی کتبی تألیف نموده اید آنها را نیز برای ما بفرستید و مطمئن باشد که بنها ی دقت و علاقه و اشتیاق مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و از حاصل نظریات و پیشنهادات مؤسسه نیز در اسرع اوقات و در حد امکانات مطلع خواهید گشت . مطمئن باشید این مؤسسه که انشاء الله یعنایت حق و تأیید بیت العدل اعظم و پشتیبانی احبابی عزیز ایرانی در سراسر جهان پایه و اساس دانشگاههای آینده بهائی بزبان فارسی یعنی زبان نزولی آیات خواهد بود ، روز بروز پیشرفت خواهد نمود و قادر خواهد شد خلائق را که در

کانونش بین المللی بهائی



در چهار روزه قبل از شروع کانونشن، نمایندگان به زیارت اعتاب و مقامات متبرکه مقدسه پرداختند و شیخا تعدادی از محاقن روحانی ملی جلسات مشترک تشکیل میدادند که درباره امور مهمه ای چون مهاجرت، مسافرت‌های تبلیغی، مسائل خاص فرانسه زبانها در عالم، انجمن مطالعات بهائی و نیل به اهداف تعلیم و تربیت از طریق همکاریهای بین المحاقن، به بحث و تبادل نظر پردازند.

امه البهاء روحیه خانم ششمین انجمن شور روحانی را رسماً افتتاح نمودند و ریاست اجلاس اول آنرا بر عهده گرفتند و قبل از انتخاب اعضای بیت العدل اعظم، سخنرانی جالبی ایجاد فرمودند. در مراسم انتخاب، ۱۲۹۶ ورقه رأی تحویل شد که از میان آن تعداد ۱۱۵۴۴ رأی صحیح تشخیص گردید. جریان رأی گیری جمعاً دو ساعت بطول انعامید که طی آن اعضای محاقن روحانیه ملی بترتیب حروف تهیجی و با لباسهای الوان و پر جلوه و گوناگون محلی به اهداء رأی پرداختند.

این موتمر بهائی از تاریخ ۲۴ آوریل الی دوم مه در حیقا - اسرائیل انعقاد یافت.

۸۰۰ تن از ولایت که نمایندگی ۱۳۲ محفل از مجموع ۱۴۸ محفل روحانی ملی عالم را بر عهده داشتند، در مرکز جهانی بهائی گرد هم آمدند و چهار روز را به زیارت و چهار روز را به حضور و مشارکت در کانونشن و دو روز را به برگزاری مراسم دویوم از ایام متبرکه در اعلی و اشرف بقاع عالم اختصاص دادند. وضع کانونشن از هر لحاظ وصف ناشدنی است. گلهای سرخ و شمعدانی حدائق در حد اعلی زیبائی جلوه گر، همه چیز در غایت پاکیزگی وصفاً و نظم و کمال. مقام حضرت رب اعلی و ساختمان دارالتشريع همه شب غرق در نور بود. لازم به توضیح نمیداند که انتخابات بیت العدل اعظم از ابتدای تشکیل در سال ۱۹۶۳ تا کنون هر پنج سال یکبار صورت گرفته است. قبل از انعقاد کانونشن سال جاری، دو تن از اعضای معهد اعلی بلحاظ کهولت از مقام خود استعفاء نموده بودند.

گرچه تشریفات ابداً و اخذ آراء در سراسر مدتی که جریان داشت در نهایت سکون و وقار برگزار شد ولی زمانی که دو نماینده اعزامی از محفل روحانی ملی بهائیان کوبا به محل تسلیم رأی قدم گذارند، شرکت کنندگان یکباره و بجهت ادای احترام پیا خاستند و در نتیجه آرامش قبل به هیجان روحانی شدیدی مبدل شد. این اولین بار بود که محفل روحانی ملی کوبا توانست نمایندگانی به کانونشن بین المللی اعزام دارد. در مورد ایران چون محفل روحانی ملی بهائیان آن سامان پس از انعقاد کانونشن بین المللی قبلی برایر غیر قانونی اعلام شدن تشکیلات بهائی در آن کشور منحل گشته، لذا یک سبد بزرگ گل سرخ بجای نمایندگان اعزام نشده از آن مملکت، در لحظه ای که نام ایران قرائت گردید، به محل اخذ رأی آورده شد.

در یوم ثانی کانونشن، امة البهاء روحیه خانم پیام معهد اعلی را بمناسبت رضوان قرائت نمودند که متعاقب آن مشترکین در این مؤتمر جهانی به شور و مذاکره در باره آن پرداختند و آنگاه نتیجه انتخاب بیت العدل اعظم الهی با خواندن نام انتخاب شدگان بترتیب زیر اعلام شد:

جنابان : علی نججوانی - گلتفورد میچل - هوشمند فتح اعظم - ایان سمپل - پیتر خان - دیوید روح - هیو چنس - هوپر دانبار - و ادیب طاهر زاده.

«ترجمہ باختصار زبانی کانادا»



در کلیه اجلاسات کانونشن، مشورت و تعاطی افکار برقرار بود و هر جلسه را یکی از نسوان عضو هیئت های مشاورین قاره ای اداره میکرد. در یوم چهارم که مسک اختتام کانونشن بود، امة البهاء روحیه خانم سخنان اختتامیه را ایراد و ضمن آن توصیه نمودند که فرد مبلغ میباید بجای آنکه در نقش معلم ظاهر شود همانند طبیب معالج عمل نماید. روش ما احباء باید آن باشد که افراد طالب حقیقت را چون پزشکان معاينه و آنگاه مبادرت به تجویز داروی شفا بخش نمائیم. در عصر آخرین روز کانونشن، حضرات ایادی امرالله، مشاورین، نمایندگان کانونشن و کار کنان مرکز جهانی که جمعی قریب ۱۲۰۰ تن را تشکیل میدادند در بهجی گرد هم آمدند که یوم دوازدهم عید مبارک رضوان را مقفل جشن گیرند. در این حفله عظیم، حضار در سه صفت دائره ای شکل حول حدائق بهجی قرار گرفتند تا به طاف مقام مقدس حضرت بهاء الله پردازنند.

یکی از مشخصات بارز این مؤتمر جهانی آن بود که تعداد نمایندگان بومی شرکت کننده بیش از کانونشن های قبلی بچشم میخورد.



یک خبر از آلمان

«فرستنده جناب بهارالدین محمد عبادی»



ترجمه اختصاری روزنامه Boblingen مورخ اپریل ۱۹۸۸

مراسم جشن یادبود دیدار عبدالبهاء از اشتوت در محل Bad Cannstatt مردی که برای ایجاد صلح و
وحدت مدت ۶۰ سال عمرش در زندان گذشت.

با جمله ای از دکتر اشمیت نماینده محفل ملی آلمان مطلب را شروع می کند . که مسافرت عبدالبهاء
بالمان اثراتش در آینده مکشوف خواهد شد .

بعد از دعوت جامعه بهائی آلمان از حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۳ مینویسد . و شرح آخرین نامه حضرت
عبدالبهاء به جامعه بهائی آلمان در ۱۹۲۱ را مینویسد که متأسفانه قبل از امضاء هیكل مبارک صعود واقع
گردید . بعد از صحبت آقای هوشمند ثابت که در مورد صلح نمودند مینویسد که صلح نه تنها ضروری است
بلکه غیر قابل اجتناب است و برای رسیدن باین هدف چه قدر از خود گذشتگی و فداکاری لازم است
صحبت میکند .

آنگاه از تشکیلات محلی و ملی و انتخاب اعضای بیت العدل اعظم الهی که اولین بار در سال ۱۹۶۳ تشکیل
گردید صحبت می دارد و بعد از صعود حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۷ صحبت میدارد و با بیانی از
حضرت عبدالبهاء این مقاله را بیان میبرد که فرموده اند ، ، امیدوارم که ملت آلمان همیشه هدف
صلح عمومی را مدد نظر قرار دهند ، ، سال ۱۹۱۳ در Esslingen

انجمن شور روحانی ملی بحث ایان کانادا

«گزارش از جناب ناصر ثابت»



اگر چه انجمن رسم‌آزاد بعد از ظهر پنجمشنبه ۱۹ ماه می‌کار خود را آغاز نمود و لی نمایندگان از روز قبل بدعوت محفل مقدس ملی جهت شرکت در برنامه ای که باید آنرا برنامه آمادگی روحانی نامید و زیر نظر جناب دیوبید اسمیت عضو هیئت مشاورین قاره ای اداره میشد مجتمع شدند در این دوران آمادگی ، بسیاری از مسائل مورد نظر نمایندگان مطرح و ضمن مراجعته به نصوص الهی و دستخط های بیت العدل اعظم تبادل نظر کافی در باره مسائلی که همیشه در انجمن مورد مذاکره است بعمل آمده و پیشرفت کار انجمن را در روزهای آتی آسان ساخت .

با توجه باینکه اخیراً انتخابات بیت العدل اعظم انجام شده و حضرات اعضاء هیئت مشاورین و محفل ملی در آن مؤتمر بین المللی شرکت نموده و با روحی مهتز از نسائم آن دیار و قلبی مملو از عشق به عهد و میثاق الهی و خاطری آمیخته از اخبار و بشارات توسعه امر در سراسر جهان

مشاهده این حقیقت تاریخی که انجمن ملی شور روحانی کانادا بعد از چهل سال برای بار دوم در مکانی تشکیل میگردید که خود آن مکان نیز متعلق به جامعه بهائی است احساسی از غرور و ارضاء خاطر ایجاد نمود که در نوع خود باید آنرا بی نظیر شمرد . (۱)

محل زیبای مدرسه بین المللی ماکسول به همت مسئولین مدرسه و برگزار کنندگان انجمن به نحو بسیار رضایت بخشی آماده پذیرایی شرکت کنندگان شده و جمعیتی قریب ۲۰۰ نفر را در محیطی که از لحاظ روحانی و مادی شبیه به یک خانواده بزرگ بود در خود نگهداری میکرد .

در بین این جمعیت بنماینده هیئت مشاورین قاره ای ، اعضاء محفل ملی ، اعضاء هیئت معاونت و مساعدین آنها و دیگر کسانیکه بنحوی از انجاء جهت موقوفیت این انجمن بذل همت نموده بودند بچشم میخوردند.

انجمن رسید که به بسیاری از مذاکرات کانونشن در باره گسترش امر تبلیغ در کشور کانادا جنبه ای عملی داده و نمایندگان مکرراً به آن ارقام اشاره نمودند ، ضمناً خاطر نشان میسازد ، کشور کانادا از لحاظ تبلیغی و توزیع پیام صلح و ارسال مهاجر به نقاط داخل و خارج از درصد فعالیت قابل توجهی برخوردار است.

(۱) - اولین کانونشن ملی کانادا در سال ۱۹۴۸ در منزل مستر ماکسول تشکیل گردید . در سال ۱۹۶۳ بعلت تقارن با انتخاب اولین بیت العدل اعظم کانونشن ملی کانادا تشکیل نگردید و بهمین مناسبت کانونشن امسال چهلمین کانونشن است .

(۲) - جناب دیوید اسمیت قبل از شروع کانونشن تلگرام واصله از بیت العدل اعظم در باره اعضاء جدید دارالتبلیغ بین المللی که سه نفر از اعضاء آن از آمریکای لاتین و آمریکای شمالی انتخاب شده اند را قرائت نمودند .

مراجعت نموده بودند و به دفعات مختلف تجربیات خود را از آن سفر تاریخی با نمایندگان در میان گذاشته و بر روحانیت و سرور جلسه می افزودند . محور اصلی مذاکرات انجمن شور روحانی بین المللی در حیفا موضوع اقبال دسته جمعی بوده و در پرتو این موضوع مهم تبلیغی اهمیت نقش کلیه احباباً خصوصاً نسوان و جوانان و کودکان در برنامه های توسعه جهانی امر مورد توجه خاص قرار گرفته است (۲) پیام رضوان بیت العدل اعظم و این ره آورد سفر الهام پخش کلیه اعضاء انجمن گردید .

ساعت چهار بعد از ظهر روز پنجمینه انجمن بصورت رسمی کار خود را آغاز و بلافاصله اقدام به انتخاب اعضاء هیئت عامله خود نمود . جلسه شب با مشاهده ویدیوئی که در باره گسترش امر تحت عنوان FOURTH EPACK تهیه شده بود شروع و پس از آن گزارش جامعی مبنی بر یک بررسی دقیق آماری توسط جناب دکتر حسین دانش منشی محقق ملی کانادا به سمع



اعضاً جدید محل روحانی می بیان کانادا

اخبار و پیشگاهات امرالله

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۱۷۵ - مارس ۱۹۸۸
اسفار بین المللی ایادی امرالله

بهائیان کشور چاد از ۱۹۸۳ بسط و توسعه اجتماعی و اقتصادی را بفعالیت‌های معمولی خود اضافه کردند و در سال ۱۹۸۴ با جرای چند طرح مبادرت نموده اند از جمله تعلیم و تربیت مأمورین بهداشت ، ساختمان درمانگاه ها ، افتتاح داروخانه در قریه ها ، کارآموزی فلاحی و ایجاد مدارس تعلیم سواد . علاوه بر درمانگاه حکیم که فعلًا در شهر مواسala Moiissala دائز است دو مرکز پژوهشی جدید در ماه نوامبر در دو منطقه دیگر بفاصله ۶ کیلومتر از مواسala تشکیل گردید و مراسم افتتاح با حضور نمایندگان اولیای امور سیاسی و لشکری بر گزار شد که از خدمات بشر دوستانه بهائیان تقدیر نمودند در بین افراد بهائی که شرکت کردند دو عضو هیئت معاونت و نمایندگان لجنه توسعه اجتماعی و اقتصادی و محفل روحانی محلی بودند رؤسای قریه های اطراف نیز دعوت شده بودند و عده ای حضور یافتند .

امر بهائی برای اولین دفعه در مؤسسات مذهبی و نزد رئیس جمهور کوبا ذکر شد .

از بهائیان کوبا دعوت شد در کنفرانس مسیحیان برای صلح که ماه اوت در هاوانا تشکیل شد شرکت کنند. بهائیان از این فرصت استفاده نموده بیانیه صلح بیت العدل اعظم را به سه زبان انگلیسی پرتغالی و اسپانیولی به ریاست جمهور تقدیم کردند . در ماه سپتامبر فرست دیگری برای ابلاغ امرالله پیش آمد یک کلیسای پروتستان از بهائیان دعوت نمود که اسلامیهای معبد هندوستان را نشان بدھند و علاقه مندان با کمال موافقت سوالات راجع بامر مطرح نمودند طبق راپورت محفل روحانی ملی این اولین دفعه بعد از انقلاب بود جامعه بهائی در یک جمع غیر بهائی صحبت کند . در همان ماه کلیسای دیگر پروتستان در هاوانا از بهائیان دعوت نمود در کنفرانسی که توسط دبیر کل

ایادی امرالله چناب ویلیام سیرز و قرینه محترمه مارگریت با همراهی مشاورین قاره ای از ۱۵ تا ۳۰ ژانویه در جزایر افیانوسیه به سیر و سفر پرداخته با حضور خود در محافل یار و اغیار و بیانات الهام بخش و فرح انگیز خود دوستان را مسربت و انبساط بخشیدند . بخصوص با محفل روحانی ملی هاوائی و هیئت مشاورین قاره ای در اقیانوسه . با هر یک در جلسه جداگانه و سپس در یک جلسه مشترک ملاقات نموده همکاری روز افزون دو مؤسسه انتخابی و انتصابی را که از خصائص عهد چهارم عصر تکوین است عملانشان دادند.

وضعیت وخیم حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مورد تنقید کمیسیون مربوطه در سازمان ملل متعدد قرار گرفت .

هیئت عامله حقوق بشر در جامعه بین المللی بهائی از دفتر ژنو یازده مارس باطلاع مرکز جهانی امر رساند که بیست کشور در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد دهم مارس به تصمیم آن کمیسیون راجع به وضعیت وخیم حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران رأی موافق داده اند پنج رأی مخالف و چهارده رأی ممتنع بود نتیجه نسبت به سال قبل بیشتر رضایت بخش بوده و تصمیم کمیسیون با وجود آراء مخالف پیتصویب رسید.

فعالیت اجتماعی و اقتصادی بهائیان در کشور چاد (افریقا مرکزی)

بود .

حکایتی جالب مربوط به اقدامات تبلیغی در تایوان

در ارتباط با نهضت تبلیغی مهاجرت که در کشور تایوان اجرا شد ۱۱۶۵ نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد شده و اعضاء جامعه بهائی را ۷۴ در صد اضافه کردند حکایت جالب ذیل در نشریه بهائی ۲ ژانویه نقل شده است : ، ساعت ۹ صبح بود و اتوبوس شلوغ نبود همه ما جای نشستن گرفتیم ، در بین راه جمعی دیگر از اعضاء گروه تبلیغ بما پیوستند و همگی به مدرسه زمستانه میرفتیم . درین هنگام چشم های مسافرین اتوبوس پیر و جوان مشتاقانه بطرف ما متوجه شده میخواستند از هویت ما مطلع شوند . مردی که پشت سر من نشسته بود حرفها و خنده های ما را بدقت گوش میداد . من برگشتم و جزوه ای باو دادم و او فوراً شروع بخواندن کرد و وقتی تمام نمود بدخلتی بهائی که پهلویش نشسته بود اظهار تصدیق کرده اسم و آدرس و نمره تلفن بهائیان ساکن شهرش را گرفته از اتوبوس پیاده شد . یک مرد چینی کوتاه قدمی داخل اتوبوس شده جای او نشست گوئی روحش با مناجاتی که ما میخواندیم ارتباط یافته چشمانش برق میزد . من به دست خود اشاره کردم او را تبلیغ کند مرد چنین با ذوق و شوق بحرفهای او گوش داده فی الفور تصدیق امر کرد . و من صدای هیجان را در عقب اتوبوس شنیدم که دو نفر دیگر تصدیق کرده اند خلاصه چهار نفس مستعد تغییر کلی پیدا کردند . چهار مسافر اتوبوس سفری از عشق را بسوی ابدیت شروع کردند ، ،

در جامعه بهائی ایرلند روحی جدید و مهیج بوجود آمده است .

شورای جهانی کلیساها تشکیل گردید شرکت نمایند و در برنامه های موج کوتاه رادیو ماه اوت و سپتامبر نام بهائیان برده شد . و بعد در ماه سپتامبر یک جریده معروف در شماره یکشنبه بیست و هفتم همان ماه مقاله ای درج نمود که در آن قسمتی از مصاحبه نوازنده *dizzy Gillespie* با رئیس جمهور کوبا *Gillespie* که در فوریه ۱۹۸۵ صورت گرفت نوشته شده . در این مصاحبه مستر *Gillespie* اظهار میدارد که خود یک بهائی مشتاقی است و به *Gillespie* بیان داشته که اهل عالم همه اتباع یک کشور هستند .

کنفرانس نسوان بهائی در کشور گانا (افریقای غربی)

اولین کنفرانس نسوان بهائی در حظیره القدس یکی از بلاد ناحیه غربی کشور گانا موسوم به *Bowodi* باود . ۳۰ - ۳۱ ژانویه تشکیل گردید . عمارت حظیره القدس بنای خشت و گلی است بالای تپه که راهنمای برجسته ای از بلده باودی میباشد . از دور کوچک بنظر میاید ولی دارای سالنی بزرگ و وسیع مناسب که از در ها و پنجره هایش نسیم جانفرزای جنگلی میوزد . میز و صندلی برای ناظم و ناطق کنفرانس و نیمکت های خیزرانی برای ۲۸ تن بهائیان حاضر در کنفرانس توسط جامعه بهائی باودی فراهم شده است . یک عضو هیئت مشاورین قاره ای و چهار عضو محفل روحانی در کنفرانس شرکت داشتند و مذاکرات راجع به تعلیم و تربیت اطفال ، عهد و میثاق ، ازدواج بهائی نشانه ای از وحدت و یگانگی و تساوی حقوق و حسن اخلاق و سهم زنان در اعانه بصدقیق ، ایجاد یک خانه روحانی و موضوع هائی مانند آوردن عده بیشتر از نسوان در ظل امر و تشویق آنان به شرکت در کنفرانس ها

مدارس رفته با ۳۶۷ نفر دانش آموزان تماس گرفتند در نتیجه از طرف اولیای امور تعلیم و تربیت اجازه داده شد برنامه تبعیت جهانی در مدارس تدریس شود . علاوه بر این در این شهر کوهستانی پرو اطلاعات راجع به شهدای بهائی در ایران بخش گردید .

تعداد نفوسي که بدیدن معبد هندوستان میایند از دیاد می یابد .

قطعات ذیل از راپورت هیئت مدیره معبد هندوستان که بارض اقدس وصل شده است استخراج گردیده : ،، هوای ملائم و خنک ماه فوریه اخیراً گل ها و ریاحین رنگارنگ را در اطراف معبد لذت بخش دیدگان نموده است ،،

،، حقیقت واقع اینست که معبد بهائی مهمترین جاذب توریست ها در دهلی میباشد . ،،

،، در ماه فوریه جمعاً ۱۸۳،۳۰۴ نفوسي بدیدن شرق الاذکار آمدند که از اين عده ۲۸۱۹۲ دانش آموز از ۲۰۶ مدرسه بودند که بهمراه ۲۴۰۶ معلم آمده بودند . ،،

،، تلویزیون ملی یک شرکت فیلم سازی دیگر را مامور کرده است که از معبد فیلم پردازند . ۲۸ فوریه فیلم پرداخته شد در حالی که دسته کامل نوازندگان زنان ملبس به ساری های سبز و مردان با نیم تن و شلوار زرد و سرخ می نواختند. ،، برنامه اسلاید بدو زبان انگلیسی و هندی در سالن فرعی معبد نشان داده میشود . و در تمام جلسات سالن پر است از نفوسي که از ممالک مختلف میایند و با اشتیاق جزوی از بزبان خودشان دریافت میدارند .

بهائیان هند بخدمت درخت کاری و تولید جنگل قیام می نمایند .

چندی است که بهمت و اشتراک مساعی دو مؤسسه انتخابی و انتصابی روحی جدید در جامعه بهائی ایرلند بوجود آمده است طبق اظهارات بیت العدل اعظم ،، موجبات رشد و نمو عظیم و سریع در جامعه امر فراهم شده است . ،، بسیاری از مؤمنین این پیشنهاد را که یک ساعت در روز را به تبلیغ اختصاص دهند بموضع اجرا گذاشته اند و با توجه به جمال مبارک و طلب تائید از درگاهش شخصاً به تبلیغ همت میگارند و بعداً چند تن دوستان هیئتی تشکیل داده متعدد بدوا و مناجات پرداخته برای ملاقات نفوسي و دعوتشان به جلسات تبلیغی از منزل بیرون میروند . بابتکار جوانان طرح راه پیمانی ماهیانه برای صلح اجرا میگردد . گروهی از بزرگسالان جوانان و اطفال تا بیست مایل پیاده روی کرده با بسیاری نفوسي تماس حاصل نموده اند که ده نفر از آنان در ظل امر وارد شدند از جمله جوانی ۱۷ ساله که پدرش چهار سال گذشته قبل از فوت خود نامه ای را به پست داده بود که در آن توصیه کرده بود او با بهائیان تماس گیرد و راجع با مر بهائی تحقیق نماید .

در کشور پرو جوانان بهائی به تنفیذ عقیده تبعیت جهانی اقدام میکنند

در یکی از بلاد کوهستانی پرو گروهی از جوانان بهائی که نام خود را ،، دوستی همگانی ،، گذاشته بودند کارت شناسائی تبعیت جهانی تهیه کرده بین نفوسي مهم شهر توزیع نمودند . هفته بعد در ،، روز ملی صلح ،، جوانان در میدان اصلی شهر نمایش اسلاید راجع به صلح ترتیب دادند که خبر نگاران چند شبکه تلویزیون و رادیو در آن شرکت کردند . مجموعه ای از اوراق و جزوات شامل بیانیه صلح بیت العدل اعظم به نمایندگان دولت پرو و اولیای امور توزیع گردید . همچنین گروه جوانان بهائی به

در ایالات متحده امریکا کتاب سال بритانیکا برای ۱۹۸۸ Britannica book of the year بیانیه‌ای تحت عنوان ،، احصائیه مذهبی جهان ،، درج کرده است : ،، اکنون بیش از چهارده طریقه مذهبی هر یک در بیش از ۸۰ کشور پیروان دارند . مسیحیت و اسلام و آئین جهانی بهائی کروی ترین هستند .،،، جدولی در این مقاله نشان میدهد که آئین بهائی پیروان بسیار در تعداد بیشتری از ممالک مستقل و غیر مستقل نسبت به ادیان دیگر بجز مسیحی داراست .

در روسيه اوج صلح جوانان تحت عنوان ،، فقط یک کره ارض ،، تشکیل گردید و یک جوان بهائی از بومیان امریکا بنمایندگی جوانان ایالات متحده به آن کشور رفت . شست نفر جوانان به هلسینگی ، لنین گراد و مسکو ۲۷ مارس برای مذاکرات صلح با جوانان و اولیای امور رفتند و ۱۴ اوریل در آکادمی علوم با دبیر کل گورباجف ملاقات کردند . در کشور ساحل عاج ۲ فوریه در حظیره القدس ملی در ابیجان Abijan مخبرین جرائد و تلویزیون از جلسه مخصوصی که برای تشویق آنان بدرج اخبار راجع به وضع وخیم بهائیان ایران منعقد شده بود حضور یافتند و چهار ناطق بهائی راجع به اصول امر و تشکیلات اداری و لزوم تعلیم و تربیت صحبت کردند و عکس العمل روزنامه نگاران بسیار مساعد و مطلوب بود و پیش بینی میشود موضوع های بهائی با صراحة در رسانه ها درج گردد .

در هندوستان قریه ای بهائی در ایالت مادمیا پراشد عید مولود حضرت بهاءالله را با اشتیاق تمام چشم گرفت تمام قریه را با شمع روشن کرده گروهی از نسوان در سراسر قریه حرکت نموده سرودهای بهائی میخواندند .

از جمله مساعی جمیله بهائیان هندوستان در خوش آب و هوا کردن محیط اقدام به درختکاری و تولید جنگل است . شاگردان مدرسه ریانی واقع در دامنه تپه ای مشرف به دره های اطراف با درختکاری روی تپه از خرابی زمین بوسیله سیل جلوگیری نموده اند . در سه ناحیه ایالت اوتار پرادش مدارس قریه ای در ۵۰ قریه شاگردان مدارس و اولیای آنان در سال ۱۹۸۷ به درختکاری مبادرت نموده در طی سال هشت هزار درخت کاشته اند و قرار است در سال بعد این عدد را دو برابر کنند . شاگردان مدرسه ریانی از ۱۹۸۵ تا بحال بیش از ده هزار درخت در محوطه دو مدرسه و چهار هزار درخت در قریه های مجاور کاشته اند . در قلمستانی که ۱۹۸۴ ایجاد شد بیش از چهل هزار نهال و در دو قریه مجاور هر یک پانزده هزار نهال کاشته شده است .

اخبار و بشارات کوتاه و مختصر .

در سری لانکا طی نقشه تبلیغی که توسط محفل روحانی محلی ماه ژانویه در یکی از بlad و موسوم به کندي Kandy اجرا شد ۲۶۸ مرکز جدید فتح و یازده محفل روحانی محلی جدید تشکیل گردید ۷۰۶ تن مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند . در پیام تلگرافی که ۹ مارس بارض اقدس مخابره شده گفته اند تحکیم مراکز مفتوحه و تقویت محافل جدید التأسیس ادامه خواهد داشت

در بنگلادش نتیجه فعالیت تبلیغی در ماه فوریه تسجيل ۲۳۴ نفر مؤمنین جدید و تشکیل ده محفل روحانی محلی جدید گردید . ده خانواده در ظل امر وارد شدند و در ناحیه شمال غربی مایمنسنگ Mymensingh همان ایام بهمت مهاجرین و احبابی محلی بیش از صد نفر تسجيل شدند و شش محفل روحانی محلی جدید تشکیل شد .

و صدای دست زدن حضار در انجمن بلند شد . سپس از دو عضو معهد عظمی جناب بورا کاولن و دیوید هافمن که بازنشسته شده اند تقاضا شد روی صحنه بیانند و جمع نمایندگان همراه کارمندان مرکز جهانی با احترام و تعظیم خدمات خالصانه ایشان را در مدت مدید تقدیر نمودند از سه عضو سابق بیت العدل اعظم نیز با محبت یاد شد : جناب چارلز ولکات که اخیراً صعود نموده و متصاعد الی الله ایموز گیبسون (Amoz Gibson) و دکتر لطف الله حکیم که بترتیب دختر و نواده ایشان جزو نمایندگان حاضر در انجمن بودند . چون غیبت اجباری نمایندگان ایران اعلام گردید یاد بهائیان ستمدیده مهد امرالله احساسی توأم از غم و میاهات در جمع نمایندگان ایجاد نمود . در اولین جلسه انجمن امة البهاء روحیه خانم ضمن نطق افتتاحیه خود فرمودند : ،، ما قلبآ احساس میکنیم که جای قدیمیترین جامعه بهائی دوستان ایران در این انجمن خالی است ،، سپس در مرح و ثنای فداکاریها و تحمل مصائب برادران و خواهران خود در ایران سخن گفته اعلان نمودند مناجات ختم بیاد شان تلوت خواهد شد و گلدان بزرگی با ۱۲۰ عدد گل سرخ را که از طرف بهائیان ایران تقدیم انجمن شده بود روی صحنه آوردند . حضور پنج تن ایادی امرالله روحانیت مخصوصی به انجمن عطا کرد : امة البهاء روحیه خانم و حضرات علی اکبر فروتن ، دکتر علی محمد ورقا ، وویلیام سیرز و کالیس فدرستون . این یادگارهای عزیز حضرت ولی امرالله هر کدام بنحوی شایسته و ممتاز در پنج روز انجمن شرکت نمودند . جناب ورقا در مورد حقوق الله فرمودند : ،، این یک وظیفه روحانی است که اساس آن بر مبنای محبت در قلوب یاران میباشد و جنبه محسوسی از عهد و ميثاق الهی است و رابطه بین خدا و انسان را قوی و محکم مینماید ،، سایر ایادی در موضوع های مربوط به پیام رضوان بیت العدل اعظم سخن

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۱۷۶ - اوریل ۱۹۸۸ (تاریخ وصول
۱۸ ماه می)

ششمین انجمن شور روحانی بین المللی .
۲۹ اوریل - ۲ ماه می

ششمین انجمن شور روحانی بین المللی صبح جمعه ۲۹ آوریل توسط امة البهاء روحیه خانم افتتاح و مناجات شروع به چهار زبان تلوت گردید . ۶۶۳ تن نمایندگان در سالون پذیرائی حیفا (Haifa Auditorium) برای انتخاب نه نفر اعضاء بیت العدل اعظم در پنج سال آینده حضور یافتند . این عده نماینده ۱۳۲ محفل از ۱۴۸ محفل روحانی ملی در عالم بودند . اعضاء ۱۶ محفل دیگر که قادر به حضور نبودند آراء خود را با پست فرستاده بودند . شرکت کنندگان اغلب ملبس به لباس های ملی خود که هر کدام برای ابداء رأی پیش میآمدند آرایش های مخصوصی با رنگ های مختلف به جمع داده بود و از همه جالب تر حضور دو نماینده از کشور کوبا بود که برای اولین بار در انجمن شور روحانی بین المللی شرکت میکردند و حرکتشان بطرف صندوق رأی با دست زدن حضار توأم گردید . نتیجه آراء ظهر شنبه ۳۰ آوریل توسط رئیس هیئت نظار دکتر فیروز کاظم زاده اعلام گردید از اینقرار : اعضاء بیت العدل اعظم : جناب علی نججوانی ، Mr. Glenford گلنفورد میچل (Mitchell) جناب هوشمند فتح اعظم ، جناب ایان سمپل (Mr. Ian Semple) دکتر پیتر خان (Dr. Peter Khan) ، دکتر دیوید روح Dr. David Ruhe جناب هیو چانس (Mr. Hugh Chance) ، جناب هوپر دنبار Mr. Hooper Dunbar و جناب ادیب طاهر زاده . از اعضاء محترم جدید الانتخاب معهد اعلی تقاضا شد روی صحنه تشریف بیاورند

جوانان و اطفال بهائی که قوای آتیه در ترویج امرالله هستند . احترام برای همکاری های فرهنگی ذیقیمت مردمان بومی - و بحث راجع بوسائل مؤثر برای ازدیاد مقبلین با مر و طریق نگاهداری مؤمنین جدید .

در طی انجمن شور بین المللی ایام متبرکه جشن گرفته میشود

ایام متبرکه نهم و دوازدهم رضوان در طی انجمن شور بین المللی جشن گرفته شد . نهم رضوان در حیاط و باغ مقابل مسافر خانه حیفا جنب مقام اعلیٰ محفل جشن با نظامت ایادی امرالله ویلیام سیرز منعقد و آثار مبارکه به پنج زبان عربی ، انگلیسی ، اسپانیولی ، فرانسه و فارسی تلاوت گردید سپس زیارتname خوانده شد و جمع دوستان با سکوت و احترام دور مقام اعلیٰ طوف کردند . یوم دوازدهم رضوان بعد از ختم آخرین جلسه انجمن شور روحانی بین المللی تمام نمایندگان و جمعی مهمانان و افراد خانواده های مقیم مرکز جهانی در حرم اقدس در بهجی مجتمع و ناظر جلوه بهاری باغ های مقابل بودند مراسم جشن با بیانات ایادی امرالله کالیس فدرستون راجع به اهمیت یوم مبارک و تلاوت لوح و مناجات به پنج زبان بر گزار شد و جمع دوستان متجاوز از هزار نفس به طوف روشه مبارکه پرداختند . جلسات مشورتی چند محفل روحانی ملی با یکدیگر و با هیئت مشاورین قاره ای .

قبل از تشکیل انجمن شور روحانی بین المللی تعدادی جلسات مشورتی منعقد گردید که در هر یک چند محفل روحانی ملی که اهداف مشترک داشتند شرکت نمودند و نیز بعد از جلسات روزانه انجمن جلسات مشورتی با شرکت چند محفل روحانی ملی منعقد گردید که تا پاسی از شب ادامه داشت و نیز جلساتی با شرکت

گفتند و مسیتر ویلیام سیرز تحیات سه تن ایادی امرالله را که نتوانسته اند در انجمن شرکت کنند : دکتر یوگو جیاگری ، جناب جلال خاضع Mr. John Robarts) ابلاغ نمودند در جلسات مشورت نمایندگان مشاورین قاره ای نظامت جلسه را بعده داشتند : دکتر ماگدالین کارنی عضو دارالتبليغ بین المللی ، خانم زینا سوراجی مشاور قاره ای آسیا و دکتر ویلما بریدی Dr. Wilma Brady) مشاوره قاره ای در امریکا ، خانم جوی استیونسون Mrs. Joy Stevenson) مشاور قاره ای اقیانوسیه ، خانم لوکریتا Mr. Lucreta Mancho) مانچو وارن Warren مشاور قاره ای افریقا ، خانم پولین رافت مشاور قاره ای اروپا در پنج جلسه مشورتی انجمن نمایندگان از ممالک مختلفه همگی در موضوع های ذیل نظریات خود را اظهار داشتند :

- ۱- بسط و توسعه جامعه بهائی بعنوان نمونه . تقویت وحدت و یگانگی . عهد و میثاق در تمام جنبه های آن . ۲- برای ترویج صلح چه اقدامات دیگر لازم است . جامعه بهائی برای بسط و توسعه اجتماعی و اقتصادی چه میتواند بکند ؟ ۳- ارتباط تعالیم امر با احتیاجات و مشروعات عالم . پیشرفت دانش و تخصص بهائی ۴- جلب تعداد روز افزون مؤمنین جدید با مر و تحکیم و تقویت آنان . ۵- تکامل صندوق های امر - صندوق تبریعات برای نقشه قوس کرمل . حقوق الله ، معمار و طراح ابنيه کوه کرمل جناب حسین امامت و جناب فریبزر صهبا با نشان دادن اسلامی توجه نمایندگان را به جزئیات بنا و عظمت آن و احتیاجات مالی نقشه جلب نمودند . موضوع های دیگر که در انجمن شور روحانی بین المللی مورد شور قرار گرفت عبارتند از : اصل تساوی رجال و نساء و نقش زنان در تأمین صلح - تعلیم و تربیت

کرده بودند یاد آور شدند . ناطقین دیگر از جمله دکتر مسعود برجیس در شرح حیات و تعالیم و اسفار حضرت عبدالبهاء سخن گفتند . در ۱۶ اوریل جامعه بهائی اطربیش با حضور امّه البهاء روحیه خانم هفتاد و پنجمین سال سفر حضرت عبدالبهاء را در وین جشن گرفتند . امّه البهاء با لطف و محبت جامعه بهائی اطربیش را به سعی و اهتمام در امر تبلیغ و توجه بر حیات بهائی تشویق نمودند روزهای ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ اوریل به یاد سفر حضرت عبدالبهاء به بوداپست در آن شهر جشن گرفته شد . موفقیّت بهائیان بنکلادادش در ترویج امر و خدمات اجتماعی

در طی ماه گذشته در ناحیه خولنا (Khulna) بنکلادادش ۲۳۴ نفر مومین جدید در ظل امر وارد شدند و ده محفل روحانی محلی تشکیل گردید . جناب سعید اختر خاوری یک مسافر بهائی با همراهی دکتر بهار شش روز به اقدامات تبلیغی در ناحیه خولنا پرداخته موفق شدند ۱۵۸ نفر مومین جدید را در ظل امر وارد نموده پنج محفل روحانی محلی تشکیل دهند . مدت چهار روز از ۲۰- ۲۳ زانویه در سه قریه مختلف اردوی طبی تشکیل گردید پانصد نفر بیماران بدنه و بیش از یکصد نفر معلولین دندان معالجه شدند به متجاوز از سیصد حیوان واکسن زده شد . سه پزشک بهائی دکتر شهیدی ، دکتر شهبانی و دکتر شاهد در این خدمات طبی شرکت داشتند و در ایامی که اردوی طبی کار میکرد دو مبلغ سیار بهائی در قراء اطراف سفر کردند در نیتیجه ۲۸ نفر مومین جدید در ظل امر الهی وارد شدند و نه ۹ محفل روحانی تشکیل گردید .



محافل روحانی ملی و هیئت مشاورین قاره ای منعقد گردید . جمعاً ۱۶ تن مشاورین از پنج هیئت مشاورین قاره ای در انجمن شرکت داشتند : ۱۶ تن از افريقا ، ۱۶ تن از قاره امریکا ، ۱۲ تن از آسیا ، ۸ تن از اقیانوسیه و ۹ تن از اروپا . جلسات مخصوص تحت اشراف دار التبلیغ بین المللی برای مشاورین قاره ای منعقد گردید . بعد از انجمن شور بین المللی حضرات ایادی امرالله و مشاورین قاره ای برای شرکت در یک کنفرانس مشاورین و مشاوره با بیت العدل اعظم از سوم تا هشتم ماه می در حیفا ماندند .

اسفار بین المللی ایادی امرالله امّه البهاء روحیه خانم روز ۹ آوریل در کنفرانس مخصوصی که در اشتوتکارت با شرکت ۱۲۰۰ نفر احبا از آلمان و اطراف آن منعقد گردید دوستان را از نعمت حضور خود ببره مند نمودند . مشاورین محترم انلید بوب (Anneliede Bopp) عضو دارالتبلیغ بین المللی و اورسولا موشلگل (Ursula Muhl schlegel) و اعضاء محفل ووحانی ملی آلمان نیز حضور داشتند . این کنفرانس که عظیم ترین کنفرانس بهائی ملی در آلمان بود در جریان جشن های هفتاد و پنجمین سال سفر حضرت عبدالبهاء به آن کشور ترتیب یافت . و حضور امّه البهاء بخصوص نطق ایشان بزبان آلمانی باعث بهجت و انبساط قلوب احبا گردید . بیانات ایشان راجع به طرز تبلیغ امرالله در زمان حاضر و آمادگی برای اقبال دسته جمعی نفوس بود . روز دهم آوریل نیز در محل دیگر اشتوتکارت مراسم جشن برگزار شد و شهردار اشتوتکارت دکتر مانفرد رومل (Dr. Manfred Rommel) با نطق خود حاضرین را خوش آمد گفت . قطعاً از آثار حضرت عبدالبهاء تلاوت گردید و امّه البهاء ضمن بیانات خود خاطراتی از ۳۷- ۱۹۳۶ که پیروان قدیمی بهاء الله را ملاقات

اخبار مصوّر



حضرات ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم
و جناب علی اکبر فروتن و ۹ تن مشاورین
عضو دارتبیع بین المللی .

The Hands of the Cause in the Holy Land Amatu'l-Bahá Rúhiyyih Khánum and 'Ali Akbar Furútan and the Counsellor members of the International Teaching Centre. Pictured above, back row (left to right): Mr. Hartmut Grossmann, Mr. Mas'ud Khamisi, Dr. Magdalene Carney, Mr. Donald Rogers, Dr. Farzám Árbáb. Front row (left to right): Mrs. Joy Stevenson, Mrs. Laurette King, the Hands of the Cause 'Ali Akbar Furútan and Amatu'l-Bahá Rúhiyyih Khánum, Mr. Peter Vuyiya, Mrs. Isobel Sabri.



عالیجتاب (ALEXANDER FARRELLY) فرماندار ویرجین آیلندز از توابع ایالت متحده آمریکا در حال دریافت پیام صلح بیت العدل اعظم از بانو جون بنت (JOAN BENNETT) رئیس محفل روحانی ملی بهائیان آن سامان و سه تن از مشاوران قاره ای امریکا : دکتر ویلما بریدی (W. BRADY) پرینکل (A. SMITH) و جناب الن اسمیت (R. PRINGLE)



منشی محفل روحانی ملی بهائیان ایرلند ، جناب پاتریک امارا (P. O'MARA) (نفر سمت چپ) در حال مذاکره با نایب نخست وزیر و وزیر امور خارجه ایرلند (نفر وسط) بمناسبت بازدید آقای آنتلو دالمیدا ریبیرو (A. D'ALMEIDA RIBEIRO) نماینده مخصوص سازمان ملل متحد در امور ناسازگاریهای منعی ، از ایرلند . جامعه بهائی ایرلند از جانب ۱۳ سازمان در جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی ، مقدمات بازدید نماینده سازمان ملل را به ایرلند فراهم ساخت . طی سه روز اقامت آقای ریبیرو ، نمایندگان جامعه بهائی در جلسات مختلفه ای با حضور رهبران فکری جامعه بهائی ایرلند بنحوی سابقه ای شرکت فعال داشتند .



۸۲ کودک شرکت در مراسم نوروز در نیامی Niami در کشور افریقای نیجر در مارس ۱۹۸۸ . اخیراً مبلغین سیار کانادایی مراتب شکننی و حیرت خود را از اینکه اطفال چگونه قادرند ادعیه و آوازهای بهائی را به تعداد زیاد از بَرَ (حفظ) کنند ، بیان داشتند . زنان و مردان بهائی در اداره کلاس درس اخلاق مشارکت دارند .

مدرسه بهائی سکویا نزدیک ماراکایبو - ونزوئلا .

در حال آموختن ریاضیات از طریق کارتهای بازی این مدرسه بهائی ، اطفالی را که بدلاًی از قبیل محدودیت ، سنی عدم قابلیت های یادگیری ، نداشتن شناسنامه و یا عدم قدرت پرداخت شهریه نمیتوانند در مدارس عمومی ثبت نام کنند ، میبینید و آموزش میدهد .



۴ تن از ۷۱۷ شرکت کننده در مجمع مهمی که در آن تعداد کثیری از اهالی محلی جزیره و بومیان حضور داشتند . این عکس نمایانگر شرکت ملیت ها و

نزادهای مختلف در کنفرانس مزبور است . از راست به چپ نمایندگان ملیت هاو نزادهای مختلف گینه جدید پایوآئی ، آسیائی ، بومیان استرالیائی و ایرانی در جامعه چند ملیتی و چند فرهنگی استرالیا دیده میشوند .



غرفه مؤسسه مطبوعات بهائی انگلستان در حال نمایش و ارائه کتب و آثار گوتاگون بهائی از انتشارات آن مؤسسه و مقداری دیگر از مؤسسات مطبوعاتی نظیر مؤسسه مطبوعات بهائی امریکا ، جرج رلاند ، کلمات پرس و انجمن مطالعات بهائی ، در نمایش بین المللی کتاب در لندن ، در ماه مارس .



این نمایشگاه را والاحضرت دوشیز یورک افتتاح و هنگام عبور از غرفه بهائی آنرا نظره نمود . تعداد کثیری از بازدید کنندگان نمایشگاه تحت تأثیر غرفه بهائی قرار گرفتند و غرفه فرصت مناسبی بدست داد که امراللهی در سطح وسیعی اعلان و ابلاغ شود .

نامه هشتم زرجه

۱- یکی از خوانندگان ارجمند مجله عنده بعنوان نامه ای مفصل و تعریف از مجله عنده این داشته که وظیفه جوانان تحصیل زبان فارسی و مطالعه آثار جناب دکتر علی مراد داودی میباشد که اخیراً بواسطه جناب دکتر وحید رأفتی تنظیم و تدوین شده است . از این دوست با ذوق و اهل مطالعه مشکریم .

۲- جناب فرهنگ یزدانی با ارسال نامه ای ادبی بعنوان یادی از استاد دکتر علی مراد داودی مطالبی درباره این بزرگوار ، دانشمند بهائی نوشته اند . از جناب یزدانی مشکریم و امیدواریم شرح حال این استاد ارجمند را یکی از تلامذاهایشان و یا از منسوبانشان برای درج در عنده این دوست بفرستند .

۳- سرکار خانم روحانیه ضرغام (گلستانه) با ارسال فتوکپی روزنامه (Panorama Region) که مزین بشما میباشد حضرت مولی الوری و تصویر عده ای از دوستان ملازم حضور من جمله پدر ایشان ارباب فرج الله ضرغام علیه رضوان الله بوده ارسال و افراد عکس را نیز معرفی کرده اند ضمن تشکر از ایشان باطلاعشان میرسانیم که چاپ عکس از روی فتوکپی چندان رضایت بخش نیست لذا هر گاه اصل عکس را ارسال دارند در عنده بفرستند .

۴- جناب دکتر منصور برجیس در نامه خود بعنوان عنده برقایق عالیه که به بعضی از شعراء الهام شده و پیشراحتی درباره ظهور بتوییح ابلاغ تصریح داده اند نگاشته و به بعضی از اشعار استناد نموده اند که عیناً قسمتی از نامه ایشان ذیلانه نقل میگردد .
حضرت رب اعلی فرموده اند که گاهی بسیاری از حقایق به شعراء عالی مقام الهام شده که شاید خودشان هم بعظمت آن واقع نبوده اند . از جمله این شعراء حافظ ، مولوی و شاه نعمت الله ولی و غیره میباشند .

۱- در مورد این ظهور اعظم به فردوسی شهریور چنین الهام شده :

بیاید از این پس یکی نامدار
زدشت سواران نیزه گذار

یکی مرد پاکیزه نیک خوی
بدو دین یزدان رود چارسوی

کزوگردد ایمن جهان از بدی

 بتا بد از او فره ازدی !

که دشت سواران نیزه گذار همان دشت مازندران است و حضرت بهاء الله از نور مازندران بودند و فره ایزدی درست به معنی بهاء الله است که برای چهارسوی جهان اعلان وحدت عالم انسانی و صلح و صفا و ایمنی فرموده است !

۲- شاه نعمت الله ولی نیز چقدر جالب دگرگونی ها و انحرافات دینی را تشریح و پیش گوئی نموده است : از جمله :

در سال غرس من دو قران می بینم از مهدی و دجال نشان می بینم
این نوع دگرگردد و احکام دگر این سرنهان است عیان می بینم!

$$\begin{array}{r}
 1000 = غ \\
 400 = ر \\
 \hline
 60 = س \\
 \hline
 1260
 \end{array}$$

که مقصوداز سال غرس سال ۱۲۶۰ است بحساب ابجد:
ملاحظه فرمائید که چگونه باب اعظم درست در سال ۱۲۶۰ علناً
رسالت عظیم خود را به جهانیان عرضه کرد و دنیا را بستارت به
ظهوری عظیم و نزدیک خبر داد که احکامش جهانرا دگرگون خواهد
ساخت.

۳- صحبت لاری نیز در مورد شیرازگوید:
هر که را خواهی بخود انبازگیر توشه بر گیرو ره شیراز گیر
از ادب گردی بگردش طرف ساز بر زبان لبیک لبیک از نیاز!

۴- ایضاً حافظ لسان الغیب چقدر جالب آینده را روشن نموده:
مژده ایدل که مسیحا نفسی میاید که زانفاس خوشش بوي کسی میاید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من زده ام فالی و فریاد رسی میاید!
و در جواب حافظ، شهید مجید جناب هوشنگ محمودی چنین سروده:
رب اعلی است مسیحا نفسی کز نفسش بوي فریاد رسی میاید
و آن فریاد رس عظیم حضرت بهاء الله است که نظم بدیع جهانی را برای رفاه و نجات بشر از جانب خالق
عظیم به ارمغان آورد.

۵- جناب نجات صهبا شعری از خانم ماه مهر گلستانه درباره صلح فرستاده اند که از ایشان ممنونیم.

۶- جناب غلام عباس آذرکده ضمن اظهار محبت نسبت به مجله عنديب بجهتی از طرق صرفه جوئی به منظور تزئید تبرّعات ببيان داشته اند که درخور توجه است. از جمله صرفه جوئی در مخارج مجالس جشن و سور و تقليل در هزینه تزئینات منازل و ارسال گل و هدايا و کارت برای همديگر و امثالهم ميباشد.

۷- خانم نورانیه آزادی مقاله ای درباره عظمت مقام خداوند جلیل و عدم امکان عرفان ذات احادیث مرقوم فرموده اند از ایشان ممنونیم.

۸- جناب کیکاووس فهندز سعدی دو قطعه شعر از شاعر شهیر بهائي لقايی کاشاني و شهید مجید اوچي
فرستاده اند که بموضع مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۹- جناب محمد باقر احراری قطعه شعری بمناسبت گرفتاري بعضی از منسوبین خود فرستاده اند که مطلع آن چنین است.
کاش میشد سفره دل باز کرد

۱۰- جناب فرزانه کمال آبادی منظومه ای از پدر خود بنام دکتر ولی الله کمال آبادی که چند بیت آن ذیلاً نقل میگردد.

خرد پیشه اندیشه گر خوار شد نما فکر و راه خرد پیشه کن تواریخ پر از نشیب و فراز جهان زین همه کشت و کشتارها بجز انهدام و دمار و شکست دل من نوید بقاء می دهد بمن مژده ها از صفا می دهد	اگر چه افق تیره و تار شد دلا لحظه ای سخت اندیشه کن که در طی بسی سالهای دراز و زین گیرودار پر از ماجرا نبرده است سودی و طرفی نبست
--	--





‘ANDALÍB

